



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



انجمن اہل سنت

لاہور

پبلشرز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام عسکری علیه السلام الگوی زندگی

نویسنده:

حبیب الله احمدی

ناشر چاپی:

فاطمیما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	امام عسکری علیه السلام الگوی زندگی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۳	پیشگفتار
۲۳	برتری عترت
۲۴	عصمت
۲۷	دانش لدنی
۲۹	نقش عالم دینی
۳۰	شفاعت
۳۱	توسل
۳۳	شاهدان رفتار
۳۴	راه مستقیم
۳۵	آغاز و انجام
۳۶	غم زدایی
۳۸	حَمَلَةُ کتاب الله
۳۹	عترت و سیاست
۴۲	بخش اول : سیری در زندگی امام عسکری علیه السلام
۴۲	ولادت
۴۳	محل ولادت
۴۳	تبار پدر
۴۴	مادر
۴۵	مادری آفریقایی

- ۴۵ دامن های پاک
- ۴۶ تربیت
- ۴۷ شکل و اندام
- ۴۹ نام و نشان
- ۵۰ چرا عسکری نامیده شده؟
- ۵۱ شناسنامه
- ۵۲ فرزند
- ۵۴ شهادت
- ۵۶ چگونه به شهادت رسیدند؟
- ۵۷ تجهیز
- ۵۹ تشییع با شکوه
- ۶۰ تدفین
- ۶۱ زیارت امام عسکری علیه السلام
- ۶۳ بخش دوم : برخی فضایل امام عسکری علیه السلام
- ۶۳ اعتراف ها
- ۶۴ معتمد عباسی
- ۶۵ اسحاق کندی
- ۶۵ راهب
- ۶۶ زندان بان
- ۶۷ والد المنتظر (عج)
- ۶۸ عبادت
- ۶۹ زهد
- ۷۱ دانش
- ۷۳ امام مملک، امام ملکوت
- ۷۵ دوران کودکی
- ۷۷ سخاوت

۸۱	بخش سوم : امام عسکری علیه السلام و آموزه های عرشی
۸۱	اعتدال در عبادت
۸۴	راه عبادت
۸۵	راه خیرخواهی
۸۶	فرهنگ سازان
۸۸	رفتار شیعه
۸۹	حفظ اسرار
۹۳	چند نکته مهم
۹۳	برخورد با دگراندیش
۹۶	خطر شرک
۹۸	مرگ آغازی دیگر
۱۰۲	بخش چهارم : امام عسکری علیه السلام و جریان های اجتماعی
۱۰۲	دوران ویژه
۱۰۴	بحران مشروعیت
۱۰۵	تحلیل اجتماعی امام عسکری علیه السلام
۱۰۶	دوران خلفای معاصر
۱۰۷	اوضاع سیاسی
۱۰۹	ترک ها و خلیفه
۱۱۰	ساختار حکومت
۱۱۱	عباسیان
۱۱۷	عباسیان و ترک ها
۱۱۸	خلیفه تشریفاتی
۱۲۰	اجتماعی و اقتصادی
۱۲۲	روی کردی دیگر
۱۲۴	عباسیان و علویان
۱۲۶	جدایی امام و امت

- ۱۲۸ فراخوانی و تبعید امام عسکری علیه السلام
- ۱۲۹ مراقبت شدید
- ۱۳۰ زندان
- ۱۳۲ علویان و زندان
- ۱۳۴ موقعیت اجتماعی
- ۱۳۸ بحران اعتقادی شیعه
- ۱۴۰ جعفر کذاب!
- ۱۴۳ انتظار از دوران ویژه
- ۱۴۴ ایجاد ارتباط
- ۱۴۵ شبکه نمایندگی ها
- ۱۴۶ ساختار سازمان نمایندگی
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۹ ۱. احمد بن اسحاق اشعری قمی
- ۱۵۰ ۲. احمد بن اسحاق رازی
- ۱۵۰ ۳. ایوب بن نوح
- ۱۵۱ ۴. ابراهیم بن عبده نیشابوری
- ۱۵۱ ۵. اسحاق بن اسماعیل
- ۱۵۱ ۶. جعفر بن سهیل
- ۱۵۲ ۷. علی بن جعفر
- ۱۵۲ ۸. محمد بن احمد بن جعفر القمی
- ۱۵۲ ۹. محمد بن ابراهیم بن مهزیار
- ۱۵۲ ۱۰. محمد بن صالح محمد دهقان
- ۱۵۳ ۱۱. محمد بن عثمان
- ۱۵۳ ۱۲. حفص بن عمرو
- ۱۵۳ ۱۳. قاسم بن علاء
- ۱۵۳ ۱۴. عروه بن یحیی

۱۵۵	قیام ها
۱۶۰	فتنه صاحب زنج
۱۶۲	فقه و فرهنگ
۱۶۴	نقش فرهنگی اصحاب
۱۷۴	سخت گیری عباسیان
۱۷۶	پیدا و پنهان
۱۷۷	پنهان
۱۸۰	پیدا
۱۸۵	گزیده منابع
۱۹۱	درباره مرکز

سرشناسه: احمدی، حبیب الله، 1336 -

عنوان و نام پدیدآور: امام عسکری علیه السلام الگوی زندگی [کتاب]/ حبیب الله احمدی.

مشخصات نشر: قم: فاطیما، 1393.

مشخصات ظاهری: 175 ص.؛ 14/5×21/5 س م.

فروست: انتشارات فاطیما؛ 13.

شابک: 5-07-2623-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Habib-o--llah Ahmadi. Imam Askari. ...

یادداشت: چاپ دوم: 1393.

یادداشت: کتابنامه: ص. [173] - 175؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، 232 - 260 ق.

رده بندی کنگره: BP50/الف26الف8 1393

رده بندی دیویی: 297/9584

شماره کتابشناسی ملی: 3453272

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تقدیم به

امام عسکری علیہ السلام

والد محمد بن الحسن المہدی (عج) امید زندگی

ص: 3

امام عسكرى عليه السلام

الگوى زندكى

حبيب الله احمدى

ص: 4

فهرست مطالب

پیشگفتار... 11

برتری عترت... 11

عصمت... 12

دانش لدنی... 15

نقش عالمِ دینی... 17

شفاعت... 18

توسل... 19

شاهدان رفتار... 21

راه مستقیم... 22

أنتم الصراط الأقوم... 22

آغاز و انجام... 23

من اراد الله بدأ بكم... 23

ص: 5

غم زدایی...24

بکم ینفس الهم و یکشف الضر...24

حمله کتاب الله...26

عترت و سیاست...27

بخش اول: سیری در زندگی امام عسکری علیه السلام...30

ولادت...30

محل ولادت...31

تبار پدر...31

مادر...32

مادری آفریقایی...33

دامن های پاک...33

تربیت...34

شکل و اندام...35

نام و نشان...37

چرا عسکری نامیده شده؟...38

شناسنامه...39

فرزند...40

شهادت...42

چگونه به شهادت رسیدند؟...44

تجهیز...45

تشییع با شکوه...47

زیارت امام عسکری علیه السلام...49

بخش دوم: برخی فضایل امام عسکری علیه السلام...51

اعتراف ها...51

ص: 6

52... معتمد عباسی

53... اسحاق کندی

53... راهب

54... زندان بان

55... والد المنتظر (عج)

56... عبادت

57... زهد

59... دانش

61... امام مُلک، امام ملکوت

63... دوران کودکی

65... سخاوت

69... بخش سوم: امام عسکری علیه السلام و آموزه های عرشی

69... اعتدال در عبادت

72... راه عبادت

73... راه خیرخواهی

74... فرهنگ سازان

74... آثار مکتوب

76... رفتار شیعه

77... حفظ اسرار

81... چند نکته مهم

81... برخورد با دگراندیش

خطر شرک...84

مرگ آغازی دیگر...86

بخش چهارم: امام عسکری علیه السلام و جریان های اجتماعی ... 90

دوران ویژه...90

ص: 7

- بحران مشروعیت...92
- تحلیل اجتماعی امام عسکری علیه السلام...93
- دوران خلفای معاصر...94
- اوضاع سیاسی...95
- ترک ها و خلیفه...97
- ساختار حکومت...98
- عباسیان...99
- عباسیان و ترک ها...105
- خلیفه تشریفاتی...106
- اجتماعی و اقتصادی...108
- روی کردی دیگر...110
- عباسیان و علویان...112
- جدایی امام و امت...114
- فراخوانی و تبعید امام عسکری علیه السلام...116
- مراقبت شدید...117
- زندان...118
- علویان و زندان...120
- موقعیت اجتماعی...122
- بحران اعتقادی شیعه...126
- جعفر کذاب!...128
- انتظار از دوران ویژه...131

ایجاد ارتباط...132

شبکه نمایندگی ها...134

ساختار سازمان نمایندگی...134

1 احمد بن اسحاق اشعری قمی...137

2 احمد بن اسحاق رازی...138

3 ایوب بن نوح...138

ص: 8

- 4 ابراهيم بن عبده نيشابورى...139
- 5 اسحاق بن اسماعيل...139
- 6 جعفر بن سهيل...139
- 7 على بن جعفر...140
- 8 محمد بن احمد بن جعفر القمى...140
- 9 محمد بن ابراهيم بن مهزيار...140
- 10 محمد بن صالح محمد دهقان...140
- 11 محمد بن عثمان...141
- 12 حفص بن عمرو...141
- 13 قاسم بن علاء...141
- 14 عروة بن يحيى...141
- قيام ها...143
- فتنه صاحب زنج...148
- فقه و فرهنگ...150
- نقش فرهنگى اصحاب...152
- سخت گيرى عباسيان...162
- پيدا و پنهان...164
- پنهان...165
- پيدا...168
- گزیده منابع...173

تفاضل و برتری انسان ها بر دو محور تقوا و دانش استوار است. هر کس در این دو فضیلت پیش تر باشد برتر است. انبیا الهی در این میدان مسابقه گوی سبقت را از دیگران ربوده اند. نیز انبیا اولوالعزم که برترین آنان اند، برندگان میدان مسابقه بین انبیا می باشند. عترت رسول الله صلی الله علیه وآله برتر از انبیا اولوالعزم، پیشرو این رقابت می باشند. عترت تنها از یک الگوباز مانده است و آن خاتم الانبیا رسول الله صلی الله علیه وآله است. رسول الله صلی الله علیه وآله الگوی اولین و آخرین این رقابت است. شرح برتری عترت بر انبیا اولوالعزم در نوشتار فاطمه علیها السلام الگوی زندگی آمده است (1). برای یاد آوری مخاطبان عزیز، چکیده آن اشاره می شود.

بر اساس روایات متواتر فراوان عترت رسول الله صلی الله علیه وآله بر انبیا برتری دارند، لا من نبی ولا من رسول الا بولا یتنا و تفضیلنا علی من سوانا. ما من نبی قط الا بمعرفته حقنا و بفضلنا علی من سوانا. نسبح یسبح اهل السماء لتسییحنا، سبحنا فسیح اهل الارض. فکل علم خرج

ص: 11

الی اهل السموات و الارض فمنا و عنا. این زبان گویای عترت برای برتری آنان بر دیگر انسان ها و دیگر پیامبران است.

نیز در تفسیر آیات قرآن، ابراهیم خلیل که برترین انبیا اولوالعزم غیر از رسول الله صلی الله علیه و آله است، آرزوی مقام عترت را دارد. قرآن در یک مورد انبیا را از صالحان و شایستگان عنوان می کند. **كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ (1)**. آن گاه دعای ابراهیم خلیل را که خود از صالحان است این گونه مطرح می سازد که ابراهیم درخواست می کند در آخرت همراه صالحان باشد، **رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (2)**. معلوم می شود صالحان مراحل و مراتب دارند که ابراهیم در خواست مراحل برتر را دارد. خدای سبحان هم در خواست وی را اجابت نموده در آخرت ابراهیم را به صالحان برتر ملحق و همراه می سازد. صالحانی که برتر از ابراهیم خلیل اند و وی درخواست همراهی آنان را دارد، جز اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله کس دیگری نمی باشد **(3)**. این گونه عترت برتر از انبیا اولوالعزم می باشد.

عصمت

فضیلت محوری عترت، تقوا و طهارت آنان است. در پرهیز کاری اگر کسی راه اعتدال در پیش گیرد و فردی مقاوم در برابر گناه باشد، عادل خواهد بود. در تحقق عدالت شکل گیری ملکه نفسانی لازم

ص: 12

1- انعام، 85

2- شعراء، 82

3- المیزان، ج 1، ص 305

نیست. بلکه استقامت در رفتار کفایت می کند. گر چه فرد عادل ممکن است گاهی مرتکب گناه شود (که اکنون فرصت تحلیل آن نیست) اما عصمت مرحله برتر از عدالت است. معصوم کسی است که در تمام عمر گناه نکند. عصمت را می توان "معصومیت از گناه و مصونیت از

اشتباه در امور دینی" تعریف کرد.

انبیا الهی برای جلب اعتماد مردم باید از این مرحله از عصمت برخوردار باشند. جانشینان رسول الله صلی الله علیه وآله یعنی عترت نیز باید همین مرحله از عصمت را داشته باشند. اگر ائمه معصوم نباشند نمی توانند در باور، اخلاق و رفتار، الگوی فراگیر برای دیگران باشند. عصمت همانند دانش لدنی فضیلت محوری می باشد. این دو به منزله دو بال برای پرواز به سوی ملکوت و پیمودن راه تکامل اند.

نصوص فراوان بر این فضیلت محوری دلالت دارند. به توضیح برخی از آن ها می پردازیم. در آیه تطهیر می فرماید، **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (1)**. «خدای سبحان اراده کرده اهل بیت را از هر آلودگی پاک گرداند.» رجس هر نوع آلودگی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری می باشد. اراده خدا هم تکوینی است نه تشریحی؛ زیرا تشریحی بر ترک گناه اختصاص به هیچ گروه و یا فردی ندارد. خدا از همه انسان ها می خواهد که پاک و معصوم زندگی کنند.

اراده تکوینی خدا هم گزاف و بی سبب نیست. بلکه بر اساس شایستگی های طرف است. هنگامی که شخص اولین قدم را برداشت

ص: 13

خدا قدم ها را به سوی او بر می دارد، مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا⁽¹⁾ خدا چنین فردی را از امداد های غیبی و تأییدات الهی بهره مند می سازد تا هیچ گاه مبتلا به گناه نشود. این معنای ذهاب رجس در آیه است.

اما این که اهل بیت چه کسانی اند به دلالت نص متواتر شیعه و سنی منظور افرادی خاص یعنی ذریه رسول الله صلی الله علیه وآله می باشند. حتی واژه "اهل بیت" گرچه از لحاظ واژگانی شامل همسران رسول الله صلی الله علیه وآله نیز است، اما به تفسیر روایات شیعه و سنی در این آیه شامل زنان پیامبر نمی شود. زیرا به اجماع فریقین هنگامی که آیه تطهیر نازل شد رسول الله صلی الله علیه وآله علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر "کسای یمانی" گرد آورد و فرمود، هولاء اهل بیتی. هنگامی که ام سلمه همسر پیامبر خواست در جمع آنان وارد شود حضرت در عین حال که از وی ستایش نمود، فرمود: انتِ بخیر. وی را در جمع اهل بیت راه نداد. آن گاه روایات دیگری نه نفر از تبار حسین را با نام و نشان بر جمع آنان افزود.

همچنین در عرف مردم داماد از اهل خانه به شمار می رود، از این رو علی بن ابی طالب داماد رسول الله صلی الله علیه وآله و به نص روایت از زمره اهل بیت :

است، قالت أم سلمة أنا يا رسول الله قال انت بخير انما نزلت فيّ واخي علي و ابني الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين (2).

ص: 14

1- انعام، 160 .

2- در المنثور، ج 6، ص 195، کمال الدین، ص 221 و 264 نورالثقلین، ج 4، ص 172، البرهان في تفسير القرآن، ج 6، ص 269، و...

دو فضیلت برتر عترت که آنان را به اوج قله کمال نشانده، دانش و تقوا می باشد. عترت در این دو فضیلت که برترین در فضایل انسانی اند، سر آمد همگان هستند. عترت از لحاظ دانش از ظرفیتی برخوردار است که هیچ کس از اولیای الهی از آن برخوردار نمی باشد. دانش لدنی یعنی دانش بی واسطه از جانب خدا.

این نوع دانش نصیب اولیاء الله می شود. علت برتری انسان بر دیگر آفریده ها نیز همین است. همچنین علت مسجود قرار گرفتن انسان از سوی فرشته ها نیز همین فضیلت می باشد، وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ (1). آدم چون ظرفیت یاد گرفتن همه حقایق را داشت و خود نیز ظرفیت خویش را نمایان ساخت، فلما أنبأهم باسمائهم، آن گاه دستور سجده بر آدم صادر شد، وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (2).

دانش لدنی مراحل دارد. آدم علیه السلام اولین مظهر این فضیلت، مرحله ای از آن را بهره مند است. اما خاتم که برترین است، عالی ترین مرحله آن را برخوردار می باشد، وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (3). عترت رسول الله صلی الله علیه وآله در فضیلت برتر از انبیا الوالعزم است، تا چه رسد به آدم که

ص: 15

1- بقره 31.

2- بقره 34.

3- نمل 6.

خدای سبحان در مورد وی فرمود ما از وی عزم استوار نیافتیم، وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا(1).

عترت از دریای دانش و مقام بهره مند است. اگر کسی جرعه ای از آن را داشته باشد، کارهای خارق العاده انجام می دهد، قال الذي عنده علم من الكتاب أنا آتیک قبل ان یرتد الیک طرفک. آن کسی (عاصف برخیا) که جرعه ای از دریا داشت، به سلیمان گفت من تخت بلقیس را با یک چشم بر هم زدن در نزد تو حاضر خواهم ساخت. این شخص از هفتاد و سه سهم اسم اعظم و دانش لدنی یک سهم بهره داشت. ما هفتاد و دو سهم دیگر آن را نیز داریم، امام هادی ابو الحسن صاحب العسکر یقول ان اسم الله اعظم ثلاثة و سبعون حرفا و كان عند عاصف حرف و عندنا منه اثنان و سبعون حرفا.(2)

همچنین در توضیح راسخون فی العلم از امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام این گونه گزارش شده، رسول الله افضل الراسخون فی العلم... و اوصیاءه من بعده یعلمونه کله.(3) رسول الله صلی الله علیه و آله برترین در دانش است و عترت تمام دانش را دارد. این گونه رسول الله صلی الله علیه و آله بر تر از همه و بعد از وی عترت در فضیلت محوری دانش بر همگان برتری دارند.

ص: 16

1- طه، 115.

2- الکافی، ج 1، ص 179، باب ما اعطی الائمة من اسم الله الاعظم، حدیث 3، بصائر الدرجات ج 1، ص 198، ح 24، باب 12، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 6، ص 22.

3- الکافی، ج 1، ص 166، باب أن الراسخون فی العلم

این بیان تثبیت ولایت تکوینی اولیا مانند ائمه اطهار نیز می باشد. اگر تصرف در تکوین برای جانشین سلیمان که پایین ترین مرحله از دانش لدنی را داشت تثبیت شد، آن گاه تثبیت ولایت تکوینی عترت که بالاترین آن را دارد آسان خواهد بود. آن که مظهر اسم اعظم الهی است و از برترین دانش لدنی بهره مند است، توان مند ترین خواهد بود. اگر جانشین سلیمان که بهره ای از آن علم داشت، از آن توانمندی برخوردار بود؛ آن که همه اسم اعظم را می داند، معلوم است چه مقدار توان مند خواهد بود.

نقش عالم دینی

از تلاش های پر ثمر و مهم عترت تربیت فقیهان و عالمان دینی برای ترویج دین و صیانت آن از تحریف می باشد. شاخص های عترت همگی به این مهم اهتمام ورزیده و بدان پرداخته اند. امام عسکری علیه السلام در یکی از گفتارهایش می فرماید فقیهان محور دین و مرجع رجوع مردم می باشند، فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا لهواه و مطيعا لا مر مولاة فللعوام ان يقلدوه(1). «مردم باید فقیهی را پیروی کنند که خویشان دار، بری از هر آلودگی، در دینداری مراقب، ستیز گر با خواهش های نفسانی و مطیع دستور خداوند باشد».

نیز در گفتار دیگر از زبان پدرش علی بن محمد این چنین گزارش می دهد، لولا من یبقی بعد غیبه قائمکم من العلماء الداعین الله والدالین

ص: 17

عليه والذابين عن دينه بحجج الله والمنتقدين لضعفاء عباد الله من شباك ابليس ومرتته وفخاخ الناصيين لما بقى احد الا ارتد عن دين الله. (1) «اگر در زمان غیبت قائم، علما نبودند که مردم را به سوی خدا فرا خوانند، از دین خدا با دلیل و برهان دفاع نمایند، افراد آسیب پذیر فکری را از تارهای شیطان و پیروانش نجات دهند و از دام های ناصبی ها رهایی سازند، همه مردم از دین بر می گشتند.» نقش عالم دینی است که با شبهه افکنان بستیز بر خیزد و خرافه زدایی نموده غبار از روی عقاید بردارد.

شفاعت

شفاعت از باورهای زلال توحیدی انسان های موحد و معتقد به دین آسمانی است. همه پیروان ادیان الهی بر این باورند که آبرومندان درگاه خدا می توانند واسطه قرار گیرند که خدا به خاطر آن ها از گناه کسی صرف نظر کند و با درجات وی را بالا برد. بازدهی شفاعت نیز یکی از این دو است. یا از عقوبت شخص صرف نظر می شود و یا قرب و منزلت وی بیشتر می گردد.

نکته مهم در این باره این است که واسطه قرار گرفتن شخص یا موجودی، با توحید افعالی خدا هیچ گونه چالش ندارد، زیرا شفاعت با اذن خدا انجام می گیرد، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ. (2) «هیچ کس

ص: 18

1- الاحتجاج، ج 1، ص 18.

2- بقره، 255

بدون اذن خدا نمی تواند شفاعت کند.» وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ (1). «شفاعت نمی تواند انجام دهد مگر نسبت به کسی که خدا راضی باشد.» مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ (2) «هیچ شفیع حق شفاعت ندارد مگر بعد از اذن خدا» لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (3). «توان شفاعت ندارند مگر برای کسانی که در نزد خدا وفادار به عهد و پیمان باشد».

این آیات دلالت آشکار دارند که شفاعت باوری صحیح است و چون به اذن خدا انجام می گیرد هیچ گونه ناسازگاری با توحید هم ندارد. به همین خاطر افرادی که خود را مسلمان عنوان می کنند، نمی توانند شفاعت رانفی کنند. انکار شفاعت کج اندیشی دینی می باشد. عترت رسول الله صلی الله علیه وآله یکی از مصادیق شفاعت می باشند.

توسل

توسل شعبه ای از شفاعت است. هرگاه شفاعت برای کسی باوری صحیح شد، باور توسل نیز برای وی آسان خواهد بود. زیرا توسل واسطه قرار دادن دیگران برای برآورده شدن حاجات مشروع و برطرف ساختن مانع از سر راه است. رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند هر کس به زیارت من آید و بر من سلام کند، من در قیامت شفیع وی خواهم بود و وی را از هول و هراس قیامت نجات خواهم داد، من اتانی زائرا و جبت له

ص: 19

1- انبیاء 28.

2- یونس 3.

3- مریم، 87

شفاعتی(1). نیز فرمود: من زارني في حياتي او بعد وفاتي ضمننت له يوم القيامة ان أخلصه من أهوالها (2). این همان توسل به رسول الله صلی الله علیه وآله است. این همان حقیقتی است که قرآن مطرح می سازد، وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ(3) «در رسیدن به خدا واسطه برگزینید.» این باور توحیدی و زلال همه مسلمانان است.

شگفت آور پندار برخی است. با این که خود را منتسب به اسلام می دانند، متأسفانه باورهای حق همه مسلمانان را انکار می کنند و آنان را در موضوع توسل و شفاعت و... مشرک می پندارند و بر خود لازم می دانند که با آنان بستیزند!

در هر صورت اگر مسلمانی برای شفای بیمارش متوسل به رسول الله صلی الله علیه وآله یا ائمه اطهار شود و از آنان به خاطر مقام برتری که دارند، انتظار وساطت داشته باشد، با هیچ یک از عقاید توحیدی ناسازگار نخواهد بود.

این همان باور زلال تمام فرق مسلمان به خصوص شیعه است که در رفع مشکلات و برآوردن حاجات به انبیا و اولیای الهی توسل می جویند. به شهدا که همواره در نزد خدا زنده هستند و خدای سبحان با ندای رسا آنان را زنده می نامد متوسل می شوند، وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ(4). انبیا و عترت رسول الله صلی الله علیه وآله

ص: 20

1- الوسائل، ج 10، ص 261 .

2- همان، ص ، 257

3- مائده، 35

4- بقره، 154.

همانند شهدا زنده اند که در زیارت ها به آنان خطاب می کنیم، عالما أنك تسمع کلامی و تردّ سلامی (1). نصوص دینی شیعه و سنی مملو از این گونه باورهای مستند و صحیح است. بر این اساس توسل به عترت، زلال توحید است.

شاهدان رفتار

اعمال و رفتار انسان ها را سه گروه شاهد و ناظرند. خداوند، پیامبران و رسول الله صلی الله علیه وآله سوم عترت رسول الله صلی الله علیه وآله.

قرآن در این راستا این گونه سخن می گوید، لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَيَّ النَّاسِ (2). «رسول الله صلی الله علیه وآله شاهد اعمال و رفتار امت و شما نیز شاهد رفتار مردم باشید.» عترت رسول الله صلی الله علیه وآله نیز شاهد اعمال و رفتار امت اند، عن ابی عبد الله نحن الشهداء علی الناس (3).

نیز می فرماید: قل اعملوا فسیرى الله عملکم ورسوله و المؤمنون. اعمال و رفتار شما را خدا و رسول الله صلی الله علیه وآله و مؤمنان مشاهده خواهند کرد. طبق روایات منظور از مؤمنان عترت و ائمه اطهارند. المؤمنون هاهنا الائمة الطاهرون (4). در روایات فراوان آمده که اعمال و رفتار مردم هر صبح گاه بر رسول الله صلی الله علیه وآله و مؤمنان عرضه و آشکار می گردد. (5) در این روایات تأکید شده که مواظب باشید کاری انجام ندهید که در پیشگاه

ص: 21

1- بحار، ج 97، ص 295

2- حج، 78

3- نور الثقلین، ج 3، ص 523.

4- تفسیر قمی، ج 1، ص 304، نور الثقلین، ج 2، ص 363.

5- الکافی، ج 1، ص 170، تفسیر قمی، ج 1، ص 301، نور الثقلین، ج 2، ص 363.

رسول الله صلى الله عليه وآله و عترت شرمنده شوید. همچنین در روایت دیگر آمده است که اعمال و رفتار نخست بر صاحب الزمان عرضه می شود، آن گاه بر امامان پیشین تا به رسول الله صلى الله عليه وآله رسیده و در نهایت به خدای سبحان عرضه می گردد(1).

رسول الله صلى الله عليه وآله و نیز عترت مظهر اسماء حسناى الهى اند. همان گونه که خدا از اعمال رفتار افراد باخبر است. چون برای او غیب و شهادت یکسان است و همه در همه حال در محضر خدای سبحان اند. هنگامی که انسانی چون رسول الله صلى الله عليه وآله و یا مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر شاخص های عترت مظهر اسماء الهی شدند به همان مقام و رتبه دستیازی می کنند. با این تفاوت مهم که شاهد بودن خدا بالذات است، اما شاهد بودن دیگران به عنایت الهی است.

راه مستقیم

أنتم الصراط الأقوم(2)

ویژگی های قرآن و عترت همترانند. هر دو وحی الهی و هر دو رهنمود به مقصد الهی اند. نیز هر دو حق محورند. باطل و گمراهی در هیچ شأنی از شئون این دو راه ندارد. هر دو دریای بی پایان معارف اند. هر دو زبان گویای خدای سبحان، یکی سخن صامت دیگری سخن ناطق. هر دو حجت الهی بر عموم مردم، هر دو حبل الله المتین و هر دو

ص: 22

1- الغيبة ص 261

2- الفقيه، ج 2، ص 372.

عروة الوثقی اند. هر دو مصون از خطا و هر دو معصوم از گزند و بیراهگی اند.

قرآن صراط اقوم است، **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (1)**، در مورد عترت نیز آمده، انتم الصراط الاقوم. هر دو ثقل الهی اند؛ یکی ثقل اکبر دیگری ثقل اصغر. اکبر و اصغر مربوط به اعتبار آنان است نه فضیلت و ارزش ها؛ زیرا اعتبار عترت به اعتبار قرآن است و اعتبار قرآن ذاتی است. بدین خاطر ثقل اکبر است.

به دیگر سخن در عین دوئیت، جدایی وجود ندارد. قرآن و عترت دو تجلی از یک حقیقت اند. زیرا در راه مستقیم به مقصدند. دو راه مستقیم به مقصد فرض صحیح ندارد. هر دو صراط هر دو یک راه و یک صراط مستقیم اند که صراط مستقیم به یک مقصد دو تا نمی تواند باشد. دوئیت در صامت و ناطق بودن در حقیقت یک راه و یک راه مستقیم به دو جلوه است.

آغاز و انجام

من اراد الله بدأ بكم (2)

عترت واسطه فیض الهی اند. نعمت های الهی از واسطه ای چون عترت نصیب دیگران می شوند. خدا مظهر و منبع جود است، فما بكم من نعمة فمن الله. بهره وری از فیض فیاض واسطه می طلبد. زیرا ظرف های

ص: 23

1- اسراء. 9.

2- الفقیه، ج 2، ص 374.

کوچک قادر به جذب نعمت های دریای بیکران نمی باشند. همان گونه که جزر و مد سیاره ای چون ماه دریاچه ها را که ظرفیت کوچک اند فرامی گیرد.

عترت چون از ظرفیت کامل بهره مند است، تجلی و علم ادم الاسماء کلها می باشد. نعمت ها از کانال و مسیر آنان عبور داده می شوند. فرمود هرگاه حاجت می طلبید ابتدا بر محمد و آل محمد صلوات بفرستید و در پایان دعا نیز بر آنان درود بفرستید تا حاجتتان روا شود(1). حدیث صحیح از امام صادق علیه السلام لا يزال الدعاء محجوبا حتی یصلی علی محمد و آل محمد. نخست فیض فیاض بر دریای عترت تجلی می کند. آن گاه از آنان به حوضچه ها (به توان ظرفیت آنان) روان می شود، بکم فتح الله و بکم یختم. آغاز و انجام ها به واسطه عترت است.

به همین خاطر می فرماید من اراد الله بدأ بکم. هر کس از خدا حاجتی می طلبد با شما آغاز می کند تا با آغاز نمودن از عترت فیض نخست به آنان متجلی می شود. آن گاه به دیگران می رسد.

غم زدایی

بکم ینفّس الهمّ و یکشف الضر(2)

زندگی مادی انسان دست به گریبان سختی و نیز غم و اندوه است. باید این دو از هم تفکیک شوند. رنج و سختی باعث آزمون انسان ها و

ص: 24

1- الکافی، ج 2، ص 356، باب الصلاة علی النبی.

2- الفقیه، ج 2، ص 374.

سبب ورزیدگی می گردد. بدین لحاظ نه تنها نکوهیده نیست بلکه موجب ستایش است، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (1)، این امر باید تحقق یابد. زندگی توأم با رنج و سختی همانند کوره زرگران و ریخته گران است که با ذوب و سوزاندن، باعث جدایی ناسره ها از طلای ناب می گردد.

اما اندوه و غم موجب فرسایش روح، روان، جسم و جان است.

زندگی انسان الهی باید از آن فاصله داشته باشد. زندگی انسان الهی بی غم و اندوه است، لا خوف علیهم ولا هم یحزنون. زندگی بی غم و اندوه زندگی انسان بهشتی است.

چون عترت از زمره اولیاء الله است، حزن و اندوه در آنان راه ندارد. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (2). آنان مظهر اسماء حسناى الهی اند. بدین خاطر آنان کاشف الضر یعنی غم زدا نیز هستند. هر کس به یاد آنان باشد و آنان را واسطه قرار داد از غم رهایی می یابد. زیرا غم که بر انسان روی می آورد در اثر گره هایی است که به کار می افتد و انسان را از رسیدن به هدف باز می دارد. هنگامی که واسطه فیض جوشش نمود و فیض الهی فیضان نمود، آن گاه گره باز می شود و سبب هم و غم از بین می رود، بكم يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيُكْشَفُ الضُّرُّ.

ص: 25

1- بلد، 4.

2- یونس، 62.

در آثار دینی از عترت با عنوان حاملان کتاب خدا یعنی قرآن یاد شده است، منظور از تعبیر حمله کتاب الله می تواند این باشد که عترت به مقاصد کتاب، معارف و احکام آن ها آشنا می باشد. همان گونه که فردی امانتی را تحمل می کند، یعنی به نیکی از آن حراست می نماید. عترت رسول الله صلی الله علیه وآله سخنگو و مبین مقاصد دین می باشد. دین تشریح من الله است. هیچ فردی غیر از خدا حق تشریح دین و احکام ندارد، إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (2). انحصار تشریح دین برای خداوند در تمام شئون به توان گستره دین جاری است.

پیامبران الهی تنها رساننده پیام اند، عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (3). پیامبران هم حق تشریح در دین ندارند. اگر در برخی آثار سخن از فرض النبی است، در نهایت بازگشت به فرض الله دارد. در این موارد پیشنهاد از جانب رسول و تأیید و تشریح از جانب خداست. خدایی بودن تشریح، اصل خلل ناپذیر است. ائمه و عترت نیز هیچ گونه نقشی در حوزه تشریح ندارند.

اما همان گونه که پیامبر مبین مقاصد دین است، لُتَّبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (4)، عترت رسول الله صلی الله علیه وآله به لحاظ ویژگی های علم لدنی و رسوخ در

ص: 26

1- الفقیة، ج 2، ص 374.

2- انعام، 57.

3- نحل، 35.

4- نحل، 44.

دانش الهی مبین احکام و مقاصد شریعت می باشند. شریعت را در بعد معارف به خصوص حوزه احکام تبیین می نمایند. آن گاه ساختار زبان دین در تشریح و تبیین دین به سه صورت شکل می گیرد.

1- سخن خدای (که الاظ و ساختار سخن در حد اعجاز) از جانب خداست مانند قرآن کریم. با این که الفاظ، ساختار و محتوای کتاب های آسمانی دیگر نیز از جانب خداست، اما در حد اعجاز نیستند.

2- ساختار و محتوا از جانب خداست؛ اما نه در حد اعجاز که «حدیث قدسی» نامیده می شود.

3- نوع سوم این که محتوا از جانب خدا، اما ساختار سخن از جانب بشر است که «حدیث» یا «روایت» نامیده می شود.

در عین حال که محتوای هر سه نوع، وحی از جانب خداست. به هر صورت عترت که حاملان وحی الهی اند، مبین وحی، مصالح، حکمت ها و مقاصد شریعت می باشند.

عترت و سیاست

منظور از دانش و رفتار سیاسی تنها حکومت داری سیاسی نیست.

بلکه مدیریت سیاسی یک جریان اجتماعی نیز مشمول سیاست مداری است. به همین جهت مدیران احزاب سیاسی در جامعه ولو حاکم سیاسی هم نباشند از آنان با عنوان سیاست مداران و سیاست گزاران آن

ص: 27

حزب به شمار می روند. از این رو اگر عترت به عنوان سیاست گزاران جامعه یا تشکل همسوی اهل بیت عنوان شده اند. آنان ساسة العباد و قادة الامم (1) معرفی شده اند. عترت مدیریت سیاسی امت اسلامی و تشکل همسوی اهل بیت را از زمان رسول الله صلی الله علیه وآله مستقر ساخته و این مهم بدون وقفه تا این زمان تداوم یافته است.

بنابر این هنگامی که سخن از مدیریت سیاسی رهبرانی چون امامان معصوم می شود، تنها حکومت داری آنان (مانند زمان امیر المؤمنین علیه السلام) نیست. بلکه زندانی بودن امام موسی علیه السلام نیز در همین راستا است. محصور بودن امام هادی علیه السلام عسکری علیه السلام در میان ارتش عباسیان نیز از همین رو است. زیرا اگر منظور حکومت داری باشد فرصت حکومت داری جز در زمان اندک برای عترت فراهم نشده است. چگونه عنوان ساسة العباد و قادة الامم بر آنان صدق می کند و کاربرد صحیح دارد؟ به همین خاطر باید گفت منظور مدیریت سیاسی است که شاخص های عترت در تمام دوران مسئولیت امامت خویش به روشی خردمندانه آن را سامان بخشیدند و تشکل همسو را از بحران ها عبور دادند. وحدت و انسجام آن را حفظ نمودند.

از همه مهم تر آنان با تلاش فرهنگی دین را از آسیب ها مصون داشتند. دست آورد این مدیریت سیاسی استقرار آن اهدافی است که دنبال می نمایند. سهم عترت از این مدیریت استقرار ارزش های الهی یعنی باورهای صحیح، اخلاق و رفتار الهی در جامعه می باشد. با تلاش عترت تشکل همسوی عترت در جامعه مستقر شده است.

ص: 28

وانگهی سیاست به معنای حکومت داری نیز در راستای استقرار ارزش های الهی جهت دهی می شود. یعنی حکومت داری دینی از دیدگاه عترت ابزاری بیش نیست تا زمینه استقرار باورها و اخلاق و رفتار صحیح جامعه را فراهم سازد. نفس حکومت داری هیچ گاه هدف و انگیزه نبوده است.

نگاه امیر المؤمنین علیه السلام به حکومت داری نگاه ابزاری است، هی أحب الی من امرتکم الا ان أقیم حقاً او أدفع باطلا(1). حکومت داری علی برای استقرار حق و برای ستیز با باطل است. علی و عترت هیچ گاه تلاش نکردند حکومت را به چنگ آورند. نیز هیچ گاه تلاش نکردند حکومت داری را به هر قیمتی حراست کنند. هنگامی که زمینه اقتدار سیاسی فراهم شد؛ از این اقتدار بهترین بهره را برای استقرار ارزش های الهی بردند. زیرا که به حکومت نگاه ابزاری داشتند نه نگاه ارزشی. اگر برای علی حکومت داری ارزش بود شاید ترفندی به کار می برد که به جای چهار سال چهل سال حکومت کند. اما چون نگاه ابزاری بود تمام تلاش ها را به کار برد تا معیارها را حفظ کند. حق را مستقر سازد. در حکومت علوی به کسی ظلم نشود. یک پرونده بدون معیارهای قضایی داوری نشود و یک فرد یک شب به ناحق زندانی نشود. حرمت یک زن در یک جا هتک نشود. هیچ مظلومی سیلی به ناحق نخورد. دیناری از بیت المال و حقوق دیگران به یغما نرود. هیچ بینوای نان شب به غارت رفته ای گرسنه نخواهد. هیچ فرد نالایقی به ناحق به اریکه مدیریت تکیه نزنند و ...

ص: 29

بخش اول : سیری در زندگی امام عسکری علیه السلام

ولادت

در تاریخ ولادت امام عسکری علیه السلام دیدگاه‌ها متفاوت است. برخی روز ولادت حضرت را هشتم ربیع الثانی در سال 232 هجری می‌نگارند. (1) برخی روز چهارم ربیع الثانی سال 232 را مطرح می‌سازند. (2) عده‌ای هم روز دهم همین ماه را می‌نویسند. (3) شیخ طوسی در مورد دیگر سخن از ماه ربیع الآخر سال 232 دارد. (4) بسیاری روز ولادت را مشخص ننموده، تنها سال آن را 232 می‌نگارند. (5) کلینی و نیز صدوق یکی از دو ماه رمضان یا ربیع الثانی سال 232 را عنوان می‌کنند. (6) دیدگاه دیگر ولادت امام عسکری را سال 231 می‌نویسد. (7) نیز ولادت حضرت را سال 230

ص: 30

-
- 1- اعلام الوری، ص 362، روضة الواعظین، ص 251، فصول المهمة، ج 2، ص 1079، مناقب، ج 4، ص 455.
 - 2- مصباح کفعمی، ص 692، دروس ج 2، ص 15.
 - 3- مصباح المتهجد، ص 551.
 - 4- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 92، باب 42.
 - 5- دلائل الامامة، ص 218، سبائك الذهب، ص 342، المستجد، ، مجموعه نفیسه، ص 470.
 - 6- الکافی، باب مولد ابی محمد ج 1، ص 420، کمال الدین، ص 289.
 - 7- ابن خشاب، نقل از کشف الغمة، ج 2، ص 188، اثبات الوصية، ص 244، مطالب السؤل، ج 2، ص 148، وفيات الاعیان، ج 2، ص 94، تذکرة الخواص، ص 451، تاریخ الائمة ابن ثلج، مجموعه نفیسه، ص 14، ینایع المودة، ص 445.

نگاشته اند. (1) با همه تفاوت دیدگاه ها در منابع تاریخی و روایی دیدگاه معروف بین شیعه همان «هشتم ربیع الثانی سال 232 هجری» می باشد.

محل ولادت

برخی نگاشته اند امام عسکری علیه السلام در سامرا متولد شده است. (2) اما بیشتر آثار محل ولادت را مدینه پیش از تبعید امام هادی به سامرا می نگارند. (3) مسعودی می نویسد هنگام ولادت امام عسکری علیه السلام امام هادی شانزده ساله بوده است. آن گاه بعد از چهار سال از ولادت فرزندش به سامرا فرا خوانده می شود. (4)

تبار پدر

علی بن محمد امام هادی الزکی العسکری پدر ابو محمد حسن بن علی العسکری می باشد. پدر از نسل رسول الله صلی الله علیه وآله و علوی تبار و فاطمی نسب است. این نسب شفاف ترین و برترین تبار در بین انسان هاست. پدر فردی معصوم از هر آلودگی و برترین انسان روی زمین و افتخار عترت است. این گونه نسب را در هیچ تیره و تباری نمی توان جستجو کرد.

ص: 31

1- طبری، نقل از اعلام الهدایة، ج 13، ص 40 .

2- روضة الواعظین، ص 251 .

3- سبائك الذهب، ص 342، و منابع پیشین .

4- اثابة الوصیة، ص 244 .

مادر امام عسکری علیه السلام کنیزی به نام «سوسن» ، حدیثه(1) و سمانه(2) می باشد. القاب وی «سلیل» یعنی دور از هر گزند و آسیب و ناپاکی. امام هادی علیه السلام می فرماید، سلیل مسلوله من الآفات و العاهات و الأرجاس و الأنجاس(3). لقب های دیگر وی نوبیه، مغریبه و منغوسه است.

ابن جریر طبری می نگارد مادر امام عسکری علیه السلام تا زمان شهادت عسکری در مدینه بوده است. هنگامی که خبر شهادت امام به وی می رسد از مدینه به سامرا می آید. در سامرا جعفر برادر امام عسکری علیه السلام با وی در مورد میراث پدر نزاع می کند تا بدانجا که مادر را به دربار معتمد احضار می کنند. از جانبی مطرح می شود که صقیل (یکی از کنیزان امام عسکری علیه السلام) باردار می باشد. به همین جهت وی زیر نظر و مراقبت شدید قرار می گیرد تا فرزندش به دنیا بیاید. در این میان رویدادهای مهمی مانند مرگ عبد الله بن یحیی بن خاقان وزیر اعظم دربار و نیز قیام صفار و صاحب زنج عباسیان را از امور داخلی این گونه باز می دارد.(4)

ص: 32

-
- 1- الکافی، باب مولد ابی محمد، ارشاد ج 2، ص 213، اعلام الوری، ص 362، کشف الغمة، ج 2، ص 202، روضة الواعظین، ص 251، مطالب السؤل، ج 2، ص 148، فصول المهمة، ج 2، ص 1080، ج 3، ص 1080، دروس، ج 2، ص 15، تذکرة الخواص، ص 451، مناقب، ج 4 ص 455، عبون، ج 1، ص 48، بحار، ج 50، ص 238، تهذیب الأحکام، ج 6، ص 92 .
 - 2- سمانه احتمالاً با نام مادر امام هادی اشتباه شده باشد، مجموعه نفیسه، ص 12 .
 - 3- اثابة الوصیة، ص 244 .
 - 4- دلائل الامامة، ج 2، ص 313، ص 220 .

نیز مسعودی می نگارد در سال 259 امام عسکری علیه السلام مادرش را به همراه محمد بن الحسن المهدی راهی مکه می نماید. پیش از عزیمت آنان وصیت ها نموده و امانت هایی در نزد حضرت حجت و دیعه می نهد، آن گاه از حادثه مهم سال 260 خبر می دهد. (1)

مادری آفریقایی

در هر صورت تبار مادر امام عسکری علیه السلام همانند چهار امام پیش از خود به قاره آفریقا بازگشت دارد. مادران امامان بعد از امام صادق دو ویژگی دارند. نخست این که همگی ام ولد یعنی کنیزند. دو دیگر این که به غیر مادر محمد بن الحسن المهدی که اروپایی می باشد، بقیه مادران امامان همگی آفریقایی اند. بسی افتخار برای قاره آفریقا که مادران پنج امام معصوم از این خطه می باشند. بسی افتخار برای کنیزان پاک دامن و سیه چهره و سفیدبخت که دامنشان مهد ولادت و پرورش امامان معصوم قرار گرفته است.

دامن های پاک

مادران امامان، زنان پاک دامن و ارحام مطهرات می باشند. در دامن پاک آنان فرزندان معصوم پرورش می یابند. کنیزان پاکی که هیچ گونه دست نا پاک به آنان نرسیده است. دوشیزه و رشید بودند. مادر امام عسکری علیه السلام نیز همین ویژگی ها را دارد. در پاکی در حدی است که در ردیف افراد معصوم قرار دارد. امام هادی علیه السلام در مورد همسرش یعنی

ص: 33

همین مادر فرموده اند، سللیل، مسلوله من الافات والعاهات والارجاس والانجاس(1) «وی زنی به دور از هر گونه آسیب های جسمانی و پاک و منزّه از هر آلودگی می باشد.» این ستایش از زبان معصوم گواه بر عصمت این فرد است.

این بانو از لحاظ اندام سالم و شکیل، دوشیزه و پاک بوده که به خانه امام معصومی چون هادی العسکری راه یافته است. این زن از بلاد مصر می باشد. عقیده وی پیش از راه یافتن به جامعه اسلامی به دین آسمانی مسیحیت (که دین رایج آن بلاد بوده) می باشد. وی فردی موحد و خداشناس بوده است.

آن گاه پس از پانهدان به جمع مسلمانان مسلمان شده و با آموختن فرهنگ دینی زیر پوشش تربیت اسلامی قرار گرفته است. نیز بر اساس شواهد روایی و تاریخی این زنان افرادی پاک و منزّه بودند. پاکی این فرد در ستایش امام هادی شفاف می باشد. این گونه کنیزان سیاه چهره، از ارحام مطهره بهره مندند. این گونه افراد پاک هنگامی که در دامن عترت قرار می گیرند شایستگی مادر امام معصوم شدن را فراهم می سازند.

تربیت

نقش پدر و مادر در تربیت و رشد فرزند نقشی برجسته و پایدار است. پدر و مادر هم از لحاظ جسم و اندام و هم روحیات و باورها،

ص: 34

نقش اول را ایفا می نمایند. به همین سبب ویژگی های جسمی و روحی آنان به فرزندان انتقال می یابد. هنگامی که پدر فردی پاک، معصوم و برخوردار از دانش لدنی است و ما در فردی پاکدامن در حد معصوم با اندیشه توحیدی و زلال باشد؛ تربیت یافتگان دامن آنان جز فرزانی معصوم مانند حسن بن علی علیه السلام نمی تواند باشد.

شکل و اندام

ویژگی های پدر و مادر از طریق ژن های وراثتی به فرزندان دورو نزدیک منتقل می شود. چه بسا ژن ها فرصت شکوفایی در نسل های نزدیک نداشته باشند؛ بعد از هفت نسل یا هفتاد نسل آن ویژگی بارز و شکوفا شود که در روحيات نیز این گونه است. بدین خاطر طبیعی است که امامان معصوم ویژگی پدر و مادر خویش را در شکل، اندام، روحيات و معنویات همراه داشته باشند. هنگامی که مادر آفریقایی و رنگین پوست باشد؛ طبیعی است که فرزند نیز أسمر اللون و گندم گون باشد. این حقیقت در شکل اندام برخی امامان که مادرشان آفریقایی است، مانند امام هادی علیه السلام امام عسکری علیه السلام اجتناب ناپذیر است. با برخی کاوش ها هم نمی توان این گونه حقایق را انکار نمود. نیازی هم به کاوش و تحقیق در این گونه موارد نیست. زیرا رنگ پوست بدن و شکل و اندام به فضیلت های انسانی بازگشت ندارد. تمام انسان ها از عرب و عجم، آفریقایی و آسیایی در نزد خدای سبحان یکسان می باشند. تفاوت در این زمینه تفاوت در فضایل نیست تا کسی در صد

انکار برخی حقایق بر آید. به این نوع تفاوت ها با دید ارزشی نگاه کردن نوعی نگاه جاهلی خواهد بود.

از این روست که مشاهده می شود در منابع این نکته فراوان به چشم می خورد که رنگ پوست حسن بن علی العسکری علیه السلام رنگین و أسمر اللون و به تعبیر اصطلاحی گندم گون بوده است.

در کافی محمد بن یعقوب این گونه آورده شده است؛ فدخل رجل أسمر حسن القامة جميل الوجه جيد البدن ، حدث السن. (1) «فردی نوجوان داخل محفل شد که گندم گون بود، قامتی سرو و رشید، صورتی زیبا و اندامی شکیل داشت.» همین نکات را مفید در ارشاد می آورد. نیز طبرسی به همین ویژگی ها اشاره می کند. (2)

در کتاب رجال مرحوم ابو عمرو کشی نیز این حقیقت آورده شده است، شدة اللون و الأدمة، که از مادر به ارث برده است، اختیاروا من أمه لخلقه. (3)

در مناقب نیز آمده، فرأينا ابا محمد ماشيئا قد شقق ثيابه فجعلت أتعجب من جلالته و ماهوله من شدة اللون و الأدمة، (4) همین نکته را در القطره نیز یاد آور شده است. (5) دیگر منابع نیز مانند ابن صباغ مالکی و نیز سويدی همین حقیقت را تأیید می نمایند (6).

ص: 36

1- الكافي، باب مولد ابي محمد الحسن بن علي (ع) حديث اول

2- ارشاد مفید، ج 2، ص 321، اعلام الوری، ص 41.

3- رجال کشی، ص 574.

4- مناقب، ج 4، ص 467.

5- القطرة، ج 1، ص 452.

6- فصول المهمة، ج 2، ص 1081، سبائك الذهب، ص 342.

همان گونه که خدای سبحان مظهر اسماء الحسنی و لقب های زیبا است و هر صفت زیبایی زیننده اوست و هر زیبایی مظهر زیبایی او می باشد، بندگان خاص خدا یعنی پیامبران و امامان معصوم نیز بر صفاتی از اوصاف پسندیده مزین اند. در عین حال برخی ویژگی های آنان برجسته تر از دیگر ویژگی ها خودنمایی می کند.

کنیه حسن بن علی علیه السلام به خاطر فرزند برومندش امام محمد المهدی (عج) «ابو محمد» است. ابوالحسن نیز دیگر کنیه وی می باشد. (1) اما لقب های زیبا و شایسته حضرت را در منابع این گونه یاد آوری می نمایند، ابن الرضا (این لقب به سه امام همنام نسبت داده می شود؛ امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام) سراج، زکی، تقی، تقی، هادی، عسکری، خالص، مضیی، شافی، رفیق، فاضل، امین، مرشد، ناطق فی الله، صامت، میمون (با برکت)، طاهر، مؤمن بالله، ولی الله، خزانه الوصیین، فقیه، عالم، قانع، مهتدی، والد المنتظر، صادق، علاّم، مرضی، شفیع، وفی و سخی (2).

ص: 37

1- ارشاد، ج 2، ص 321 اعلام الوری، ص 362، کشف الغمة، ج 3، ص 188 دلائل الامامة، ص 219 علل الشرايع، ج 1، ص 176: عمدة الطالب، ص 242: مناقب، ج 4، ص 455: مصباح کفعمی، ص 693 اعلام الهدایة، ج 13، ص 40 کمال الدین، ص 289: معانی الأخبار، ص 60 فصول المهمة، ج 2، ص 1081: سبائك الذهب، ص 342 وفيات الأعیان، ج 2، ص 94 مطالب السؤل، ج 2، ص 148 مناقب خوارزمی، ص 113: مجموعه نفیسه، ص 29 .

2- ارشاد، ج 2، ص 321. اعلام الوری، ص 362: کشف الغمة، ج 3، ص 188 دلائل الامامة، ص 219 علل الشرايع، ج 1، ص 176: عمدة الطالب، ص 242: مناقب، ج 4، ص 455، مصباح کفعمی، ص 693 اعلام الهدایة، ج 13، ص 40 کمال الدین، ص 289: معانی الأخبار، ص 60 فصول المهمة، ج 2، ص 1081. سبائك الذهب، ص 342: وفيات الأعیان، ج 2، ص 94. مطالب السؤل، ج 2، ص 148 مناقب خوارزمی، ص 113: مجموعه نفیسه، ص 29 .

از بین القاب زیبای حسن بن علی علیه السلام دو لقب بیش از همه معروف است. یکی «زکی» یعنی پاک و منزّه از هر آلودگی و دیگری عسکری.

علت این که این لقب به حضرت داده شده این است که وی با پدرش علی بن محمد علیه السلام در سامرا پایتخت حاکمان عباسی در میان پادگان ارتش در محاصره بوده اند. عسکر به معنای لشکر و سپاه می باشد. این دو امام همام بدین خاطر عسکرین نامیده شده اند. علت این حصر نظامی این بود که اولاً عباسیان، همواره از موقعیت اجتماعی شاخص های عترت در هراس بودند و تلاش می کردند آنان را محصور و محدود سازند.

انگیزه دوم که در این راستا می توان عنوان نمود مراقبت از به دنیا آمدن مهدی موعود (عج) بوده است. آنان خوب می دانستند که مهدی موعودی که در آثار رسول الله صلی الله علیه وآله و دیگر امامان به آن پیش گویی شده است، با توجه به تعداد معصومان که تاکنون به امامت منصوب شده و از دنیا رفته اند نزدیک به دوازده مورد می باشد. نیک می دانستند که مهدی در آستانه ولادت است و از موقعیت وی سخت نسبت به حکومت خویش نگران بودند.

بدین خاطر خاندان امامت را از زمان امام هادی علیه السلام به بعد به ویژه امام عسکری علیه السلام در میان سپاه و ارتش قرار داده اند و سخت زیر نظر دارند تا از ولادت مهدی با خبر شده درباره وی تصمیم بگیرند. از این روی حسن بن علی و علی بن محمد را عسکری لقب دادند، ان المحلة التي يسكنها الامامان علی بن محمد و الحسن بن علی علیه السلام بسر من رای کانت

تسمى عسکر فلذالك قيل لكل واحد منهما العسکري(1). توضیح بیشتر در این راستا خواهد آمد.(2)

شناسنامه

نام، حسن

کنیه، ابو محمد.

لقب، زکّی العسکری.

پدر، علی بن محمد علیهما السلام.

مادر، سوسن.

ولادت، 8 ربیع الثانی سال 232.

مدت عمر، 28 سال.

مدت امامت، 6 سال.

نام همسر، نرگس.

شهادت، هشتم ربیع الاول 260.

محل دفن، منزلش در سامرا.

خلفای معاصر، معتز، مهتدی، معتمد.

قاتل، معتمد.

سبب قتل، مسمومیت.(3)

ص: 39

1- علل الشرایع، ج 1، ص 176.

2- صفحه 117 از این نوشتار.

3- الکافی، باب مولد ابی محمد، ارشاد، ج 2، ص 313، اعلام الوری، ص 362، دلائل الامامة، ص 219، اثبات الوصیة، ص 256، کشف الغمة، ج 3، ص 189، مطالب السؤل، ص 152، ج 2، ص 148، مصباح کفعمی، ص 692، روضة الواعظین، ص 251، فصول المهمة، ج 2، ص 1081.

از کنیزی به نام نرگس فرزندی نصیب حسن بن علی علیه السلام می شود. در مورد این فرزند یعنی محمد بن الحسن المهدي القائم المنتظر المهدي (عج) اتفاق و اجماع بین شیعه و محققان منصف اهل سنت تحقق دارد. فرزندی با این خصوصیت که چالش برانگیزترین موضوع خاندان حسن بن علی علیه السلام می باشد. زیرا آثار متواتر یعنی قطعی از رسول الله صلی الله علیه وآله و عترت دلالت به ولادت چنین فرزندی از حسن بن علی دارد. مهم ترین ویژگی این فرزند این است که حکومت جهانی به دست ایشان مستقر خواهد شد. نیز این مهم امری قطعی می باشد. راهی برای انکار آن وجود ندارد.

از جانبی به لحاظ خوف و خطرهایی که وجود چنین شخصی برای حاکمان ستم پیشه به ویژه عباسیان داشت، دو نوع تلاش نیز مشاهده می گردد. نخست مراقبت های شدید عباسیان برای جلوگیری از ولادت چنین شخصی (و در صورت ولادت با خبر شدن از آن و تصمیم گیری در باره سرنوشت آن)، دو دیگر این که از سوی برخی نویسندگان مغرض و نیز برخی از دشمنان تشیع که خود را در زمره مسلمانان نیز می دانند تلاش فرهنگی شده تا وجود چنین شخصی را انکار نمایند.

از این رو اهمیت این موضوع شفاف می گردد که نخست وجود چنین شخصی از باورهای بی تردید عموم شیعه و مسلمانان است.

آن گاه می توان به برخی دیدگاه های دیگر نیز پرداخت.

منابع فراوان کهن و متقن این نکته را آورده اند که برغم مراقبت های شدید عباسیان مهدی قائم آل محمد فرزند حسن بن علی در سامرا متولد شده است. هیچ نویسنده با انصافی را یارای انکار این حقیقت نیست.

بررسی کامل این موضوع انشاء الله در کتاب «امام مهدی علیه السلام امید زندگی» خواهد بود. ذکر برخی منابع که ولادت فرزند حسن بن علی علیه السلام را آورده اند در پاورقی آورده می شود. (1) در برخی منابع محمد بن الحسن به عنوان تنها فرزند امام عسکری علیه السلام مطرح شده است. (2)

از این رو بر فرزند برومند حسن بن علی یعنی قائم آل محمد، اتفاق نظر است. تردیدهای برخی افراد مغرض نباید شک و شبهه ایجاد نماید. اما دیدگاه های دیگری نیز وجود دارد که تعداد فرزندان حضرت را بیش از یکی عنوان می نمایند. (3) ابن ثلج چهار فرزند دو پسر بنام محمد و موسی و دو دختر به نام فاطمه و عایشه نام می برد (4). برخی دو فرزند (5) و برخی دیدگاه های دیگر ابراز داشته اند که هیچ کدام از اینها مستند

ص: 41

1- کافی، کتاب الحجّة باب مولد الصاحب علیه السلام، اعلام الوری، ص 362، ارشاد، ج 2، صص 336 و 339، تاریخ الأئمة، ابن ثلج، مجموعه نفیسه، ص 21، روضة الواعظین، ص 251، عمدة الطالب، ص 242، اثابة الوصیة، ص 256، مصباح کفعمی، ص 692، مناقب، ج 4، ص 455، بحار، ج 51 ص 2، از میان اهل سنت، تذکرة الخواص، ص 452، فصول المهمة، ص 1081، ینابیع المودة ص 245، و ص 510، مطالب السؤل، ج 2، ص 153، سبائك الذهب، ص 345، و ص 346، الكامل فی التاریخ، حوادث سال 360، ج 6، ص 320، وفيات الأعیان، ج 4، ص 176، العبر ذهبی، ج 3، ص 31، نقل از الامام المهدی ص 21، سیر أعلام النبلا، ج 13، ص 119، شماره 60، نور الأبصار ص 186، الأتحاف، ص 68، الصواعق المحرقة، ص 207.

2- ینابیع المودة، ص 510.

3- انکار ابن تیمیه در منهاج السنة، و پیروی و هایبون از ایشان.

4- تاریخ الأئمة، ص 22، مجموعه نفیسه.

5- تنقیح المقال، ج 1، ص 190.

نمی باشند. می توان گفت تنها فرزند حسن بن علی علیه السلام فرزند برومندش بقية الله مهدی (عج) می باشد. این فرزند از مادری که تنها همسر حسن بن علی علیه السلام بودند متولد می شود. شیخ مفید نیز تصریح می دارد که حسن بن علی علیه السلام یک فرزند بیش نداشته است. تنها وارث وی فرزندش مهدی (عج) می باشد(1).

شهادت

اوضاع سیاسی و جو خشوتی که از سوی حاکمان عباسی بر کشور اسلامی مستولی بود، تلاش های عترت و تشکل همسوی عترت را سخت محدود می نمود. اوضاع سیاسی آنقدر حساس بود که دو امام همام بیش از ربع قرن امامت خویش را در محاصره ارتش نیرومند عباسیان سپری کردند.

در این دوران تمام تلاش های شاخص های عترت چون علی بن محمد و حسن بن علی علیه السلام زیر نظر نیروهای اطلاعاتی و نظامی حاکمان قرار داشت. این اقدام ها گرچه تلاش های عترت و پیروان را محدود می ساخت، اما هیچ گاه از موقعیت اجتماعی آنان نمی کاهید. به همین علت شاخص های عترت حتی در محبس و حصر نظامیان نیز موفقیت والای اجتماعی را داشتند و سخن آنان در میان مردم عمیق و راسخ بود.

همین موقعیت که شرح آن در بخش چهارم خواهد آمد، حاکمان عباسی را وادار ساخت تا وجود آنان را برنتابند. دو امام محصور در

ص: 42

پادگان را در نهایت به شهادت برسانند. شرح شهادت امام هادی علیه السلام در نوشتار امام هادی علیه السلام آورده شد. (1) اینک شرح شهادت حسن بن علی علیه السلام.

منابع متقن و مستند زمان شهادت امام یازدهم را در زمان معتمد و علت آن را مسمومیت می نگارند. حضرت توسط عوامل حاکم عباسی باسم مسموم شده اند. در حالی که با بدنی لرزان آب طلب می نمودند به شهادت رسیدند. (2) این حقیقت که: ما منا الا شهید او مقتول او مسموم، در مورد آخرین شاخص عترت که از دنیا رحلت نموده است نیز تحقق یافته است.

این گونه مرگ بسیاری از امامان معصوم مرگ سبز و مسمومیت می باشد. گرچه حاکمان عباسی تلاش می کردند مرگ حضرت را عادی جلوه دهند و خود را از این اتهام بزرگ دور نگه دارند، اما خدای سبحان بر خلاف همه تلاش ها آنان را رسوا نمود. بر بسیاری از منابع نگاشته شده است که حضرت به دست عوامل معتمد مسموم شدند.

در هر صورت روز شهادت امام عسکری علیه السلام را روز جمعه هشتم ربیع الاول سال 260 می نگارند. (3) این روز از یک سو سالروز شهادت امام

ص: 43

1- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 53.

2- اعلام الوری، ص 362، دلائل الامامة، ص 219، روضة الواعظین، ص 251، فصول المهمة، ج 2، ص 1093، منتهی الآمال، ج 2، ص 734.

3- ارشاد، ج 2، ص 313 و ص 336، کافی باب مولد ابی محمد علیه السلام مسار الشيعة، مجموعه نفیسه ص 64، مناقب، ج 4، ص 455، اعلام الوری، ص 362، وفيات الاعیان، ج 2، ص 94، كشف الغمة ج 3 ع ص 189، دلائل الامامة، ص 219، مطالب السؤل، ج 2، ص 149، سبائك الذهب ص 342، مصباح كفعمي، ص 693، مصباح المتهدجد، ص 550، دروس، ج 2، ص 15، ینایع المودة، ص 445. تذكرة الخواص، ص 451، تاریخ الأنصة، مجموعه نفیسه، ص 14، الغيبة للشيخ طوسی، ص 167، نقل از اعلام الهدایة، ج 14، ص 124.

عسکری علیه السلام است، از سوی دیگر اولین روز امامت حضرت مهدی علیه السلام دیدگاه های دیگری نیز مطرح است ولی چون مستند نیستند صرف نظر می شوند.

چگونه به شهادت رسیدند؟

شیخ طوسی در چگونگی شهادت امام عسکری علیه السلام این گونه گزارش می نماید که ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی گوید من در محضر امام عسکری علیه السلام بودم. حضرت به عقید (پیشخدمت حضرت) که پیش از آن هم پیشخدمت امام هادی علیه السلام بوده است فرمود به من شربتی از شیر درخت بنوشانید. قدحی از آن را نزد حضرت آوردند. در این هنگام کنیز حضرت به نام عقید (نرجس مادر محمد المهدی (عج)، احتمالاً همان صقیل یا صیقل که لقب همین کنیز است باشد. در نگارش عقید آمده) وارد شدند. قدح را نزدیک لب های حضرت آوردند از شدت لرزش نتوانست بنوشد.

حضرت عسکری علیه السلام به عقید فرمود وارد اتاق می شوی آن گاه کودکی را در حال سجده می یابی. وی می گوید من وارد اتاق شدم کودک را در حال سجده دیدم. سلام کرده به وی گفتم امام عسکری علیه السلام تو را می طلبد. هنگامی که کودک وارد بر امام شد سلام کرد. امام عسکری علیه السلام با دیدن وی گریان شدند.

آن گاه خطاب به کودک فرمود به من آب بنوشان. من مسافر سوی خدا هستم. هنگامی که کودک آن قدح را به لبان حضرت نزدیک کرد شربتی از آن نوشید، آن گاه فرمود مرا برای نماز آماده کنید. سپس ملحفه ای رادر حجره حضرت پهن کردند. کودک را وصیت ها نمود و بر سر و صورت و پاهایش دست کشید. ابو محمد عسکری علیه السلام به وی فرمود تو صاحب زمان مهدی حجة الله هستی تو فرزند و وصی من می باشی. تو محمد بن الحسن هستی. تو فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله می باشی. تو خاتم الأئمة الطاهرين می باشی. تو را به این نام (محمد) و با این کنیه (ابو القاسم) رسول الله صلی الله علیه وآله نام گذاری نموده است. آن گاه حضرت در حال نماز از دنیا رحلت نمودند. (1)

تجهیز

برای تجهیز و تشییع امام معصوم حکومت عباسیان که دست پنهان در قتل امام عسکری علیه السلام داشت، تظاهر به همدردی می نمود و خود را عزادار معرفی می کرد. همانند سیاست مأمون که در مرگ علی بن موسی الرضا علیه السلام بیش از همه گریه می کرد و گریبان چاک می نمود.

بعد از شهادت حسن بن علی نیز حاکم عباسی (معتد) ابی عیسی بن متوکل را برای خواندن نماز و تشییع حضرت اعزام می دارد. ابی عیسی مأموریت دارد که مرگ حسن بن علی را عادی جلوه دهد. بدین خاطر پارچه کفن را از صورت حضرت می گشاید و صورت حضرت را به

ص: 45

حاضران که جمع زیادی از علویان، عباسیان، نیروهای ارتشی، قضاة، نویسندگان، فقهاء، طبیبان و دیگر سران حکومتی حضور داشتند نمایان می‌سازد و اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه آثار شکنجه و یا خفگی در جنازه مشاهده نمی‌شود و شخص به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.

آن‌گاه وی بر جنازه حضرت به فقه شیعه که پنج تکبیر در نماز میت می‌خوانند نماز می‌گزارد. دستور حمل جنازه را صادر می‌نماید. فصلی علیه و کبر علیه خمساً و أمر بحمله. (1)

این اقدام در واقع یک نوع تأییدیه پزشکی قانونی است که به صورت رسمی تأیید نمایند که مرگ طبیعی است. از جانب دیگر این اقدام‌ها شک برانگیز است که اگر مرگ طبیعی است و مردم بر این باورند، نیازی به این اقدام‌ها نبوده این تشریفات، این شاهدان و این تأیید طبیبان این باور را تثبیت می‌کند که پشت ظاهر قضایا دستانی پلید پنهان هستند که این جنایت را به بار آورده‌اند.

البته باور شیعه بر این است که امام را جز امام معصوم تجهیز نمی‌کنند. از این رو گزارش طبق باور شیعه این است که بعد از رحلت و شهادت حسن بن علی، برادرش جعفر (معروف به جعفر کذاب) آماده شد بر حضرت نماز گزارد که در این هنگام کودک با هیبتی ظاهر شد و بر حسن بن علی علیه السلام نماز گزارد.

ص: 46

صدوق این گونه گزارش می دهد که ابو الأدیان یکی از خادمان حضرت که نامه رسان حسن بن علی بوده به محضر حضرت می رسد. حضرت نامه ای نگاشته به وی سپرده تا به مداین برساند. به وی می گوید پانزده روز طول می کشد تا تو برگردی هنگامی که برگشتی مرا در غسل خانه خواهی دید و صدای شیون از خانه من بلند است.

وی می پرسد امام بعد از شما کیست. جواب می دهد آن که از تو جواب نامه ها را درخواست کند و کسی که بر من نماز گزارد و کسی که از درون محتوای همین خبر دهد. وی می گوید من بعد از پانزده روز برگشتم دیدم شیون از خانه حضرت بلند است. جعفر در کنار در ایستاده مردم به وی تسلیت و سر سلامتی می گویند. هنگامی که جعفر خواست به جنازه نماز بخواند کودکی با هیبت آمد و جعفر را کنار زد و گفت من سزاوارتر هستم که بر جنازه نماز بخوانم آن گاه بر جنازه نماز خواند. (1)

تشیع با شکوه

هنگام انتشار خیر شهادت امام حسن بن علی در سامرا (که بزرگ ترین شهر و پایتخت زمان عباسیان بود. وسعت شهر حیرت انگیز بود که شرح آن در نوشتار امام هادی علیه السلام آمده است) (2)، شهر به این بزرگی یک پارچه تعطیل و تبدیل به ضجه و شیون می شود. کلینی و صدوق و دیگران وضع حال شهر را این گونه گزارش می کنند:

ص: 47

1- کمال الدین، ص 51، ینایع المودة، ص 519، بحار، ج 50 ص 332.

2- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 146

عظمت الأسواق... فکانت سر من رأی يومئذ شبيه بالقيامة. (1) «بازارها تعطیل شد و قیامت در سَرّ من رأی بر پا شد.» این نکته نهایت عظمت، شکوه و موقعیت عترت رسول الله صلی الله علیه وآله را گواهی می دهد. با آن همه محدودیت ها و سخت گیری فضائل و مناقب عترت زبان زد همگان است. در موقعیت های مناسب این گونه عظمت و موقعیت اجتماعی شاخص های عترت آشکار می گردد.

تدفین

بعد از تشییع باشکوه از جنازه امام عسکری علیه السلام جنازه حضرت در کنار پدرش امام هادی علیه السلام در همان خانه ای که محل زندگی آنان بوده است به خاک سپرده می شود. این گونه در این محل دو امام همام نقاب از تیره خاک به رخسار سبزینه خویش می کشند.

در این هنگام تلاش تبلیغی ضد عترت در منطقه سامرا رواج گسترده داشته است. می توان گفت آن تبلیغات سوء که چهره عترت را دگرگون جلوه می داد، تأثیرات فراوانی داشته است. شهر سامرا همواره جمعیتی را همراه داشته است. با فضایل اهل بیت و خورشیدهای فضیلت کورکورانه در ستیز بوده اند. چشمان خویش را همانند جغد بر روشنایی و فضایل بسته اند.

ناصبی ها (که نجس تر و آلوده تر از سگ هستند) در این سرزمین نفرین شده جای گرفته اند. امام صادق علیه السلام آنان را نجس تر از سگ یاد کرده است، فان الله تبارک و تعالی لم یخلق خلقا انجس من الکلب وان

ص: 48

1- الکافی، باب مولد ابی محمد حسن بن علی حدیث اول کمال الدین، ج 1، ص 51 فصول المهمة، ج 2، ص 1088.

الناصب لنا اهل البيت لأنجس منه. (1) «خدا نجس تر از سگ نیافریده، اما ناصب و دشنام گوی بر ما اهل بیت، نجس تر از سگ است.» این آثار تبلیغی را می توان ریشه در عناد و کینه توزی عباسیان به ویژه متوکل یافت. همانند شهر شام پایتخت امویان، که بر ضد عترت جبهه گیری داشت، اکنون سامرای عباسیان علیه عترت این گونه کینه توزی می نماید.

زیارت امام عسکری علیه السلام

بی تردید وجود امام معصوم برکت زمین و جامعه می باشد. بیمنه رُزق الورا، «به برکت عترت رسول الله صلی الله علیه وآله مردم روزی داده می شوند.» از زبان امام هادی علیه السلام به عترت این گونه خطاب می کنیم، بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ينزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا یاذنه و بکم ینفس الهمم و یکشف الضر (2).

نیز امام معصوم سبب برکات و خیرات از جانب خدای سبحان می باشد. همچنین شأن تکوینی امام اختصاص به هیچ زمانی ندارد. زنده باشد یا رحلت کرده باشد. از این رو برای مزار آنان هم شأن و حرمت خاصی برقرار است. همان حرمتی که در زمان زنده بودن آنان مطرح است. آنان لنگر زمین و زمان اند و پناهگاه همگان اند. آنان منشأ برکات و نیازهای مادی و معنوی دیگران اند.

به همین خاطر پاداش زیارت عترت معادل زیارت رسول الله صلی الله علیه وآله عنوان شده است، زید شحام از امام صادق علیه السلام می پرسد ثواب زیارت شما چگونه است؟ حضرت پاسخ می دهد همانند زیارت رسول الله صلی الله علیه وآله کمن

ص: 49

1- الوسائل، ج 1، ص 159، حدیث 5/11 از ابواب ماء المضاف .

2- زیارت جامعه، الفقیه، ج 2، ص 370 به بعد.

زار رسول الله صلى الله عليه وآله (1). آن گاه از امام عسکری علیه السلام درباره قبرش این گونه روایت می کنند که ابوهاشم جعفری گزارش می دهد امام عسکری علیه السلام فرمودند قبری بسر من رأی أمان للجانبین، (2) در مناقب آورده شده است که قبری در سامرا، امان برای اطرافیان و افراد مضطرب که در خوف و هراس اند، می باشد.

ص: 50

1- فروع الکافی، ج 4، ص 579، تهذیب، ج 1 ص 55، الوسائل، ج 10، ص 448.

2- تهذیب، ج 1، ص 55، امالی مفید، مجلس 5 ص 38، الوسائل، ج 10، ص 448.

اعتراف ها

این بخش را با سخنی از امام هادی علیه السلام در مورد فرزند برومندش حسن بن علی علیه السلام آغاز می کنیم. وی در مورد شایستگی و برتری فرزندش این گونه ابراز سخن می دارد، ابو محمد ابني أنصح آل محمد غریزةً و اوثقهم حجةً هو الأكبر من ولدي و هو الخلف و اليه ينتهي عرى الإمامة وأحكامها فما كنت سائلی فاسئله عنه فعنده ما يحتاج اليه. (1)

«فرزندم ابو محمد خالص ترین و شایسته ترین از بین آل محمد است. مطمئن ترین حجت الهی است، وی فرزند بزرگ و جانشین من است. مستمسک ها و دستگیره های امامت و رهبری و احکام آن در نزد وی است. هر سؤالی که از من دارید از ایشان بپرسید. وی هر نیازی را برطرف می سازد».

این شهادت از زبان کسی است که گزافه گویی، بزرگ نمایی و مبالغه در سخن وی وجود ندارد. عین حقیقت و شایستگی شخص را آشکار می سازد. از لحاظ علم و دانش پاسخگوی تمام نیازهاست. از

ص: 51

1- الکافی، ج 1، کتاب الحجّة باب الاشارة والنص الی ابی محمد، ح یازدهم، ارشاد، ج 2، ص 319.

لحاظ شایستگی برترین و شایسته ترین فرد جامعه است. دو شرط محوری امامت علم و تقوا را یاد آوری نموده است. این روایت نص صریح در تعیین جانشین برای امام هادی علیه السلام می باشد.

معتمد عباسی

بعد از سخن امام هادی علیه السلام معتمد عباسی قاتل امام عسکری علیه السلام قابل ملاحظه است. هنگامی که جعفر برادر امام عسکری علیه السلام از معتمد می خواهد که وی را تجلیل و وی را به عنوان جانشین پدرش علی بن محمد نصب نماید (!) این درخواست احمقانه وی معتمد را آشفته می سازد. معتمد ابراز می دارد منزلت و مقام برادرت حسن بن علی علیه السلام از جانب ما نیست از سوی خداست. ما هرچه تلاش کردیم تا از موقعیت وی بکاهیم علم، تقوا و متانت وی باعث بالا رفتن موقعیت و محبوبیت ایشان شده است. وانگهی اگر تو در نزد شیعیان پدرت موقعیت داری نیازی به حمایت و نصب ما نیست. اگر موقعیت نداری حمایت و نصب ما برای تویی فایده است، لم تغن عنك في ذلك شيئا(1).

معتمد خلیفه عباسی نیک می داند که تقوا و دانش اهل بیت منشأ برتری آنان است. وی نیک می داند که آنان از جانب خدا بر مقام و منصب امامت منصوب شده اند. عزل و نصب دیگران در این راستا کارساز نمی تواند باشد. این گونه دشمن اهل بیت به فضایل برجسته ایشان و شاخصی چون حسن بن علی علیه السلام اعتراف می نماید.

ص: 52

اسحاق کندی فیلسوف عراقی در زمان امام عسکری علیه السلام عمر خود را صرف رو کردن تناقض های قرآن نمود! روزی یکی از شاگردان وی نزد حسن بن علی علیه السلام حضور یافت. امام به وی فرمود آیا ممکن نیست این فرد را از این کار زشت باز دارید. شاگرد اظهار داشت چگونه و با چه جرأتی. امام به وی فرمود به ایشان بگویید آیا این تناقض هایی که شما می گویی احتمال ندارد مراد خدا در این موارد غیر از آنچه شما برداشت نموده اید، باشد. این سخن را وقتی به اسحاق کندی گفتند پرسید این سخن از کیست، (شاگرد) گفت از خودم. گفت نه این سخن از تو نیست. در آخر شاگرد اعتراف کرد سخن از ابو محمد حسن بن علی علیه السلام است. اسحاق کندی بعد از مقداری اندیشه، سخن حضرت را صواب یافت. تمام نوشته های خود را آتش زد و اظهار داشت، این گونه سخن، تنها از این خانه برون می نهد، ما کان لیخرج مثل هذا الا من ذلك البيت. (1)

راهب

راهب نصرانی بعد از یک عمر در لباس رهبانیت به عبادت پرداخته بود. هنگامی که با حسن بن علی علیه السلام برخورد می کند و فضایل وی را مشاهده می کند به خدمت امام رسیده لباس های رهبانیت را بیرون آورده و لباس سفید می پوشد. وی مسلمان می شود. آن گاه تا آخر عمر

ص: 53

در خدمت امام عسکری علیه السلام می ماند. هنگامی که طیب معتمد علت مسلمان شدن وی را می پرسد می گوید، من حضرت مسیح را به چشم دیدم. این شخص همانند مسیح است. کاری که مسیح انجام می داده است انجام می دهد. وجدت المسیح فاسلمت علی یده(1).

زندانیان بان

گروهی از درباریان عباسی از صالح بن وصیف که مسئول زندانی نمودن حسن بن علی علیه السلام بود، خواستند بر وی سخت بگیرد. وی ابراز داشت من دو نفر از خشن ترین افراد را بر زندانیان ایشان گماشته ام و هر دو آنان آن مقدار متأثر از اخلاق و رفتار وی شده اند که نماز گزار گشته و به روزه و عبادت وصف ناپذیر مشغول شده اند. آن گاه آن دو نفر را خواسته و آنان را مورد عتاب و خشم قرار داد. آنان اظهار داشتند ما با فردی که روزها روزه دار و شب ها شب زنده دار است و به چیزی جز عبادت مشغول نیست روبرو هستیم. هنگامی که به ما نگاه می کند بدن ما می لرزد، فاذا نظر الینا ارتدت فرائصنا.(2)

سبط ابن جوزی از نویسندگان به نام اهل سنت می نگارد، حسن بن علی بن محمد... کان عالماً و ثقةً روی الحدیث عن أبیه عن جدّة (3)، «حسن بن علی علیه السلام فردی دانشمند و مورد اعتماد و راوی حدیث است. وی از پدر و جدش حدیث گزارش می نماید».

ص: 54

1- بحار، ج 50، ص 262 .

2- کشف الغمّة، ج 3، ص 201 .

3- تذکرة الخواص، ص 324

ابن صباغ مالکی دیگر نویسنده به نام اهل سنت سخن محمد بن طلحه را از مطالب السؤل نقل می کند: فضیلت ابو محمد حسن بن علی همین بس که پدر محمد المهدی (عج) است (1).

والد المنتظر (عج)

از مناقب منحصر و ویژه امام عسکری علیه السلام که بسیاری از نویسندگان و نیز منابع آن را به عنوان بزرگ ترین فضیلت ایشان یاد نموده اند این که وی پدر و والد بقیة الله و ذخیره بشری، حضرت مهدی علیه السلام است. هر خیر و برکتی که به جامعه می رسد و هر رهنمود و هدایتی که نصیب مردم می گردد، از برکت و واسطه فیض حضرت مهدی علیه السلام است، بیمینه رزق الوری. هنگامی که فرزند این گونه با برکت برای جامعه باشد، پدری که از نسل آن چنین فرزند به بار نشسته بزرگ ترین فضیلت را برای وی رقم می زند. در آثار دینی مانند زیارت نامه مخصوص علی بن موسی الرضا علیه السلام این حقیقت به عنوان فضیلت مختص حسن بن علی عنوان شده است، المخصوص ص بکرامتک (2).

اربلی در این راستا می نگارد منقبة علیا و مزیه کبری حسن بن علی.

چرا که مهدی از نسل وی به دنیا آمده است (3) محمد بن طلحه نیز همین فضیلت را برترین می شمار، آن المهدی محمد نسله (4) نیز این خلکان پدر

ص: 55

-
- 1- فصول المهمة، ج 2، ص 1081، مطالب السؤل، ج 2، ص 148 .
 - 2- کامل الزیارات، ص 311، الفقیه، ج 2، ص 601 .
 - 3- کشف الغمة، ج 3، ص 188 .
 - 4- مطالب السؤل، ج 2، ص 148 .

مهدی بودن را برترین فضیلت می نگارد، و هو الوالد المنتظر صاحب السرداب(1).

عبادت

فضیلت محوری که سایر فضایل انسان بر آن استوار می باشند، عبودیت وی است. رهبران الهی، انبیا و نیز جانشینان آنان، شرایط و ویژگی هایی را باید فراهم سازند تا به این منصب مهم دستیازی نمایند. پایه و اساس فضایل انبیا و جانشینان آنان را بندگی آنان شکل می دهد. آنان بنده مخلص خدا هستند و در پرستش خدای سبحان تا قله کمال و تا آن فرازی که اندیشه انسان در رسیدن به آن راه دارند، پیش می روند.

آنان تیز پروازانی در این فضا هستند که هیچ کس را یارای رسیدن و هم پایی آنان را نمی باشد، ینحدر عنی السیل ولا یرقی الی الطیر (2)؛ حقیقتی است، نه تنها در امیر المؤمنین علی علیه السلام بلکه این فضیلت به همه انبیا و جانشینان آنان ارزانی شده است. اگر انبیا و امامان به مرحله عصمت می رسند؛ اگر با بار یافتن به مقام عصمت منصب نبوت و امامت نصیب آنان می گردد، پایه و اساس آن عبودیت، پرستش و توحید آنان است. توحید پایه همه فضایل انسانی می باشد.

رهبران الهی چون انبیا و امامان در تمام عمر زندگی مصون از خطا و معصوم از گناه و لغزش اند. ریشه این ویژگی در عبادت آنان است.

ص: 56

1- وفيات الاعیان، ج 2، ص 94 .

2- نهج البلاغة، خ 3، ص 9 .

یک لحظه از عمر خویش را از توحید و یکتا پرستی غفلت نمودند و همواره پاک و منزّه از هر آلودگی زیستند. شب و روز آنان به عبادت و پرستش الهی سپری شد.

یک نمونه از گواهی و شاهدان عینی در مورد عبودیت امام عسکری علیه السلام بسنده است که خشن ترین افراد را برای مراقبت حضرت گماشتند. اما عبادت حضرت، روزه داری در روز و شب زنده داری در شب، زندان بانان خشن را آن گونه متأثر ساخت که آنان نیز به این فضایل روی آوردند. آنان نیز نمازگزار شدند. تا آن حد که از سخت گیری بر حضرت دست برداشتند و مورد انتقاد حاکمان پست عباسی قرار گرفتند، ما نقول في رجل يصوم النهار و يقوم الليل كله ولا يتكلم ولا يتشاغل (1).

زهد

از بارزترین ویژگی های شاخص های عترت زهد و بی رغبتی به دنیاست. آنان هیچ گاه به متاع دنیا دل نبستند و هیچ گاه با از دست دادن دنیا اندوهناک نشدند. امامان معصوم از زندگی و امکانات بس بالا بهره مند بودند. اما هیچ گاه به رفاه طلبی و تشریفات زندگی روی نیاوردند. از متاع دنیا به مقدار ضروری بهره می بردند و سرمایه های خویش را در راه سازندگی و بهبود زندگی دیگران به کار می گرفتند.

ص: 57

1- الکافی، ج 1، باب مولد ابی محمد، حدیث 23، اعلام الوری، ص 367، کشف الغمّة، ج 3، ص 201، فصول المهمّة، ج 2، ص 1085، بحار، ج 50، ص 313.

در واقع با مال و ثروت دنیایی خویش، آخرت خود را آباد می ساختند.

کیسه درهم و دینارها را که به دیگران می دادند، جلوه سخاوت و بخشش آنان را تشکیل می داد. نه از رویکرد دنیا خوشحال می شدند و نه از روی گردانی دنیا اندوهناک می گشتند. همان میزانی که قرآن در مورد زهد آشکار ساخت، لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (1).

زندگی زاهدانه آنان الگوی نیکو برای پیروانشان می باشد. این عنبه در مورد زهد حضرت عسکری می نگارد، کان من الزهد و العلم علی أمر عظیم (2).

البته نباید از فریب شیطان غافل بود، شیطان کارهای زشت را زیبا جلوه می دهد. بسیاری زهدنمایی می کنند تا به دنیا برسند. مانند سفیان ثوری که لباس های نرم و نازنین را زیر پوشیده و لباس های خشن را رو می پوشید تا به مردم زهد فروشی کند. (3) زهد الگوهای عترت، زهد واقعی و بی رغبتی به متاع دنیا است. زهد الگوهای عترت زهد پنهان و برای رضای خدای سبحان است.

کامل بن ابراهیم هنگامی که امام را با لباس های نرم و نازک و ظریف مشاهده کرد، آشفته شده از خود این سؤال را پرسید که چرا آل رسول الله صلی الله علیه و آله (که همگان را به زهد و بی رغبتی فرا می خوانند) خود این

ص: 58

1- حدید، 23 .

2- عمدة الطالب، ص 242 .

3- الغیبة للطوسی، ص 247 .

گونه لباس پوشیده است. امام عسکری علیه السلام که از آشفتگی وی باخبر شد پنهان را آشکار ساخت. لباس های خشن را که زیر لباس های نرم پوشیده بود، آشکار ساخت. به وی فرمود این لباس رو برای شماست؛ آن لباس خشن زیر، برای خداست، هذا لله و هذا لکم(1).

دانش

آگاهی و دانش از برترین فضیلت های انسان به شمار می رود. هیچ فضیلتی بعد از طهارت، تقوا و پاکی به فضیلت دانش نمی رسد. آگاهی افزون بر این که خود یک فضیلت فی نفسه و یک ارزش مستقل است باعث توان مندی و اقتدار فرد عالم می گردد. با آگاهی انسان توان مند می شود. در زمینه های گوناگون راه تکامل را می پیماید. در تمامی عرصه ها بر دنیای خویش پیشی و سبقت می گیرد. با آگاهی انسان می تواند کارهای خارق العاده انجام دهد. مسافت ها را به هم دیگر نزدیک کند. دورها نزدیک و دیرها را زود بنماید. با آگاهی انسان می تواند زمان را در نوردد، قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ. (2) علت این که تخت بلقیس با یک طرفه العینی در نزد سلیمان علیه السلام حاضر می شود، این است که آن فرد دانش و آگاهی داشت. با آگاهی سفرهای خارق العاده مانند معراج رسول الله صلی الله علیه وآله پدید می آید.

ص: 59

1- الوسائل، ج 5، ص 21، حياة العسكري، ص 88 .

2- نمل، 40.

اگر بندگان خدا مظهر اسماء الله تکوینی شوند، اگر کسی بهره مند از دانش لدنی شد، آن گاه انجام تلاش های خارق العاده که در فکرس دیگران نیست برای وی آسان می نماید. با آگاهی از غیب گذشته و آینده، پنهان ها را می تواند آشکار سازد.

امام عسکری علیه السلام مانند سایر الگوهای عترت رسول الله صلی الله علیه و آله از علم و دانش لدنی بهره مندند. آنان از غیب گذشته و آینده می توانند آگاهی بیابند. آنان می توانند از آجال و پایان عمر افراد خبر دهند. آنان که برتر از مسیح علیه السلام هستند می توانند از آنچه مردم دارند خبر دهند. آنان می توانند از اندیشه و خاطرات دیگران خبر دهند.

احمد بن محمد اقرع می گوید به امام عسکری علیه السلام نامه نگاشتم و پرسیدم آیا امام در خواب محتمل می شود. آن گاه به خاطر آمد این نوع احتلام از فریب های شیطان است و شیطان بر اولیاء خدا سلطه ندارد. آنکه به من جواب آمد که حالات خواب و بیداری امام یکسان است. همان گونه که به خاطر تو نیز آمده اولیاء خدا از این گونه وسوسه ها به دور هستند(1).

در روایت دیگر از حضرت آمده است که خدا تفاوت امام را با دیگران در این نهاده است که امام به زبان های گوناگون آشنا و از نسب و پایان عمر افراد آگاه است، و يعطيه اللغات و معرفة الأنساب والأجال و الحوادث و لولا ذلك لم يكن بين الحجة و المحجوج فرق(2).

ص: 60

1- الكافي، باب مولد ابي محمد، حديث 12 .

2- همان، حديث 11

نیز سیف بن اللیث می گوید به حضرتش نامه نگاشتم در سُرّ من رأی (سامرا) در حالی که دو پسر خویش را در خانه نهاده بودم. پسر بزرگم را قیم قرار داده و پسر کوچک تر که علیل بود در بستر به سر می برد. از حضرت خواستم برای پسر بیمارم دعا کند. در جواب نگاشت پسر بزرگ تو از دنیا رفته و پسر بیمارم هم بهبود یافته است. از خانه ام خبر گرفتم با خبر شدم همان گونه که حضرت نگاشته بود اتفاق افتاده است، ان ابني قد عوفي من علته و مات الكبير(1). موارد فراوان دیگری از غیب گویی حضرت گزارش شده است.(2)

امام ملک، امام ملکوت

انسان خلیفه الله که مظهر اسماء الهی می شود، آن مقدار توان مند می گردد که کاری خدایی انجام می دهد. مرده زنده کردن، بیمار شفا دادن، غیب گویی از گذشته و آینده از مواردی است که انسان خلیفه الله قادر به انجام آنهاست. البته تمام این گونه موارد باذن الله می باشد.

قرآن این حقیقت را از زبان عیسی بن مریم این گونه گزارش می نماید، اَلَّذِي اَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفَخَ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُثْرِي الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَاُحْيِي الْمَوْتَى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَاْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ (3). «من از گِل، مجسمه پرنده می سازم. آنگاه

ص: 61

1- همان، حدیث 18.

2- دلائل الامامة، ص 221، مناقب، ج 4، ص 470، فصول المهمة، ج 2، ص 1085، اعلام الوری، ص 369، بحار، ج 50، ص 303.

3- آل عمران، 49.

در آن می دمم. به اذن خدا پرنده می شود. من فرد کور و نیز فردی را که دچار برص (بیماری پوستی) است شفا می دهم. من مرده ها را زنده می کنم و از آنچه که می خورید و آنچه که ذخیره می نمایید خبر می دهم.» چرا مسیح علیه السلام قادر به انجام این گونه کارهاست. چون مظهر اسماء خدا مانند قدرت، علم، محیی و ممیت قرار گرفته است.

شیعه بر این باور حق است که فضیلت جانشینان رسول الله صلی الله علیه وآله یعنی عترت رسول الله صلی الله علیه وآله برتر از انبیا اولوالعزم مانند عیسی هستند. توان مندی آنان نیز برتر از ایشان خواهد بود. با این وجود دیگر شگفت انگیز نیست که امام عسکری علیه السلام ریگ ها را تبدیل به درهم و دینار کند. با درنگان صحرا رام حضرت باشند و دور ایشان حلقه بزنند.

طبق نقل محمد بن یعقوب، حسن بن علی علیه السلام را به فردی به نام نحیر که درندگان خلیفه را چوپانی می کرد، سپردند. همسرش به وی می گوید که امام را احترام نموده و برای حضرت خوف و خطر پدید نیاورد. وی از فضایل حضرت بازگو می کند. چوپان ملعون بیشتر کینه توزی نموده حسن بن علی علیه السلام را نزد درندگان رها می سازد. آن گاه مشاهده می کند درندگان نه تنها به وی آسیب نرسانند (!) بلکه دور حضرت گرد آمدند و حضرت در میان آنان مشغول نماز است، ثم فعل ذلک فرئی قائماً یصلي و هي حولة. (1)

ص: 62

1- الکافی، باب مولد ابی محمد، حدیث 26، روضة الواعظین، ص 249.

ابوهاشم(1) می گوید از تنگ دستی نزد ابو محمد حسن بن علی علیه السلام شکوه نمودم. با تازینانه خویش زمین را شیار کرد - احتمالا منظور دسته تازینانه باشد - آن گاه ظرف نقره ای بیرون آورد که در آن پانصد دینار بود. به من داد و فرمود مرا معذور بدار، خذها یا ابهاشام و أعذرنا(2).

دوران کودکی

دوران کودکی امامان با دیگران تفاوت عمده دارد. آنان در هنگام ولادت و نوزادی سخن می گفتند. آنان مانند دیگر کودکان و نوجوانان در این دوران بازی نمی کردند. بازی کاری لغو و بیهوده است و تنها خیال انسان را شادمان می سازد. از اندیشه، تدبیر، نتایج عقلانی و عقلایی تهی است. البته برخی بازی های میدانی که جنبه ورزشی، بدن سازی و سلامت را به دنبال دارد، این گونه نیستند.

در مجموع بازی های متداول در بین کودکان، نوجوانان و نیز در میان بزرگ سالان چندان نتایج عقلایی در پی ندارد.

این گونه بازی ها در دوران های گذشته با تفاوت هایی همواره وجود داشته است. در دوران امامان معصوم نیز متداول بوده است.

آنچه که اندیشه و رفتار امام را از دیگران متفاوت می سازد، این که آنان در دوران کودکی و نوجوانی بازی نمی کردند. خود ابراز

ص: 63

1- ابوهاشم جعفری، منظور داود بن قاسم است که جلیل القدر نزد ائمه بوده است، امام جواد، هادی و عسکری، رجال نجاشی، شماره 411، ص 156 .

2- مناقب، ج 4، ص 464، بحار، ج 50، ص 259 .

می نمودند که بازی حتی در این دوران در شأن و منزلت ما اهل بیت نمی باشد.

این نکته از زبان چندین امام به مردم گوشزد شده است. در نوشتار امام جواد علیه السلام الگوی زندگی نیز یاد آوری شد. (1)

از اظهارات امامان معصوم این گونه بر می آید که آنان بر بازی نکردن اصرار داشتند. به همین خاطر از زبان چندین نفر از الگوهای عترت این حقیقت بازگو شده است که آنان در هیچ دورانی به بازی نمی پرداخته اند.

امام صادق علیه السلام در معرفی نمودن جانشین خود (که منصب امامت را به عهده می گیرد) یعنی امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند، ان صاحب هذا الامر لا يلهو ولا يلعب (2). «فرد شایسته منصب امامت کار لهو و بیهوده انجام نمی دهد و بازی نمی کند.» بابتی و امی من لا يلهو ولا يلعب (3).

«پدر و مادرم فدای آن کسی که کار بیهوده انجام نمی دهد و بازی نمی کند.»

امام حسن بن علی العسکری علیه السلام نیز همین حقیقت را آشکار می سازد، ما للعب خلقنا للعلم و العبادة، «ما برای بازی آفریده نشده ایم؛ ما برای

ص: 64

1- امام جواد علیه السلام الگوی زندگی، ص 75.

2- ارشاد، ج 2، ص 219.

3- همان، ص 18.

دانش و عبادت آفریده شده ایم.» در تعبیر دیگر، انما خلقنا للجدِّ لأمر عظیم (1).

این حقیقت از زبان یحیی بن زکریا نیز گزارش شده است. هنگامی که کودکان به وی گفتند با ما همبازی شو، در پاسخ آنان گفت، ما للعب خلقنا (2)، «ما برای بازی آفریده نشده ایم».

زندگی امام معصوم از همان دوران کودکی، با بازی همراه نیست. از زندگی هدفی بس بزرگ دنبال می نماید. این زندگی الگویی برای همگان است. به ویژه آنان که دوران بزرگسالی را هم به بازی می گذرانند. انگیزه این که این نکته در نوشتار حسن بن علی نیز آورده شده، این است که از زندگی و رفتار آنان بهتر بهره وری شود و بهتر الگو بگیریم.

سخاوت

مظهر اسماء الهی شدن باعث شکوفایی صفت های شایسته انسانی می گردد. خدای سبحان، بخشایش گر و وهاب است. واسع و علیم است. عطا و بخشش های الهی پایان پذیر نیستند. همواره بر بندگان خویش جود و بخشش بی پایان دارد. جود و بخشش خدا آن گونه فراگیر است که کفار و معاندین را نیز کامل فرا گرفته است. هنگامی که انسان مظهر چنین حقیقت که وهاب و ذوالقوة المتین است، قرار

ص: 65

1- تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص 652، نور الابصار، ص 183، الصواعق المحرقة، ص 207.

2- بحار، ج 14، ص 185، بحار ج 37، ص 5. نور الثقلین، ج 3، ص 325.

گرفت، رنگ و بوی خدایی می گیرد. در جود و بخشش با روی گشاده و دستی باز بذل و بخشش می نماید.

از این رو است که احسان و نیکی از سیره و رفتار ماندگار امامان معصوم می باشد. آنان حتی به دشمنان و قاتلان خودشان احسان کردند. آنان در بخشیدن و نیکی به دیگران دریغ نمودند. کیسه ها و انبان به دوش کشیدن امامان زبان زد همگان است. کیسه سیصد درهم و دیناری موسی بن جعفر علیه السلام زبان به زبان در گردش بود. (1)

ابوهاشم جعفری از علویانی است که در زندان به سر می برد. روزی از سختی های زندان به حضرت شکوه می کند؛ امام به وی می فرماید امروز ظهر در منزل خود نماز خواهی گزارد. همان روز از زندان آزاد شده به خانه می آید. اما معلوم است که زندانی دست خالی و بی پول خواهد بود. ابوهاشم نیت می کند که از امام طلب کمک کند اما شرمش می آید. آن گاه امام صد دینار برای وی ارسال می کند. که هم خانواده زندانی سیاسی را امدادسانی می کند و هم نمودی از علم غیب خویش را ابراز می دارد، لما صرت الی منزلی وجّه لی بمأة دینارا (2).

محمد بن علی از نوادگان موسی بن جعفر علیه السلام در فشار تنگ دستی قرار می گیرد. پدرش وی را راهنمایی می کند که به حسن بن علی علیه السلام مراجعه نماید. حسن بن علی علیه السلام پانصد درهم به وی می بخشد تا

ص: 66

1- امام کاظم علیه السلام الگوی زندگی، ص 87.

2- الکافی، باب مولد ابی محمد، حدیث 10.

هزینه های جاری زندگی را تأمین نماید، تناول أبي صرة فقال هذه خمس مائة درهم (1).

علی بن جعفر همانی از وکلای امام عسکری علیه السلام در اطراف بغداد بوده است. وی اموال زیادی را در مسیر حج هزینه می کرده است. به احتمال زیاد جوانان و افرادی را به حج اعزام می نموده. در این راستا تا آن مقدار هزینه می کرده است که موجب سؤال برخی می گردد. ابو طاهر بن بلال نامه نگاشته از امام عسکری علیه السلام در این باره سوال می کند، حضرت در پاسخ وی می نگارد این پرداخت ها به دستور ماست. به حج مشرف می شود و هزینه های وی را مشاهده می کند به ابو محمد حسن بن علی نامه می نگارد. حضرت در پاسخ می فرماید، این هزینه به دستور خود ما می باشد. (2)

ص: 67

1- الكافي، باب مولد ابي محمد، ح 3.

2- الغيبة للطوسي، ص 235.

اعتدال در عبادت

بسیاری از پیروان ادیان آسمانی در دین داری دچار افراط یا تفریط می شوند. برخی خدای سبحان را مهربان و بخشنده می دانند. از این نوع صفات الهی برداشت ناروا کرده دچار این پندارند که چون خدا رحیم و مهربان است، به بنده اش در انجام دستورات الهی سخت نمی گیرد. این گروه از دین داران بر اساس همین پندار به انجام دستورات الهی خیلی توجه نمی کنند؛ نماز و عبادت شایسته انجام نمی دهند و به روزه، حج و زیارت اهمیت نمی دهند.

از جانب دیگر برخی کارهای بسیار زشت انجام می دهند. به پندار خویش این گونه تحلیل می کنند که وقت زیاد است، خدا ارحم الراحمین است. خدا بخشنده و مهربان است و گاهی هم این گونه وسوسه های شیطان در پندار آنان الهام می کند که دلت پاک باشد. وقتی دلت پاک شد هر کاری انجام دهی مهم نیست! نماز بخوانی یا نخوانی گناه بکنی یا نکنی این ها مهم نیستند. مهم پاکی قلب و دل

است! این یک برداشت غلط از دین داری است که می توان آن را تقریط نامید.

از سوی دیگر برخی هم بیراهه دیگری را در پیش می گیرند. به واجبات دستورات الهی عمل می کنند. به مستحبات جانبی نیز سخت پایبند می شوند و تلاش می کنند خود را به انجام دعاها و دستورات مستحبی مشغول کنند. به حدی که انجام مستحبات چه بسا آنان را از دستورات واجب نیز باز می دارد. در جهت کارهای زشت نیز آن گونه به ترک حرام و مکروه روی می آورند که زندگی را بر خویش تنگ می سازند. گاهی آن مقدار زیاده روی می کنند که برای انجام مستحبات یا ترک مکروه، حرام مرتکب می شوند. این نیز افراط در عبادت، خطا و بیراهه است. خطر آن اگر از تقریط بیشتر نباشد، کمتر نخواهد بود.

در پیمودن راه خدا و پرستش خدای سبحان بعد از اعتقاد صحیح و استوار توحیدی، راه اعتدال راه درست است. اعتدال عابد فرزانه را به مقصد می رساند. رسول الله صلی الله علیه وآله و امامان معصوم که الگوی اعتدال می باشند، دیگران را از افراط و تقریط هشدار می دهند. آنان راه اعتدال را شفاف و روشن در جلو چشمان دیگران جلوه گر می سازند تا جامعه را از افراط و تقریط ها به اعتدال و میانه روی بازگردانند.

این روش رسول الله صلی الله علیه وآله و امامان برای باز گرداندن جامعه به آموزه های قرآنی است، وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا، «این گونه شما را

امتی میانه رو و معتدل قرار دادیم.»⁽¹⁾ با این توضیح اینک به رهنمود امام عسکری علیه السلام می پردازیم.

حضرت در مورد عابدترین افراد این گونه رهنمود می دهد، ابدالناس من اقام الفرائض. «عابدترین افراد آنان اند که واجبات را انجام می دهند.» زاهدترین افراد نیز آنان اند که از حرام دوری می کنند. ازهد لناس من ترك الحرام⁽²⁾.

راه میانه و اعتدالی که امام یازدهم ترسیم می نماید این است که انسان دو وظیفه مهم را در زندگی مراقب باشد؛ دستورات واجب را انجام دهد و از کارهای حرام دوری نماید. اگر کسی واجب را انجام و حرام را ترک کند، عابدترین و زاهدترین خواهد بود. عابد بودن نیازی به انجام مستحبات ندارد و نیز احتیاجی نیست مکروه را دوری نمایی. تنها و تنها حرام را ترک کنی (و هیچ گناهی را مرتکب نشوی)؛ از انجام هیچ تکلیف واجب غافل مباشی، در این صورت زاهدترین و عابدترین خواهی بود. البته انجام مستحبات و ترک مکروهات در صورتی که به افراط و تفریط گرایش نکند؛ به پیمودن راه سرعت می بخشد. در این صورت پیمودن راه نور علی نور می شود.

این رهنمود جامعه را از افراط و تفریط باز می دارد و باعث هدایت آن به راه اعتدال و استوار می گردد. این رهنمود انسان ها را از کج روی ها و پندارهای باطل دور می دارد. امامان معصوم بر این رهنمو

ص: 71

1- بقره، 143 .

2- بحار، ج 75، ص 373 .

پافشاری دارند و این حقیقت از زبان رسول الله صلی الله علیه وآله همواره جاری بوده است. امامان معصوم نیز از زبان رسول الله صلی الله علیه وآله بازگو نموده اند. چنانچه امام صادق علیه السلام از زبان رسول الله صلی الله علیه وآله می فرماید: اعبد الناس من اقام الفرائض (1)

راه عبادت

اندیشه، دیدن (چراغ راه) و عبادت، رفتن (طی مسافت) است. بدون دیدن، رفتن کورکورانه و بی هدف است. دیدن بدون رفتن نیز در جا زدن و همانند آب راکد گنبدیدن و تباه شدن است. راه صحیح عبودیت و پیمودن راه تعالی، دیدن و رفتن است. اول دیدن یعنی راه را روشن و شفاف مشاهده کردن، آن گاه راه رفتن، سرعت و سبقت گرفتن. فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ. (2) دین عبادت کورکورانه را نمی پسندد. انسان را به اندیشیدن و تفکر فرا می خواند. آن گاه به دنبال اندیشه زلال وی را به عبادت و پرستش دعوت می نماید.

اینک ابو محمد حسن بن علی العسکری راه عبادت نمودن را این گونه شفاف می سازد. می فرماید عبادت خدا به زیاد نماز خواندن و زیاد روزه گرفتن نیست؛ عبادت خدا به این است که زیاد در مورد امور الهی اندیشه نمایی، لیست العابده کثرة الصيام و الصلوة، انما العبادة کثرة التفکر فی أمر الله. (3)

ص: 72

1- الکافی، باب العبادة، ج 3، ص 214.

2- بقره 148.

3- تحف العقول، ص 488، بحار، ج 75، ص 373.

این سخن امام راه گشای پندارهای کور می باشد. این پندارها برای خیلی ها پدید می آید و یا خود پدید می آورند. نخست درست اندیشیدن و درست فهمیدن آن گاه پرستش نمودن. خود اندیشه برترین عبادت است. زیرا به برکت اندیشه انسان خدا را صحیح و زلال درک می کند. هنگامی که توحید و خداشناسی وی درست شد و عقیده صحیح و سالم فراهم ساخت، آن گاه رفتار خویش را معتدل ساخته و عبادت های رفتاری را به خوبی انجام می دهد. درست فهمیدن دین و پیمودن راه اعتدال، راه عترت است.

راه خیرخواهی

از وظایف یک انسان مؤمن خیرخواهی دیگران و دعوت دیگران به خیر است. انسان هنگامی که ناهنجاری دیگران را مشاهده می کند ناراحت شده و می خواهد شخص را به هنجارها فرا خواند. انسان هنگامی که سقوط دیگری را مشاهده می کند و یا هنگامی که می بیند کسی در شرف سقوط قرار می گیرد، نگران می شود و در صدد اصلاح و نجات بر می آید.

اما نجات افراد گرفتار در هر صورت شکل نمی گیرد. اگر یک فرد غریق نجات اشتباه عمل کند، نه تنها غریق را نجات نمی دهد بلکه چه بسا باعث مرگ خود وی نیز می شود.

این سخن از خیرخواهی افرادی است که ناهنجاری را بر نمی تابند. اما اگر واعظ ناشی باشد فرد ناهنجار را بیشتر وادار به ناهنجاری می نماید.

مناند فرد ناجی که به جای نجات غریق آن را به داخل اعماق آب می کشد.

فرد خیر خواه که دیگران را به خیر و خوبی فرا می خواند باید روان شناس باشد. روحیات طرف مقابل را درک کند. باید با ظرافت کامل وارد شود تا بتواند وی را از رفتارهای زشت باز دارد. امام حسن بن علی با ظرافتی خاص آموزه های عرشی را بر همگان هدیه می نماید.

در این راستا حضرت می فرماید کسی که می خواهد دیگری را موعظه و به خیر و نیکی فرا خواند، باید به صورت پنهانی باشد. حیثیت و آبروی فرد را در نظر بگیرد. در حضور دیگران ناهنجاری وی را گوشزد نکند. این روش باعث آزردهی خاطر آن فرد شده و با رنجش او این فراخوانی نه تنها بی اثر می گردد، بلکه باعث سرزنش وی می شود. اما اگر پنهانی و با ملایمت وی را تذکر دهد آن شخص متنبه شده از رفتار زشت باز می گردد و خود را سرفراز می بیند، من وعظ اخاه سرا فقد زانه و من وعظه علانية فقد شانه(1).

فرهنگ سازان

آثار مکتوب

فرهنگ سازان جامعه نقشی محوری در انتقال اندیشه ها و فرهنگ ها دارند. تمدن ها و فرهنگ ها در اثر تلاش فرهنگ سازان جامعه پدید

ص: 74

1- تحف العقول، ص 489، بحار، ج 75، ص 374.

می آیند. کتاب نقش محوری را در تکامل، پیشرفت، تحول و تمدن جامعه دارد.

فرهنگ سازان چه آنان که فرهنگ ها را با گفتار و رفتار خود به دیگران انتقال می دهند و چه آنان که با مکتوب کردن فرهنگ و آثار، میراث مکتوب ماندگار را از خود به یادگار می نهند، هر دو گروه مورد عنایت اهل بیت بوده اند.

امام صادق علیه السلام در مورد امثال زراره فرمود اگر این ها نبودند آثار پدرم یعنی اهل بیت از بین می رفت، لولا- زراره و نظائره لاندرست احادیث ابی. (1) در تعبیر دیگر آمده اگر زراره و محمد بن مسلم و لیث مرادی و برید عجللی نبودند، آثار نبوت از بین می رفت، لاندرست آثار النبوة. (2) آثار مکتوب فرهنگ سازان به خاطر این ماندگار است که ارزش والاتری دارد که موجب تجلیل امام عسکری علیه السلام قرار می گیرد.

داود بن قاسم (ابو هاشم جعفری) می گوید، نسخه ای از کتاب یونس بن عبدالرحمن را به محضر امام عسکری علیه السلام بردم، پرسید کتاب از کسیت، عرض کردم از یونس مولی آل یقطین، فقال اعطاه الله بكل حرف نوراً یوم القیامة، (3) «خدا در برابر هر حرفی از آن نوری در قیامت به وی عطا کند».

ص: 75

1- رجال کشی، ص 136، روایت 217.

2- ریاض الابرار، ج 2، 253.

3- رجال نجاشی، شماره 1028، ص 447، الوسائل، ج 18، ص 73.

این تجلیل و دعای عسکری علیه السلام ابو محمد در حق نویسنده است که قلمش آثار وحی را حراست می کند. این ستایش بزرگ عترت و شاخص عترت امام عسکری علیه السلام در مورد ارزش قلم و نویسنده است. این گونه میراث مکتوب در نزد عترت بها و ارزش دارد. این نورانیت قیامت را با کدام درهم و دینار می توان معاوضه و یا مقایسه نمود؟ این برترین تجلیل از قلم و نویسنده است که از زبان شاخص عترت چون حسن بن علی علیه السلام صادر شده است. این اندیشه عرشی عترت بر گرفته از وحی قرآنی است که بر شرافت قلم و آن چه می نویسد سوگند یاد می کند، وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (1).

رفتار شیعه

پیرو اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وآله بودن به گزاف و ادعا نیست. شیعه بودن به اندیشه و کردار است. فردی که ادعا کند پیرو عترت رسول الله صلی الله علیه وآله است باید در رفتارش مراقب باشد که رفتار وی باعث سرافرازی و افتخار رهبران و امامان باشد. رفتار شیعه نباید باعث سرافکنندگی و دل شکستگی امام همام قرار گیرد. امامان همان گونه که از رفتار پسندیده پیروانشان خرسند می شوند از رفتار ناپسند نیز نگران می گردند. در گفتار و رهنمودهای امامان بر این نکته پافشاری شده است. آنان پیروان خود را به اخلاق و رفتار پسندیده فرا می خوانند.

ص: 76

1- قلم 1

امام حسن بن علی علیه السلام به پیروان خودش تأکید می کند که در رفتار مردم را به سوی ما فرا خوانید. با محبت، عطف و مهربانی با مردم برخورد کنید و از کارهای زشت و ناروا که باعث گریز و فرار دیگران می گردد پرهیز نمایید. رفتار شما شیعیان باید زینت و سرافرازی ما گردد. نباید اخلاق و رفتار شما باعث سرافکنندگی و کسر شأن ما شود. اتقوا الله و کونوا زینا و لا تکنوا شیئا، جروا الینا کل مودة و اذفعوا عنا کل قبیح. (1) تقوا پیشه کنید. باعث زینت و سرافرازی ما باشید. باعث سرافکنندگی ما نشوید. با رفتاری زیبا و پسندیده قلب ها را به سوی ما جذب کنید. رفتار زشت را از ما دور بدارید. «یعنی اخلاق و رفتارتان زیبا باشد تا باعث جذب قلب ها گردد. از اخلاق و رفتار زشت دوری گزینید تا زشتی ها را از ما دور کنید. این رهنمود عرشی حسن بن علی علیه السلام بر پیروان و شیعیانش است.

حفظ اسرار

هر تشکل اجتماعی که در جامعه جریان دارد مشتمل به اسراری است که هویت و استمرار آن به حفظ و حراست از آن اسرار پیوند دارد. به ویژه اگر یک تشکل و جریان اجتماعی از سوی قدرت ها و جریان های دیگر اجتماعی تحت فشار و مراقبت باشد. در این صورت حفظ اسرار درونی امری سرنوشت ساز خواهد بود.

ص: 77

پیدایش تشیع همزمان با طلوع خورشید پرفروغ اسلام است. رسول الله صلی الله علیه وآله در فرصت های مناسب همواره بر معرفی جانشینان خود اصرار می ورزید. با این حال امت مسلمان بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه وآله دچار چالش های جدی و بلکه دچار بحران اجتماعی شد.

مسئولیت رهبری این جریان اجتماعی را امامان معصوم که از سوی خدا به دست و زبان رسول الله صلی الله علیه وآله معین شده بودند، به عهده داشتند.

امامان معصوم نیز تلاش پرثمر در حفظ و ساماندهی این تشکل انجام دادند. عترت بزرگ ترین نقش خویش را در حراست از این تشکل در دوران امامت خود (در دو قرن و نیم) انجام دادند. پایگاه فقهی و فرهنگی عترت و عبور دادن این تشکل از بحران های اجتماعی (که رنگارنگ پدیدار می شدند)، از تلاش های ایشان می باشد.

دوران امامت امامان معصوم دوران بسیار سختی بوده است که از جانب دو جریان اجتماعی امویان و عباسیان زیر شدید ترین مراقبت ها و فشارهای اجتماعی قرار داشت. به همین خاطر مشاهده می شود تاکتیک تقیه یکی از محورهای مهم و استراتژیک این تشکل به شمار می رفته است. امام صادق علیه السلام در این راستا خط دهی و رهنمودی شفاف می نماید لا دین لمن لا تقیه له. (1) «کسی که تقیه و حراست ندارد، دین ندارد.» این روش در موقعیت های گوناگون به شیوه های متفاوت به کار گرفته

ص: 78

می شده است. در هر زمانی به لحاظ مقتضیات همان زمان از این ترفند بهره گرفته و با حفظ اسرار به سوی آرمان های خود پیش می رفته اند.

همه امامان معصوم در این شرایط قرار داشتند. حتی در زندان ها هم از خطر به دور نبودند. جاسوس های درباریان همواره در زندان ها نیز شنود داشتند و حرف و حدیث ها و تلاش های امامان معصوم را که رهبران این تشکل بودند مراقبت می نمودند. این گونه است که در

گفتار و رفتار امامان این موضوع شفاف است. همواره توصیه به حفظ اسرار داشتند و هشدار می دادند که افرادی که اسرار ما را فاش سازند از ما نیستند. حتی امام حسن بن علی اخطار می نماید که هر کس اسرار ما را فاش سازد در ردیف محارب با ما شده و در ستیز با ما برخاسته است. توجه کنید، و اقرأ من تثق به من موالینا السلام و مرهم بتقوی الله العظیم و اداء الأمانة و أعلمهم ان المذیع علینا حرب لنا(1). «به آن گروه از شیعیان ما که به آنان اطمینان داری سلام برسان و آنان را به تقوی و پاکی از حریم خدای بزرگ امر کن. به آنان بگو در امانتداری جدی باشند. به آنان اعلان کن هر کس اسرار ما را فاش سازد در ستیز با ما قرار گرفته است.» فاش ساختن اسرار در حد محاربه و جنگ با اهل بیت به شمار آمده است.

ص: 79

امامان در رفتار خویش تلاش می نمودند که اطلاع رسانی و تبلیغ با کمال پنهان کاری انجام گیرد، تا بهانه به دست مخالفان بهانه گیر نیافتد و زمینه آزار و اذیت پاران فراهم نیاید.

خود امام هنگامی که می خواهد نامه نگاری کند و اسرار را حفظ نماید نامه محرمانه خود را در داخل چوب دستی پنهان می سازد. حتی ابوهاشم جعفری که نامه رسان و محرم اسرار امام حسن علیه السلام بوده نیز از وجود پنهانی نامه ها خبر دار نمی شود.

ابوهاشم می گوید ابو محمد حسن بن علی علیه السلام مرا فرا خواند. چوب دستی گرد و قطوری را به من داد و به من فرمود به نزد عمری نماینده ایشان بروم. در بین راه با زدن چوب دستی به چار پا چوب دستی شکست. نامه ها از میان آن آشکار شدند. نامه ها را پنهان ساختم نزد عمری که آمد نامه ها را تحویل دادم، هنگامی که باز گشتم مورد اعتراض حضرت قرار گرفتم که چرا چوب دستی را شکسته و نامه ها را آشکار ساختم. نیز به من فرمود چرا با فردی که به تو دشنام می نمود مجادله کردی و جواب دادی. ما در شهری بسیار بد و حساس قرار داریم و هنگامی که مورد عتاب قرار می گیری هیچ گاه در صدد جواب بر نیا و راه خود را دنبال کن، فاننا ببلد سوء و مصر سوء فامض فی طریقک (1).

ص: 80

تلاش ها و ارتباطات امام عسکری علیه السلام همانند سایر امامان با نمایندگان خویش بسیار پنهانی و سری بوده است. نامه ها و گزارش ها پنهانی انجام می گرفته است.

نامه های محرمانه از دید و نظر پیک و نامه رسانان هر چند محرم اسرار بوده نیز پنهان داشته شده تا کاملاً اسرار حراست شود.

اطلاع رسانی بسیار دقیق و حساس انجام شده تا دیده بان ها و شنوهای مخالف نتوانند به اسرار دسترسی پیدا کنند.

تلاشهای اجتماعی امام عسکری علیه السلام همانند سایر امامان معصوم در سخت ترین شرایط متوقف نبوده و به صورت سری و جدی دنبال می شده است.

تقیه، پنهان نمودن اسرار و یک تاکتیک برای پیشبرد اهداف فرهنگی و اجتماعی است. یک روش موفق در رسیدن به اهداف بلند است. تقیه ی به معنای انزوا و فرار از مسئولیت های اجتماعی و فرهنگی، برداشت اشتباه از این روش است.

برخورد با دگراندیش

از رهنمودهای عرشی و آموزه های ملکوتی امامان معصوم رهنمود در برخورد با دگراندیش به ویژه سایر فرقه های مسلمان است.

به طور طبیعی گرایش های حزبی و فرقه ای باعث تعصب کورکورانه و جاهلانه می گردد. زیرا هر فرقه ای خویش را حق می پندارد و دیگران

را باطل و تباه می داند، كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ⁽¹⁾ از این رو تعصب و حمایت های غیر منطقی باعث خشونت، کینه توزی، تفرقه و تشتت بین فرق و حتی پیروان یک دین و مرام می گردد.

قرآن همه پیروان خویش را به وحدت فرا می خواند و از تعصب و گروه گرایی سخت پرهیز می کند، وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا⁽²⁾ عترت رسول الله صلی الله علیه وآله با پیروی از آموزه های قرآن، شیعیان و پیروان خود را به همزیستی مسالمت آمیز و مهرورزی با دیگران فرا می خواند.

عترت با این که راه خویش را حق می داند نسبت به دیگران یعنی مخالفان خود رهنمودی عرشی ارائه می دهد که آنان را باید تحمل کرد. آنان را باید بر تایید و از ایجاد تعصب ها بر حذر بود. نه تنها حسن بن علی علیه السلام بلکه تمام امامان معصوم این روش را نهادینه نموده اند و پیروان خود را از ایجاد تنش، کینه توزی، بدگویی و برانگیختن احساسات دیگران بر حذر داشته اند.

این حقیقت در گفتار و رفتار شاخص های عترت شفاف و نمایان است. از امیر المؤمنین علیه السلام گرفته تا حسن بن علی. برخی از این ویژگی ها و برخوردها در نوشتارهای پیشین یاد آوری شده است⁽³⁾. به این نکته پافشاری شده است که برخوردهای تعصب انگیز و بی منطق که باعث

ص: 82

1- روم 32.

2- آل عمران، 103.

3- مانند امام جواد علیه السلام الگوی زندگی، ص 91.

ایجاد کینه توزی و برافروختن احساسات دیگران می شود روش عترت رسول الله صلی الله علیه وآله نیست و فاصله فراوان بلکه تعاند با روش و سیره عترت دارد.

کسی نمی تواند خود را پیرو عترت بداند. اما گفتار و رفتارش تنش زا بوده و باعث ایجاد اختلاف و انگیزه تشمت و تفرقه گردد. این گونه افراد بیهوده خود را پیرو عترت می پندارند. زیرا عترت از این رفتارها رنجیده خاطر می گردند و خوشایند آنان نمی باشد. بسیاری از محفل ها و مراسم ها که با انگیزه خشنودی عترت ساماندهی می شوند، در جهت تضاد با اهداف و انگیزه سیره عترت می باشد. اینک حسن بن علی علیه السلام این سیره را شفاف می سازد.

حضرتش اظهار می دارد به شیعیان توصیه و سفارش می کنم همواره مراقب حدود الهی، تقوا و طهارت خویش باشند. پرهیزکاری را فراموش ننمایند. هیچ گاه تلاش در راه خدا را فراموش نکنند. همیشه در گفتار خویش صادق و راستگو باشند. در ادای امانت ها کوشش کنند. هیچ گاه به هیچ امانتی خیانت نکنند؛ چه طرف فردی شایسته باشد و چه فردی ناهنجار، فاجر و فاسق. بر شیعیان سفارش می کنم سجده های طولانی انجام دهند. همسایگان خویش را گرامی دارند که انگیزه های رسالت رسول الله صلی الله علیه وآله نیز همین رفتارهاست. به شیعیان سفارش می کنم که با دگراندیشان و دیگر فرقه های مسلمان نماز بگزارند و در تشییع جنازه اموات آنان شرکت کنند. بیماران آنان را عیادت نمایند و تمام حقوق آنان را رعایت کنند. هنگامی که شیعه ای در دین داری پرهیز کار و

امانت دار باشد، در گفتار خویش راستگو باشد و با خلق و خوی نیکو با دیگران برخورد کند، گفته خواهد شد که این ها شیعه اند؛ این ها پیروان عترت اند و باعث خرسندی می گردد. با رفتار خویش باعث سرافرازی ما باشید. با رفتار خویش باعث سرافکنندگی ما نشوید، اتقوا الله و کونوا زینة ولا تکونوا شینا(1).

این سخن رسای ابو محمد عسکری علیه السلام است. از این سخن روان تر و رساتر در رفتار نیک و تحمل دگراندیش کدام است؟

خطر شرک

همان گونه که ایمان به خدا مراتب دارد شرک نیز یک مرحله نیست، بلکه مراحل دارد. بزرگ ترین شرک، شرک در اعتقاد است. یعنی کسی برای خدای سبحان شریک فرض کند و در عبودیت هم شریک خدا که همان بت ها باشد پرستش نماید. نیز شرک در خالقیت مرحله ای از شرک است؛ یعنی کسی به این پندار غلط باشد که نظام هستی و آفریدگارش یکی از آفریدگارهاست و دیگر آفریدگار نیز وجود دارد.

همچنین شرک در پرستش یعنی کسی دیگران را واسطه و در کنار خدا قرار دهد. بت ها را پرستش کند تا بت ها شفیع و باعث تقرب وی در نزد خدای سبحان شوند، مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى(2).

ص: 84

1- تحف العقول، ص 488

2- زمزم 3.

یک مرحله شرک نیز وجود دارد که انسان مؤمن دچار آن است و آن شرک خفی می باشد. شاید بتوان گفت کمتر مؤمنی توان رهایی از این شرک را داشته باشد. قرآن بیشتر انسان های موحد و مؤمن را گرفتار این شرک معرفی می کند، وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ(1). این شرک خفی همان ریا در رفتار به ویژه در رفتار عبادی است. همان وسوسه هایی که فرد را هنگام عبادت گرفتار می کند. قرائت نماز را برای این که دیگران می شنوند زیباتر می خواند. نیکوکاری را در حضور دیگران انجام می دهد تا دیگران بگویند فرد مؤمن است. حج خود را با ریا انجام می دهد تا دیگران به وی حاجی بگویند. راهی مسجد می شود تا دیگران وی را فردی متدین و مسجدی بدانند. نماز شب خواندن خود را نمایان می سازد تا دیگران وی را نماز شب خوان معرفی کنند. روزه می گیرد اما روزه داری را به دیگران اعلان می کند. به ایتم و درماندگان رسیدگی می کند اما تلاش می کند به دیگران بنمایاند. این همان شرک خفی است. این شرک که آفت اعمال عبادی انسان مؤمن است، هیچ گاه از انسان دست بردار نیست.

اینک ابو محمد حسن بن علی علیه السلام ظرافت و پنهانی این شرک را این گونه توضیح می دهد، الإشرک فی الناس أخفی من دبیب النمل علی المسح الأسود فی اللیلة المظلمة(2). «شرک ورزیدن در میان مردم پنهان تر است از راه رفتن مورچه بر روی سنگ سیاه و صاف در شب

ص: 85

1- یوسف، 108.

2- تحف العقول، ص 487.

تاریک.» چگونه و با چه وسیله ای می توان صدای پای راه رفتن مورچه را با این شرایط شنید! شرک از این هم پنهان تر است. این نوع شرک بسیار آزار دهنده و آفت رفتارهای عبادی مؤمنان است.

مرگ آغازی دیگر

برخی انسان ها مرگ را پایان زندگی می پندارند و به دنیای بعد از مرگ باور ندارند. این افراد زندگی انسان را در همین دنیا محدود می سازند. غم، اندوه و شادی و خوشحالی را هم در همین زندگی پایان یافته می پندارند. چنین افرادی خود را نابود بعد از مرگ دانسته و به طور طبیعی نباید از مرگ نگران باشند.

اما باور صحیح که همه ادیان آسمانی، عقل و اندیشه انسانی بر آن پایه نهاده شده است، این که زندگی انسان به این زندگی دنیایی محدود نیست. بلکه زندگی تداوم دارد. انسان با مرگ از یک عالم به عالم دیگر و از یک زندگی به زندگی دیگر منتقل می شود. مرگ پل عبور انسان به نشأ دیگر است. در اصل این اعتقاد (معاد)، تمام ادیان الهی هم نوا هستند. گرچه در خصوصیات زندگی آخرت با هم تفاوت هایی دارند.

آن چه که از آثار دینی بر می آید این که زندگی حقیقی انسان که از بسیاری از کاستی ها و ناملايمات فاصله دارد با مرگ آغاز می شود، وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ (1). زندگی انسان های مؤمن و کافر در نظام

ص: 86

آخرت متفاوت است. برخی کفار از هنگام مرگ دچار عذاب و ناراحتی های زندگی می شوند، النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا (1).

حالت برخی بعد از مرگ ممکن است در (حالت) نه عذاب نه نعمت سپری شود، تا قیامت بر پا گردد. آن گاه بعد از رسیدگی به حساب و کتاب جایگاه آنان مشخص می شود. مؤمنان نیز در یک مرتبه و درجه نخواهند بود. آنان نیز زندگی پس از مرگشان متفاوت خواهد بود. القبراما روضة من رياض الجنة و اما حفرة من حفر النيران (2).

اما آنچه امام یازدهم ترسیم می نماید این است که انسان مؤمن با مرگ، زندگی دیگری را آغاز می کند. مرگ باعث دل مردگی و در واقع مردن کافر است. اما مرگ در مورد مؤمن مردن نیست. آغازی دیگر برای زندگی جاوید همیشگی است، حسن بن علی عن الصادق علیها السلام قال أن المؤمن اذا مات لم یکن میتا فان المیت هو الکافر (3).

از زبان حسن بن علی از جانب پدرش علی بن محمد علیه السلام این گونه روایت شده است که امام هادی علیه السلام به عیادت بیماری که در حال احتضار بود رفت. مشاهده کرد وی نگران از عاقبت خویش و هراسناک از مرگ، صدای گریه اش بلند است. حضرت مرگ را این گونه برای وی توضیح داد، اگر بدن تو آلوده به انواع آلودگی ها باشد، اگر بدن تو در اثر بیماری به عفونت ها مبتلا باشد و تو را ببرند حمام و با شستشو دادن

ص: 87

1- غافر، 46.

2- امالی طوسی، مجلس اول، ص 38.

3- معانی الأخبار، ص 290

تمام عفونت ها و آلودگی ها زدوده شود؛ آیا تواز آن حمام هراس خواهی داشت و نگران و گریان خواهی بود. بیمار گفت نه، هرگز. آن گاه فرمود مرگ همانند آن حمام است که باعث می شود انواع آلودگی ها از بین برود و با مرگ پاک و پاکیزه شوی. اندوه، آزار و اذیت ها از بین می رود. مرگ آغاز سرور و شادمانی خواهد بود. فرد بیمار آرام گرفته بعد از لحاظتی رحلت می کند، و وصلت الی کل سرور و فرح، فسکن الرجل... و مضی لسبیله (1).

ص: 88

1- همان

دوران دو امام همام عسکرین (امام هادی و امام عسکری علیهما السلام) از دو جهت دوران ویژه ای است. این دو ویژگی در دوران هیچ کدام از امامان پیشین وجود ندارد.

ویژگی اول این که این دوران به زمان غیبت امام معصوم نزدیک است. چون حاکمان عباسی بر اساس پیش گویی های آثار دینی این حقیقت را می دانستند دوازده نفر از جانشینان رسول الله صلی الله علیه وآله به منصب امامت خواهند رسید. همچنین نیک می دانستند که نفر دوازدهم با دیگران متفاوت خواهد بود. زیرا به دست وی حکومتی فراگیر و جهانی تشکیل خواهد شد. اینک تا امام جواد علیه السلام دوران نه نفر از جانشینان رسول الله صلی الله علیه وآله سپری شده است. آن پیش گویی که باید تحقق یابد اکنون زمانش نزدیک شده است.

این باور عباسیان را وادار می ساخت که تمام تلاش و ترفند خویش را به کار بندند تا از ولادت چنین شخصی جلوگیری نمایند. اگر موفق به این اقدام نشوند باید تلاش کنند تا از ولادت چنین کودکی با خبر

1 شوند و زندگی وی را زیر نظر بگیرند تا در زمان مناسب هر گونه تصمیمی که صلاح دیدند درباره وی بگیرند.

این حاکمان نیک می دانند که ولادت چنین کودکی در خاندان عترت خواهد بود و به همین خاطر مراقبت ها و سخت گیری از زمان امام هادی علیه السلام بسیار افزایش می یابد. آنچه که یک حکومت مقتدر می تواند به کار گیرد تا به یک چنین موفقیتی دست یازی نماید انجام می گیرد.

عباسیان به شکل کامل این مسئولیت را انجام می دهند. زیرا حاکمان عباسی در این راستا هم اقتدار کافی داشتند و هم کینه تیزی و دشمنی آنان با اهل بیت انگیزه لازم را در آنان فراهم ساخته بود.

ویژگی دوم به دنبال ویژگی اول است. چون این باور در حاکمان عباسی شکل گرفته بود که ولادت مهدی موعود نزدیک است، باید تلاش فراگیر می نمودند تا با ایجاد محدودیت و مراقبت از ولادت چنین کودکی با خبر شوند. بر همگان آشکار بود که چنین کودکی در خاندان عترت متولد خواهد شد و از نسل و تبار امامان چنین فردی متولد می شود.

یک حاکم و مقتدر سیاسی برای اطلاع از چنین موضوعی چه اقدامی باید کند؟ جز اینکه باید خاندان عترت را زیر شدیدترین مراقبت ها و نظارت ها قرار دهند. عسکر و پادگان سامرا که امام هادی علیه السلام به مدت بیست سال (تا هنگام شهادت) و امام عسکری علیه السلام به مدت شش سال (آن هم تا هنگام شهادت) در پادگان و برخی موارد هم در زندان

به سر می برند، بدین خاطر است که سخت ترین مراقبت ها در این دوره شکل گرفته است. این دو ویژگی دوران این دو امام را از بقیه ممتاز ساخته است. جریان های اجتماعی که در این دوران پدیدار شده و تداوم یافته اند نیز از این دو ویژگی متأثر خواهند بود. با توجه به این ویژگی ها باید جریان های اجتماعی این دوران را مورد بررسی قرار داد.

بحران مشروعیت

عباسیان گرچه مدت طولانی یعنی قرن ها به مسند خلافت تکیه زدند اما همواره در بحران مشروعیت خلافت خویش بودند. خلفای بنی عباس خوب می دانستند که شایسته خلافت و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله را ندارند. نیز نیک می دانستند که اهل بیت سزاوارترین به این منصب می باشند. فضایل اهل بیت و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله همواره زبانزد خاص و عام بود. و مسلمانان بر اساس معیارهای عقلی، منطقی و دینی به فضائل اهل بیت آگاهی داشتند. از این رو عباسیان خود را شایسته چنین منصبی نمی دیدند و بخش عظیمی از مردم هم آنان را لایق این منصب نمی دانستند.

بدین صورت عباسیان همواره نگران مطالبه حق از سوی امامان معصوم و یا هواداران آنان بودند. به همین خاطر بحران مشروعیت آنان را همواره آزرده خاطر می ساخت. هنگامی که یک نظام سیاسی مشروعیت عقلانی، اجتماعی و دینی نداشته باشد، مجبور است به زور تکیه کند و مشروعیت خویش را از راه شمشیر جستجو کند.

این همان حقیقتی است که بنیان گذار صفاریان در زمان امام هادی علیه السلام آن را یاد آور شد. هنگامی که یعقوب بن لیث در میدان نیشابور در مقابل انبوه جمعیت سخن می راند، سخن از مشروعیت به میان آورد و شمشیر به دست گرفت. در پیش خان جایگاه آن را چرخاند و گفت مشروعیت حکومت من از این شمشیر است. زیرا مشروعیت خلیفه در بغداد هم از توانمندی همین شمشیر می باشد(1).

تحلیل اجتماعی امام عسکری علیه السلام

اینک دوران امام عسکری علیه السلام است. فضل بن شاذان از زبان امام گزارش می دهد که امام ابو محمد همین حقیقت را این گونه تحلیل می کند. می فرماید: عباسیان به دو علت با اهل بیت رسول الله علیه السلام به چالش برخاسته اند. شمشیرها را علیه ما آهیخته اند. نخست این که آنان خوب می دانند که شایسته خلافت نیستند و نگران این هستند که ما حق خویش یعنی اهلیت و جانشینی خود را مطالبه کنیم، قد وضع بنو امیه و بنو العباس سیو فهم علینا لعلتین احداهما انهم کانو یعلمون انه لیس لهم فی الخلافة حق یخافون من ادعائنا ایاها و تستقر فی مرکزها. این سخن گویای حقایق بزرگی است که عباسیان نگران مطالبه حق زعامت از جانب عترت می باشند. به ویژه این که حرکت های اجتماعی و قیام های بزرگ و موفقی نیز در هر زمان پدیدار می شده است.

ص: 93

1- تاریخ سیستان، ص 223، امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 178 .

آن گاه امام همام سبب دوم را گوشزد می کند که عباسیان نگران تولد مهدی موعود می باشند. مهدی قائم که بساط ستمگران را در می نوردد از نسل ماست و نیک می دانند که آنان از ستمگران اند. به همین خاطر همواره شمشیرها را علیه ما آهیخته اند و ما را به قتل رساندند تا چنین شخصی متولد نشود، ثانیها آنها وقفوا من الأخبار المتواتره علی أن زوال ملک الجبارة و الظلمه علی ید القائم منا و كانوا لا یشکون انهم من الجبارة و الظلمة فسعوا فی قتل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وآله إیادة نسله طمعاً منهم فی الوصول الی منع تولد القائم او قتله(1).

مهدی موعود یک حقیقت جدی در آثار دینی است. این حقیقت این گونه اندیشه عباسیان را آشفته ساخته است.

دوران خلفای معاصر

خلفای معاصر دوران امامت عسکری که به مدت 6 سال طول کشیده عبارتند از: معتز (یعنی زبیر بن جعفر المتوکل) فرزند متوکل (2) مهدی یعنی محمد بن هارون الواثق، پسر واثق خلافت وی 11 ماه (3) می باشد. معتمد، احمد بن جعفر المتوکل برادر معتز (4).

ص: 94

1- اعلام الهدایة، ج 14، ص 118 .

2- مروج الذهب، ج 4، ص 81 .

3- همان، ص 96 .

4- همان، ص 101 .

معتز از سال 252 که دو سال پیش از سال شهادت امام هادی علیه السلام و آغاز امامت امام عسکری علیه السلام است زمام امور را به دست گرفته است و تا سال 255 به مدت سه سال عهده دار سیاست عباسیان است.

مهتدی هم چند ماهی (11 ماه) خلافتش بیشتر به طول می انجامد و تا سال 256 ادامه می یابد. از سال 256 تا سال 260 سال شهادت امام عسکری علیه السلام زمام امور سیاسی به عهده معتمد است که خلافت وی تا سال 279 یعنی به مدت 23 سال به طول می انجامد. از این مدت تنها حدود چهار سال آن معاصر با امامت امام عسکری علیه السلام است. یعنی تا سال 260. بقیه این دوران به زمان غیبت صغری امام معصوم برمی گردد.

به طور عمده جریان های اجتماعی این دوران را می توان در دو جریان خلاصه کرد. گرچه جریانهای دیگری در این زمان رخ می دهد. مانند جریان اجتماعی که منجر به افول قدرت و اقتدار ترک ها در دربار می گردد. شوکت ترک ها رو به افول می گراید. اما مهم این دو جریان اجتماعی است، یکی جریان اجتماعی عباسیان، که سه نفر عهده دار آن می باشند. جریان اجتماعی مهم دیگر جریان تشکل همسوی اهل بیت به رهبری امام عسکری علیه السلام است.

اوضاع سیاسی

این دوران که آن را دوران ویژه عنوان نمودیم از دو جهت یاد شده برای تشکل همسوی اهل بیت و رهبران آنان ویژگی دارد. این دوران ویژگی سومی نیز دارد و آن اوضاع سیاسی عباسیان است. در

این دوران اوج نفوذ ترک‌ها در ساختار حکومتی و تصمیم‌گیری‌های ملی و عمومی نمایان است. نیز اقتدار خلیفه عباسی در این دوران بی‌نهایت سقوط کرده به طوری که خلیفه تنها مقامی تشریفاتی است.

در این دوران نفوذ ترک‌ها تا آن حد است که عزل و نصب خلیفه به تصمیم ترک‌ها پیوند خورده است. تا هنگامی که ترک‌ها بخواهند خلیفه به صورت یک مقام تشریفاتی بر مسند خلافت قرار دارد و از لحظه‌ای که تصمیم درباریان ترک تغییر کند خلیفه یک لحظه هم خلیفه نیست.

معتز در آغاز خلافتش مجلسی باشکوه آراست و منجم‌ها را فراخواند تا پیش‌بینی کنند خلافت معتز تا چند سال طول می‌کشد. فرزانه‌ای از مجلس ندا کرد نیازی نیست منجم‌ها پیش‌گویی کنند. من مدت خلافت تو را پیش‌گویی می‌کنم. خلافت تو تا لحظه‌ای است که ترک‌ها بخواهند. از لحظه‌ای که ترک‌ها نخواهند تو خلیفه نیستی! (1)

این رأی یک دیدگاه صحیح و مصاب است که اوضاع سیاسی حاکمان عباسی را در این دوره روشن می‌سازد. تا آن زمان که خلیفه به رأی ترک‌هاست، وی را بر مسند می‌نشانند. از هنگامی که کوچک‌ترین اظهار بی‌میلی از خلیفه نمایان شود، وی به بدترین شیوه به قتل می‌رسد و فرد دیگری از عباسیان به مسند تشریفاتی تکیه می‌زند. اینک شرح بیشتر این اوضاع.

ص: 96

در سال 252 معتر سعید بن صالح را به سوی مستعین اعزام کرد. سعید وی را در نزدیکی سامرا کشت و سرش برای معتر فرستاد و حتی جنازه وی را هم دفن نکرد و در کنار راه انداخت. (1) آن‌گاه درباریان ترک با زبیر بن جعفر المتوکل یعنی معتر بیعت نمودند و وی را به مدت چهار سال و شش ماه بر کرسی خلافت نشاندهند. بعد از این مدت هنگامی که تحمل معتر بر ترک‌ها ناگوار شد، صالح بن وصیف وزیر اعظم دستور خلع وی را صادر کرد. چون معتر نپذیرفت دستور قتل وی را صادر کردند.

گزارش‌ها در چگونگی کشتن وی متفاوت است. برخی نگاشته‌اند وی را پابرهنه زیر تابش گرم و داغ آفتاب قرار دادند و بعد از ضرب و شتم به دستور صالح بن وصیف در اتاقی قرار دادند. در آن اتاق را گچ گرفتند و او را زنده به گور کردند.

برخی می‌نگارند وی را به داخل حمام داغ بردند و او را تشنه نگه داشتند. آن‌گاه آب شور به وی نوشاندند تا مرد. نیز خفه نمودن در داخل آب جوش را گزارش نموده‌اند. (2)

بعد از وی ترک‌ها با محمد بن هارون فرزند واثق معروف به «مهدی» بیعت می‌کنند. ترک‌ها وی را به مدت یازده ماه در مسند خلافت می‌نشانند. در این مدت اصلاحات سیاسی و اجتماعی صورت

ص: 97

1- مروج الذهب، ج 4، ص 79.

2- همان، ج 4، صص 81 و 97، حیات الحیوان، ص 108، طبری، ج 8، ص 341.

می گیرد. اما هنگامی که ترک ها وی را بر نمی تابند، او را نیز همانند خلفای پیشین به قتل می رسانند. در چگونگی کشتن مهتدی نگاشته اند اعضای أسافل وی را آن مقدار لگد مال می کنند تا می میرد. این اتفاق در ماه رجب سال 255 می افتد. گزارش های دیگری نیز وجود دارد. (1)

با کشتن وی ترک ها با احمد بن جعفر المتوکل برادر معتز معروف به «معتد» بیعت می کنند. وی یک خلیفه تشریفاتی است که هیچ گونه اختیار تصمیم گیری ندارد. تمام مدیریت ها به عهده ترک ها و برادرش «موفق» می باشد. وی 23 سال به صورت تشریفاتی به مسند خلافت تکیه می زند. در نهایت وی را مسموم نموده از پای در می آورند. (2) این گونه خلیفه عباسی بازیچه دست ترکان در این دوران می باشند. به قول ابن طقطقا، فكان الخلیفة فی یدهم کالأسیر ان شاء أبوه و ان شاء خلعوه و ان شاءوا قتلوه. (3)

ساختار حکومت

ساختار حکومت عباسیان از زمان تسلط ترک ها بر دربار کاملاً تقویضی است. اختیارات به طور کامل به وزرای دربار به ویژه وزیر اعظم واگذار شده است. هر تصمیمی که وزیر اعظم و دیگر درباریان بگیرند اجرایی می شود. علت این که یک خلیفه تشریفاتی از بنی عباس بر می گزینند این نکته می تواند باشد که جامعه خلافت خلفا را به عنوان

ص: 98

-
- 1- حیاة الحیوان، ص 109، طبری، ج 8، صص 403 و 404 و 411.
 - 2- مروج الذهب، صص 101 و 142.
 - 3- الفخری، ص 243.

جانشین رسول الله صلی الله علیه وآله تلقی می نمود و عباسیان این پندار غلط را در جامعه پدیدار ساخته بودند که چون بنی عم رسول الله صلی الله علیه وآله هستند از همگان بر خلافت و جانشینی سزاوارترند.

ترک ها از فرایند جانشینی رسول الله صلی الله علیه وآله اطلاع صحیح نداشتند. آنان بر این پندار بودند که عباسیان شایسته خلافتند. اگر ترک ها از میان خود خلیفه انتخاب می نمودند دیگر نمی توانستند به عنوان جانشینی رسول الله صلی الله علیه وآله امت اسلامی حکمرانی نمایند. به همین علت خلیفه را به هر شکلی که بود از میان عباسیان بر می گزیدند. اما خلیفه تنها یک مقام تشریفاتی بود که عنوان خلیفه و جانشینی را یدک می کشید. آن که حکومت می کرد و تصمیمات حکومتی (در تمام شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی می گرفت)، همان درباریان با نفوذ یعنی ترک ها بودند. توضیح بیشتر در این رابطه در نوشتار امام هادی علیه السلام آمده است. (1)

عباسیان

بزرگ ترین جریان اجتماعی این زمان تداوم جریان اجتماعی عباسیان است. تا این زمان از زمان «سفاح» (سال 132) اولین خلیفه عباسی 124 سال سپری شده است. در طی این مدت زمان هارون به ویژه مأمون و معتصم و متوکل اوج اقتدار عباسیان است. این جریان اجتماعی که حاکمیت فراگیر فراهم آورده است و در ظاهر یک حکومت یکپارچه تشکیل داده، شرق و غرب، شمال و جنوب بلاد

ص: 99

اسلامی را فراگرفته است. با تفاوت هایی که دارد در هر زمان از لحاظ ساختار مدیریت یکسان است. از یک سو عصییت قومی حاکمان عباسی باعث شده تا در مورد خاندان عباسی و برتری های آنان فرهنگ سازی گسترده انجام دهند. به نوعی که این خاندان شایسته جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله در بین جامعه مستقر سازند. از بعد اجتماعی و سیاسی حاکمیت خود را مشروع جلوه دهند.

از جانب دیگر گسیل سرمایه های عمومی به سوی خاندان عباسی آنان را به سمت زندگی اشرافی همراه با اسراف و تبذیر سوق داد. درباریان و وابستگان آنان از اقتدار اقتصادی و مصرف گرایی بهره مند شده اند. توضیح نمونه های آن در نوشتارهای پیشین به ویژه امام هادی علیه السلام الگوی زندگی آمده است.

اکنون نیز در دوران امام عسکری علیه السلام همان روش در دربار معتز و معتمد تداوم پیدا می کند. البته زمان مهتدی که یک سال هم ادامه نداشت متفاوت با دیگر خلفا گزارش شده است.

مهتدی رسماً اعتراف می کند که حاکمان پیش از وی روش رفتار دینی، عدل و انصاف را نداشته اند. وی حاکمان عباسی را ننگ خاندان عباسی عنوان می نماید و تصمیم می گیرد در صدد جبران آن بر آید. حتی عباسیان را با امویان می سنجد و می گوید در بین امویان یک حاکم به نام عمر بن عبدالعزیز پیدا شد که روشی متعادل از دیگر

امویان داشته باشد. بگذارید حداقل در میان عباسیان یک حاکم مانند ایشان وجود داشته باشد(1).

مهتدی از اسراف و تبذیرهای دربار کاست. از سخت گیری ها و فشارها بر رقبای خویش مانند علویان صرف نظر کرد. مهتدی در این سیاست تا آنجا پیش می رود که دستور قتل برخی از سران ترک ها (موسی بن مفلح) را صادر می کند. (2) در درگیری عظیمی که میان هواداران و مخالفانش که برای دستگیری صالح بن وصیف روی می دهد چهار هزار نفر در یک روز کشته می شوند. (3)

این گونه تفاوت در اندیشه و رفتار، در برخی از خلفای عباسی بعد از مهتدی نیز مشاهده می شود. اما این روی کرد اندیشه و روش مقطعی و زودگذر در حاکمان عباسی است. این روی کرد موجب گردش سیاست کلی آنان نمی گردد. چنان که همین روی کرد در آخر قرن سوم در اندیشه حکومتی مکتفی باله نیز (درگذشت 299) مشاهده می شود. وی در مدت حکومت دو سال و هشت ماهه خود از خونریزی و کشتار جلوگیری می کند. تمایل بر حب علویان را ابراز می دارد. هنگامی که شاعر چاپلوس (یحیی بن علی) در دربار وی از برتری عباسیان بر علویان سخن می گوید، خلیفه مانع انتشار شعر آن می شود و می گوید چنین برتری وجود ندارد. وی می گوید گرچه ما حاکم و

ص: 101

1- تاریخ الخلفاء، ص 423 .

2- همان، ص 424 .

3- حیاة الحیوان، ص 108، ص 109، تاریخ الخلفاء، ص 424 .

خلیفه هستیم اما این گونه ادبیات خوشایند خلیفه نیست. (1) همین سیاست پیش از این در حکومت شش ماهه منتصر هم مشاهده شده بود. (2).

در هر صورت رفتار مهتدی متفاوت با دیگر خلفاست. وی هنگامی که به خلافت می‌رسد دستور می‌دهد بساط شراب و عیش و نوش، مجالس لهو و لعب، رقص و آوازه خوانی، خنیاگری و همراه شدن با حیوانات درنده مانند سگ و ... را از دربار پاک‌سازی کنند. (3)

اما این روش برای سران حکومت عباسی مقطعی و زودگذر است. هیچ‌گاه به یک جریان اجتماعی تبدیل نمی‌شود و تداوم نمی‌یابد. مهتدی به خاطر همین سیاست نسبت به علویان هم دستور می‌دهد که چه افرادی در زندان مهتدی به سر ببرند. برخورد با علویان در این زمان هم وجود داشته است. زندانیانی علوی مانند علی بن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر و نیز محمد بن حسین بن محمد بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی علیه السلام در زندان مهتدی جان سپردند. (4)

مهتدی در نهایت قربانی همین سیاست می‌شود و به دستور احمد بن خاقان زیر لگدهای ترکان جان می‌سپارد. (5) سیاست امثال مهتدی

و

ص: 102

-
- 1- حیاة الحیوان، ج 1، ص 112 .
 - 2- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 145 .
 - 3- همان، ص 108، طبری، ج 8، ص 355 .
 - 4- منتهی الآمال، ج 2، ص 416 .
 - 5- طبری، ج 8، صص 403 و 411، حیاة الحیوان، ص 109.

منتصر را می توان به عنوان یک پراتنز و بین الهالین در میان سیاست کلی عباسیان مطرح ساخت.

اما سیاست معتز همانند سایر خلفای عباسی یعنی سخت گیری به رقبای درونی است. از لحاظ رفتارهای فردی و اجتماعی نیز به اسراف و تبذیر و عیش و نوش بی حد و حساب روی می آورد. در مورد وی در نوشتارهای پیش توضیح آمده است. اسراف و تبذیرها تا آن حد بود که وی تاج طلایی بر سر می نهاد. (1)

در این فرصت اندک به سیاست و رفتارهای معتمد می پردازیم. وی نیز سیاست خشن علیه چالش های درونی دارد. قیام های علویون و نیز صاحب زنج که در زمان ایشان رخ داده سخت سرکوب می شوند. با علویان بسیار سرسختانه رفتار دارد. اما از لحاظ رفتارهای فردی در دربار وی می نگارند آنقدر در لهو و لذات غوطه ور بود که وقتی مست می کرد دستان خویش را گاز (دندان) می گرفت، منهمکا علی اللهو و اللذات یسکر و یعض یده (2).

سیوطی نیز همین نکته را یادآور می شود. وی آن قدر در لهو و لذت غوطه ور شد که مردم از وی بیزار شدند، و انهمک المعتمد فی اللهو و اللذات و اشتغل عن الرعیة فکرهه الناس (3).

ص: 103

1- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 155 .

2- حیاة الحیوان، ص 111 .

3- تاریخ الخلفاء، ص 425 .

این رفتارها یاد آور سخن امیر المؤمنین علی علیه السلام است که از ایشان درباره خلفای عباسی این گونه گزارش شده است،...سابعهم اعلمهم و عاشرهم أكفرهم يقتله أخصهم به وخامس عشرهم كثير العناء و قليل الغناء...[\(1\)](#) هفتمی از خلفا منظور مأمون است که زیرک ترین و سیاس ترین و حيله گر ترین آنان بوده است و دهمی آنان متوکل، به نعمت های الهی بیش از همه کفر ورزید و به دست نزدیک ترین افراد خود یعنی پسرش منتصر کشته شد. پانزدهمین آنها معتمد است که پر رنج و پر خرج ولی تهی دست است. در عین حال که ریخت و پاش و هزینه های بی رویه داشته، سرمایه ای در دست وی نبوده است. این پیش گویی امیر المؤمنین علیه السلام در مورد وی تحقق یافت.

درباره وی می نگارند وی فردی بوده که به دنبال چیزهای کوچک بوده و آن ها را هم به دست نمی آورده. در اثر اسراف و تبذیر از مال دنیا چیزی در دست وی نبوده است، فکان المعتمد يطلب الشئ الحقیق فلا یناله، این شعر گویای روحیه و زندگی وی است که کلام امیر المؤمنین علیه السلام را شرح می دهد.

أليس من العجائب أن مثلي *** یری ما قل ممتنعاً علیه

و تؤخذ باسمه الدنيا جميعاً *** و ما من ذاك شیء في یدیه [\(2\)](#)

ص: 104

1- مناقب، ج 2، ص 311.

2- حياة الحيوان، ج 1، ص 111.

«آقا شگفت انگیز نیست که چیز اندک را هم دسترسی پیدا نمی کند. با نام وی اموال دنیا را فراهم می سازند و دست وی از دنیا تهی است.»

این روش و رفتار فردی و اجتماعی خلفای دوران امام عسکری علیه السلام است. نسبت به رقبای خویش سخت گیر و خشن، اما نسبت به ترک ها که تمام اختیارات را از آنان سلب کرده اند واکنش ندارند. اصولا عباسیان ترک ها را رقیب خود نمی بینند و علت این روش تأمل برانگیز است.

عباسیان و ترک ها

نفوذ ترک ها در دربار عباسیان انکار ناپذیر است. اما علت این نفوذ و برخورد عباسیان با ترک ها مورد تأمل می باشد.

این که چرا و چگونه ترک ها به دربار راه یافتند بازگشت به دوران معتصم دارد. مادرش کنیزی از تبار ترک ها بوده است. رقبای سیبی و نسبی وی خونشان با عباسیان آمیخته شده است. همچنین مادر برخی از حاکمان عباسی مانند متوکل از تبار ترک هاست.

در همین راستا دختران ترک بیشتر به صورت کنیز در دربار عباسیان راه پیدا نمودند. به قول برخی مورخان عباسیان نیز برای کامیابی از دختران ترک قوم ترک ها را گرامی داشتند. این علت ها باعث نفوذ ترک ها شد تا آن حد که اقتدار سیاسی را به چنگ آوردند و خلیفه همانند یک اسیر و مقام تشریفاتی بازیچه دست آنان قرار گرفت. در عین حال ترک ها به هر شکلی بوده است خلیفه را از بین عباسیان بر

می‌گزیدند. با این که اقتدار سیاسی به دست آنان بود و به راحتی می‌توانستند خود را خلیفه و حاکم علی‌الاطلاق مطرح سازند، اما هیچ‌گاه در این اندیشه نرفتند که عباسیان را از اریکه خلافت کنار بزنند و همانند ترکان عثمانی قسطنطنیه امپراطوری تشکیل دهند. به همین خاطر این ساختار مدت طولانی حفظ می‌شود. خلیفه عباسی اقتدار کامل سیاسی ندارد و به صورت پوک، پوشه و پوشش حکومت است. مغز و محتوای آن از آن ترک‌ها می‌باشد. به همین خاطر عباسیان هیچ‌گاه ترک‌ها را به چشم رقیب نگاه نکرده‌اند و ترک‌ها این پوک و پوشه حکومت را نخواستند بشکنند. علت این امر را در موارد ذیل می‌توان جستجو نمود.

خلیفه تشریفاتی

علت این که بین ترک‌ها و خلیفه رقابت نیست در چند چیز می‌توان بررسی نمود.

نخست این که در اثر ازدواج خلفای عباسی با کنیزهای ترک نسل و تبار خلفا از جانب پدر عباسی و از جانب مادر ترکی می‌باشد و خونشان به هم آمیخته شده است. مادر معتصم کنیزی از تبار ترک‌ها بود. در اثر همین پیوند تمام نیروهای حراست دربار به ترک‌ها سپرده می‌شود. هزاران نفر از تبار ترک به دربار عباسی و مدیریت راه پیدا می‌کنند. (1) نیز مادر متوکل از ترک‌های خوارزم است. (2)

ص: 106

1- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 122 .

2- مروج الذهب، ج 4، ص 3، امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 123.

اکنون در دوران امام عسکری علیه السلام دو فرزند متوکل یعنی معتز و معتمد در مسند خلافتند. اگر مادر خودشان غیر ترک باشد، مادر بزرگ آن‌ها یعنی مادر متوکل از تبار ترک هاست. با توجه به این قرابت سببی که منجر به قرابت نسبی شده روحیه رقابت با اعراب کاسته می‌شود.

افزون بر این، دربار عباسیان مملو از کنیزان ترک بود که خلفا و درباریان از آنان کامجویی می‌نمودند. به تعبیر برخی مورخان این روش برای خلفای عباسی عادت شده بود. (1)

نکته سوم در این راستا این بود که در اثر فرهنگ سازی، عباسیان خود را بنی عم رسول الله صلی الله علیه وآله مطرح ساختند. این موضوع سبب شده بود که خود را شایسته ترین برای جانشین رسول الله صلی الله علیه وآله عنوان کنند. در واقع مشروعیت حکومت را از این سمت و سو جستجو می‌کردند.

ترک‌ها را نیز این باور آمده که خلیفه ولو در حد تشریفاتی باید از تبار عباسیان باشد، تا حکومت بتواند در جامعه مسلمانان مشروعیت داشته باشد. بدین خاطر مشروعیت حاکمان در قرابت و نسبت آنان با رسول الله صلی الله علیه وآله مطرح می‌شده است. در حقیقت ترک‌ها مشروعیت حکومت را در عباسیان می‌دیدند. به همین خاطر به هر شکلی بود خلیفه را ولو تشریفاتی از میان عباسیان بر می‌گزیدند.

از جانب دیگر ترک‌ها تمام اختیارات سیاسی را عهده دار بودند و تمام تصمیمات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در اختیار داشتند.

ص: 107

از اقتدار سیاسی چه انتظاری بیش از اینها وجود دارد. حاکمان سیاسی بر این انگیزه هستند که با اقتدار سیاسی اقتدار اقتصادی و اجتماعی فراهم سازند و این هدف برای ترک‌ها کاملاً تأمین شده بود. مگر ترک‌ها از حکومت داری چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ چون اقتدار در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تمام این شئون برای آنان فراهم شده، در زیر پوشش و سایه خلیفه هرکاری می‌خواهند انجام می‌دهند. هنگامی که اهداف تأمین است انگیزه‌ای برای رقابت وجود نخواهد داشت.

این عوامل باعث شده که رقابت سیاسی بین عباسیان و ترک‌ها وجود نداشته باشد. پوشش و پوکه حکومت از عباسیان باشد، مغز و محتوای سیاست‌گذاری را ترک‌ها تشکیل دهند.

اجتماعی و اقتصادی

سیاست کلی حاکمان عباسی در دوران امام عسکری علیه السلام همان تداوم سیاست حاکمان پیشین است. حاکمان عباسی با تبعیض و نابرابری جامعه را به تشتت، اختلاف و گروه‌های متفاوت تقسیم نمودند.

گروه حاکمان و اقلیت متمکن و مرفه، (از ترک‌ها و عباسیان) تمام شئون و قدرت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار دارند و جریان اجتماعی عباسیان را به صورت جدی تداوم می‌دهند.

حاکمان عباسی مراقب هستند که اقتدار سیاسی از خاندان عباسی بیرون نرود. از جانب دیگر آنان (در حوزه اقتصاد) به اقتصادی طبقاتی

گرفتارند. عیش و نوش و لهو و لعب آنان در دربار به اوج رسیده است. هزاران کنیز در دربار آنان به خنیاگری و رقص مشغول اند. بساط گناه و تباهی و شراب و سگ بازی فراهم است.

در دربار از تقوا و طهارت دینی اثری مشاهده نمی شود. اگر خلیفه ای هم مانند مهتدی یا منتصر اصلاح طلب باشد و در رفتار، متفاوت عمل کنند به صورت پراتز یک متن طولانی خواهد بود. هیچ گاه به یک جریان اجتماعی تبدیل نمی شود.

در مقابل عموم جامعه به ویژه چالشگران حکومت، سخت در تنگناهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می گیرند. آنان از تمام شئون اجتماعی محروم می شوند. با تمام اهرم های اقتصادی زیر فشار قرار می گیرند.

علویان که رقیب اصلی عباسیان هستند سخت ترین شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دارند. اوضاع اقتصادی آن اندازه در تبعیض است که آن مقدار راه های رشد اقتصادی رقیب را مسدود ساخته اند. در زمان متوکل گزارش آورده شد، زنان علوی در مدینه یک دست لباس کامل که بدن خود را بپوشانند نداشتند؛ در هنگام نماز با یک دست لباس نوبتی نماز می گزاردند (1).

و اینک در زمان امام عسکری علیه السلام نیز خلفای عباسی رقیب خود یعنی تشکل همسوی اهل بیت را در فشار قرار دادند. راه های رشد

ص: 109

1- مقاتل الطالبیین، ص 479، امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 189.

شکوفایی اجتماعی آنان را بستند. علویان تا آن حد در فشار اقتصادی قرار دارند که برای مردگان خویش نمی توانند کفن هم فراهم کنند. (1)

روی کردی دیگر

دوران امام عسکری علیه السلام از جانب دیگری نیز مورد نگر است و آن اوضاع سیاسی حکومت عباسیان است. می توان گفت این دوران آغاز ضعف حکومت مرکزی نسبت به اقتدار سیاسی فراگیر است. حاکمان عباسی در این دوران به جریان اجتماعی رقیب خویش یعنی علویان سخت گیری نموده آنان را با تمام قدرت فشار می دهند. رهبری این جریان در یک محدودیت بی سابقه قرار می گیرد و بین تشکل همسوی اهل بیت و رهبری آنان یعنی دو امام همام هادی و عسکری علیهما السلام جدایی افکننده می شود. جریان اجتماعی اهل بیت سخت مسدود و محصور می گردد که شرح آن در همین بخش خواهد آمد.

از جانب دیگر حکومت مرکزی عباسیان در سامرا (و آن گاه در بغداد) رو به ضعف و فروپاشی است. کشور پهناور حاکمان عباسی در شرف تجزیه است. اختلاف های ترکان در دربار و نیز آشفتگی های سیاسی خلفای عباسی، درگیری ها و قیام های داخلی (که بخش عظیمی از آن در زمان امام هادی علیه السلام) به ویژه قیام های علویون مورد پژوهش قرار گرفت. نیز قیام های علویون که در مدت کوتاه شش ساله امامت امام عسکری علیه السلام رخ داد. شورش های خونین دیگری مانند قیام صاحب

ص: 110

زنج و نیز زید بن علی، ابراهیم بن محمد در این دوران شکل گرفت. اقتدار سیاسی عباسیان در این دوران به شدت سست شد. کشور به تجزیه سوق داده شد. همین امر باعث تشکیل حکومت های مستقل شکل گیرد. مانند حکومت 20 ساله حسن بن زید بر طبرستان و دیلم (از سال 250 تا 1270)⁽¹⁾، صفاریان بر خراسان، نیشابور و سیستان (از سال 359 به بعد)، طاهریان در بلاد طبرستان، آن گاه حمدانیان، فاطمیان، سامانیان، غزنویان و سپس آل بویه، سلجوقیان و در نهایت یورش مغول ها که منجر به فروپاشی حاکمیت طولانی عباسیان می شود.

سست شدن حکومت مرکزی با نفوذ شدید ترک ها که خلیفه رابازیچه خود قرار داده بودند، از این زمان آغاز شده است.

حکومت عباسی در این دوران این گونه از درون ضعیف شده و به فروپاشی نهاده است. از آن اقتدار هارون و مأمون خبری نیست. اما همین حاکمیت در درون حکومت نسبت به رقیب های داخلی مانند جریان شکل همسوی اهل بیت به رهبری شاخص های اهل بیت: (مانند امام هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام) روی کردی بس توان مند دارد و با اقتدار تمام برخورد می نماید.

حاکمان عباسی سران و رهبران شکل همسوی اهل بیت را در مرکز حکومت خود یعنی سامرا، محصور نموده اند. به همین جهت تا آن زمان

ص: 111

1- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 249.

هیچ گونه رقیب جدی علیه خود نمی دیدند و بیشترین روی کرد آنان به تشکل همسوی اهل بیت علیهم السلام معطوف بود.

ترک ها و خلفای عباسی در این جهت گیری همسو بودند. هر دو با این نظر که باید مراقب رقیب اصلی و مهم درونی باشند موافق بودند. به همین خاطر مشاهده می شود که سیاست هماهنگ علیه تشکل همسوی اهل بیت از سوی حاکمان عباسی مشاهده می شود.

بررسی کافی در مورد وضع عمومی حاکمان عباسی در این دوران در نوشتار امام هادی علیه السلام آورده شد. به لحاظ تداوم همان سیاست در دوران امام عسکری علیه السلام نیازی به طرح و شرح دوباره آن ها نیست.

در این فرصت به برخورد جریان اجتماعی عباسیان با علویان می پردازیم که این دو جریان چگونه با هم در چالش اند و تلاش های آنان چگونه معطوف یکدیگر است.

عباسیان و علویان

عباسیان رقیب اجتماعی و پر توان خود را علویان یعنی تشکل همسوی اهل بیت می دیدند. علت آن هم بسیار شفاف بود. با توجه به فضائل و مناقب بی بدیل علویان به ویژه رهبران و امامان معصوم آنان، علویان از موقعیتی بس ممتاز بهره ور بودند. تنها فضایل اهل بیت کفایت می کرد که آنان و همراهان آنان را از سایرین ممتاز سازد. گرچه عباسیان سخت در تلاش بودند که همانند امویان برای خاندان عباسی فضایل نداشته دست پا کنند و خود را شایسته جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه وآله

عنوان نمایند (و از این راه برای حاکمیت خویش مشروعیت فراهم سازند)، اما جریان اجتماعی تشکل همسوی اهل بیت، همانند آتش زیر خاکستر برای تاج و تخت عباسیان خطر آفرین بود.

تریبون های رسمی دربار، جمعه، جماعات و سایر رسانه ها در اختیار حاکمان عباسی بود. این تریبون ها در حدی بالا برای عباسیان فضیلت می ساختند. نمونه های آن در شرح حکومت متوکل گذشت (1).

عباسیان از بیان و انتشار فضائل اهل بیت سخت جلوگیری می کردند. زیرا با مطرح شدن فضایل اهل بیت اقتدار سیاسی عباسیان به صورت جدی در خطر بود.

هنگامی که معتضد خواست بر بالای منبرها دستور لعن معاویه و بیان فضایل اهل بیت را آزاد نماید، وزیرش عبدالله به وی مشاوره داد که این کار موجب فتنه و آشوب خواهد شد. معتضد گفت در این صورت شمشیر به میدان خواهد آمد و آتش فتنه ها را خاموش خواهد ساخت. آن گاه قاضی القضاة یوسف به خلیفه گفت اگر مناقب علی و اهل بیت مطرح شود با علویون که از هر سمت و سو به علیه توقیام خواهند نمود، چه خواهی کرد، فما تصنع بالعلویین الذین هم فی کل ناحیه قد خرجوا علیک. (2) طرح این موضوع باعث وحشت معتضد شد. وی از دستور خود منصرف گشت. زیرا خوب می دانست که اگر شمشیرش حریف هواداران امویان شود و با لعن معاویه هواداران وی را سرکوب

ص: 113

1- امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، ص 156.

2- تاریخ الخلفاء، ص 433.

کند، هیچ‌گاه شمشیرش حریف تشکل همسوی اهل بیت نخواهد شد. بدین خاطر از آن اقدام مهم صرف نظر می‌کند.

در هر صورت عباسیان رقیب مهم اجتماعی خویش را علویان می‌دیدند. به همین خاطر موضع‌گیری آنان با علویان و رهبران تشکل همسوی اهل بیت بسیار مورد تأمل و بررسی است.

جدایی امام و امت

بزرگ‌ترین جریان چالشگر عباسیان را جریان اجتماعی علویان به رهبری امامان معصوم تشکیل می‌دهد. این جریان اجتماعی بزرگ‌ترین مخالف امویان هم بود. در دوران عباسیان نیز مهمترین نقش را در ستم‌ستیزی و مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی حاکمان سیاسی، همین تشکل ایفا می‌نمود. در نوشتارهای دوازده‌گانه‌ای که تا کنون در این راستا از این قلم تراوش نموده است، تشکل اجتماعی و جریان بزرگ اجتماعی پررنگ بررسی و تحلیل شده است. آسیب‌هایی که این جریان اجتماعی و نیز خطرهای پر حجمی که برای حاکمان سیاسی اموی و عباسی پدیدار ساخته بود، به هیچ‌وجه انکار پذیر نیست. نقش اصلی هم در این است که رهبری این جریان را امامان معصوم ایفا نموده‌اند.

به همین خاطر سیاست مداران اموی و عباسی با تفاوت‌های مهمی که داشتند در برخورد با رهبران این جریان متحد و مشترک بودند. آنان امامان معصوم را محصور، محبوس، مسموم، و مقتول ساختند. نُه مورد از این سلسله تا کنون به این‌گونه سرنوشت دچار آمده‌اند. اینک دوران

ویژه دو امام همام عسکرین فرا رسیده است. حاکمان عباسی در این راستا بر تلاش خود افزوده اند. زیرا نگران ولادت فردی مصلح جهانی به نام مهدی موعود در این خاندان هستند. به همین علت در این دوران به مراقبت های خویش افزوده اند. زیرا از یک سو اقتدار تشکل همسوی اهل بیت را در زمان امام هادی به خوبی تجربه کرده اند. یاران امام در این زمان مناطق وسیعی از کشور اسلامی را از سلطه حکومت عباسی بیرون آوردند. از سوی دیگر نگران ولادت فردی از تبار فاطمه علیها السلام به عنوان مصلح جهانی هستند. آنان یقین دارند ولادت وی در این دوره اتفاق خواهد افتاد. این دو سبب موجب شده است که آنان تلاش خود را افزایش دهند. اقدام بزرگی که مشاهده می شود این که بین رهبری و مردم، امام و امت جدایی افکندند. این کار به طور کامل در این دوره شکل می گیرد. امام هادی

علیه السلام را به مدت بیست سال، امام عسکری علیه السلام را به مدت شش سال تحت شدید ترین مراقبت ها در محاصره ارتش نیرومند قرار می دهند.

از این اقدام دو هدف مهم را دنبال می نمودند: نخست این که با جدایی افکندن بین رهبران و پیروان، شکوه و توسعه تشکل همسو کاسته شده و کنترل می گردد. نیز با محاصره این گونه مراقبت دقیق از ولادت چنین کودکی نیز باخبر خواهند شد. آن گاه هر گونه تصمیمی که به صلاح حکومت عباسیان باشد درباره وی خواهند گرفت.

برای تأمین این هدف عباسیان این دو امام را در سال 234 هجری در حالی که امام عسکری علیه السلام کودکی دو ساله بوده است به همراه پدر از مدینه به سامرا فرا می خوانند(1).

امام عسکری علیه السلام در این مدت تا سال 254 (سال شهادت امام هادی علیه السلام) در کنار پدر در پادگان سامرا محصور می باشند. دوران کودکی و نوجوانی و دوران امامت امام عسکری تماماً در حصار ارتش عباسیان است. از سال 254 تا سال 260 به مدت شش سال امامت امام عسکری علیه السلام هم در همین پادگان سپری می شود. بدین گونه بیست سال از 34 سال امامت امام هادی علیه السلام و 6 سال از مدت امامت امام عسکری علیه السلام در این پادگان سپری می شود. بیست سال بین امام هادی علیه السلام و امت یعنی شیعه جدایی افکننده می شود. هیچ گاه امام عسکری علیه السلام حتی یک روز از دوران امامت خویش را آزاد نبوده، بلکه در تمام مدت در محاصره ارتش بوده است. این گونه بین امام یعنی رهبر تشکل همسو و پیروان جدایی افکننده می شود.

بدین صورت امام هادی علیه السلام از دوران جوانی و امام عسکری علیه السلام که احتمال ولادت مهدی از نسل ایشان بیش از دیگران است، از همان دوران کودکی زیر نظر و مراقبت حاکمان عباسی قرار می گیرد. البته تدبیر عباسیان در این راستا ضروری به نظر می رسد. برای مقابله با چنین

ص: 116

1- طبری، ج 8، ص 142، کشف الغمة، ج 3، ص 176، اعلام الوری، ص 352، اعلام الهدایة، ج 13، ص 49.

خطر بزرگی البته از سال های پیش باید دست به کار می شدند. تا بتوانند به اهداف مهم دستیازی نمایند.

باید تمام حيله ها و سياست ها را به كار مي بردند و تمام تلاش ها را انجام مي دادند تا بتوانند آن هدف بزرگ را تأمين كنند. صد البته خواست خدا بر خلاف خواست عباسيان است و هر آنچه خدا خواهد همان شود.

مراقبت شديد

در زمان امامت امام عسکری عليه السلام با اين كه امام در پادگان و در ميان ارتش زير نظر و مراقبت است. تردد به نزد حضرت از جانب هواداران به شدت مراقبت مي شود. به اين مقدار هم اکتفا نشده است. امام بايد در هفته دو نوبت (در روزهای دوشنبه و پنجشنبه) در دربار حاضر می شدند، و كان یركب الی دار الخليفة یسر من رأی فی کل اثنین و خمیس(1).

این حضور در دربار از یک سو به خاطر تحقیر امام انجام می گیرد. از جانب دیگر بر این موضع تأکید می کند که امام باید به طور مستمر زیر نظر دیده بانان دربار باشد و از شهر سامرا بیرون نشود.

این رفتار شدت مراقبت حاکمان عباسی از امام عسکری عليه السلام را می رساند. در یک هفته دو نوبت باید در دربار حضری امام ثبت شود و

ص: 117

1- دلائل الامامة، ص 222، مناقب، ج 4، ص 466.

دربار از حضور امام با خبر گردد. هیچ گونه سفر و حرکتی از جانب امام بدون آگاهی دربار شکل نگیرد.

زندان

حاکمان عباسی حتی به تبعید امام به سامرا و محصور ساختن وی در میان پادگان ارتشی و مراقبت شدید با حضور و غیاب وی به صورت مستمر هم اکتفا نکردند. عباسیان ناگزیر می شوند سختگیری ها را از این هم فزونی بخشند. با این که با اجرای سیاست فریب کارانه، خود را بنی عم علویان و علاقه مند به آنان مطرح می ساختند، اما به این مقدار محدودیت اکتفا نمی کنند. آنان ناگزیر می شوند امام ابو محمد عسکری علیه السلام را زندانی کنند و سخت ترین شرایط را بر حضرت تحمیل نمایند.

در منابع سخن از زندان نمودن امام حسن عسکری علیه السلام است. منابع از آن حکایت دارند که زندانی بودن امام طولانی هم بوده است. زیرا گروهی از چاپلوسان و درباریان عباسی به صالح بن وصیف وزیر مقتدر دربار مراجعه می کنند و از وی می خواهند که در زندان بر حسن بن علی علیه السلام سخت بگیرد. درباریان از وی می خواهند آن حضرت را آزار و شکنجه بدهد.

وی هم در پاسخ آنان ابراز می دارد من مسئولیت خودم را انجام داده ام و من دونفر از شرورترین و خشن ترین مأموران را برای زندان بانی ایشان گماشته ام. اما به هیچ وجه نتوانستم صولت، هیبت و

عظمت وی را بشکنم، انی و کلتُ به رجلین من اشرّ من قدرت علیه(1) ، «من شرورترین افراد را برای وی انتخاب نموده ام»

در برخی منابع سخن از زندانی شدن امام به مسئولیت دو نفر یعنی صالح بن وصیف و علی بن نارمش (که به تعبیر کلینی دشمن ترین اهل بیت و ناصبی متعصب بودند) برگزید، و هر انصب الناس و اشد هم علی آل ابی طالب.(2) ناصبی دشمن اهل بیت و آل علی است. ناصبی انجس من الکلب است. چنین افرادی را زندان بان امام عسکری علیه السلام قرار داده اند. معلوم است رفتارشان با امام چگونه خواهد بود.

البته برخی منابع مثل کافی و مثل کشف الغمة و ارشاد دو مورد زندان بان را نام می برند(3). ممکن است این دو مورد یکی باشد و فرد ناصبی نارمش یا او تاش، یکی از همان دو نفر شرور باشند که صالح بن وصیف گفت من وی را به دست شرور ترین افراد سپرده ام. در هر صورت این نکته مسلم است که حاکمان عباسی به تبعید و حصر امام در پادگان بسنده نمی کنند بلکه وی را به همراه یاران و علویون زندانی می کنند. سخت ترین شرایط را در زندان بر حضرت تحمیل می کنند.

ص: 119

1- الکافی باب مولد ابی محمد ح 23، اعلام الوری، ص 73، ارشاد، ج 2 ص 334، روضة الواعظین، ص 248، کشف الغمة ج 3، ص 201.

2- الکافی، باب مولد ابی محمد، حدیث 8.

3- الکافی، همان، و حدیث 23، و کشف الغمة، ج 3، ص 201 ارشاد، ج 2، ص 329.

تلاش های سیاست مداران عباسی به همراهی ترک های دربار در محصور و زندان نمودن امام عسکری علیه السلام اهداف آنان را تأمین نمی نماید. عترة به هر شکل ممکن تلاش های اجتماعی خود را تداوم می بخشد. یاران و هواداران خود را همراه دارد و تشکل همسوی عترة را رهبری می کند که شرح آن به زودی خواهد آمد.

اما نکته دیگر در همین زمینه این است که عباسیان یاران امام را نیز زندانی می کنند. به ویژه افراد با نفوذ از علویان را در زندان و برخی همراه امام زندانی می کردند.

داود بن قاسم ابوهاشم جعفری می گوید من و حسن بن محمد عقیقی، و محمد بن ابراهیم عمری و عده ای دیگر در زندان بودیم که ابو محمد حسن بن علی علیه السلام را به همراه برادرش جعفر به زندان وارد کردند⁽¹⁾. معلوم می شود زندانیان سیاسی عباسیان را همین علویان مانند ابوهاشم جعفری که از یاران مخلص و سترگ و فداکار امام است تشکیل می دهند. وی فردی علوی تبار وفاطمی نسب است. از یاران چهار امام، جواد الائمه علیه السلام امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و مهدی علیه السلام می باشد. نیز از همه ی آنان حدیث گزارش می کند. وی فردی عالم، پارسا، زیرک، جلیل القدر و عظیم المنزلة بوده است. نسب وی از جانب پدر داود بن القاسم بن اسحاق بن عبد الله بن جعفر بن ابیطالب علیه السلام

ص: 120

1- اعلام الوری، ص 367، ارشاد، ج 2، ص 330.

است. پدر قاسم امیر یمن بوده است. مادر قاسم یعنی مادر بزرگ ابو هاشم ام حکیم دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر و قاسم بن محمد پسر خاله امام صادق علیه السلام می باشد(1).

موارد دیگری از زندانیان مانند عیسی بن اسماعیل، علی بن موسی، ابراهیم بن موسی در بخش بررسی قیام ها توضیحی آورده شد.

این موارد نمونه ای از ده ها مورد برخورد عباسیان با علویان است. این موارد به خوبی چالشگری دو جریان اجتماعی را علیه یکدیگر شفاف می سازد. جریان اجتماعی عباسیان تمام کوشش خود را به کار می گیرد تا بتواند از تلاش و توسعه جریان اجتماعی علویان و تشکل همسوی اهل بیت جلوگیری کند. در این راستا از هیچ اقدامی فروگذار نیست و حتی دست حاکمان عباسی به پاک ترین خون، یعنی خون امامان معصوم آلوده می گردد.

اینک فرصت بررسی جریان اجتماعی چالشگر عباسیان یعنی تشکل همسوی اهل بیت به رهبری امام عسکری علیه السلام فرا رسیده است. آیا عباسیان با این تلاش ها به آن دو هدف مهم رسیدند؟ از ولادت و سرنوشت مهدی علیه السلام آگاهی یافتند؟ از موقعیت اجتماعی آنان کاستند یا اینکه به هیچ یک از اهداف خویش دست نیافتند. سخن را از موقعیت اجتماعی امام عسکری علیه السلام و تشکل همسو ادامه می دهیم.

ص: 121

موقعیت اجتماعی تشکل همسوی عترت به ویژه رهبران آنان که همان شاخص های عترت می باشند، چیزی نیست که ترفندهای عباسیان و یا امویان بتواند آن را کاهش دهد. اگر معاویه و ترفندها و سیاست مداری اش توانست فضایل علی و آل علی علیهما السلام را پوشش دهد، اگر مأمون که أخ المعاویه در سیاست است و به تعبیر علی امیر المؤمنین سابعهم اعلمهم، توانست از موقعیت علی بن موسی الرضا علیه السلام بکاهد. اگر متوکل که آن گونه با خشونت و سیاست عمل کرد و مزار و بارگاه حسین بن علی را تخریب نمود، توانست از موقعیت اجتماعی اهل بیت بکاهد؟ یا اینکه فضایل علی بن ابی طالب و راه و روش حسین بن علی و بارگاه با شکوه و با عظمتش در کربلا هر روز از روزگار دیگر با شکوه تر و جلوه گر است. صدها زائر زمان متوکل اکنون به میلیون ها زائر تبدیل شده است. نیز عظمت شکوه علی بن موسی الرضا علیه السلام هر روز از روزگار پیشین باشکوه تر است. خورشید مشرق زمین (علی بن موسی علیه السلام) انوارش به شرق و غرب کره زمین تابش می کند و نورافکنی می نماید.

هیچ قدرتی توان ندارد فضائل و مناقب اهل بیت را بپوشاند یا از شکوه آن بکاهد. زیرا اراده الهی به این فضایل تعلق دارد که، **يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (1)**.

ص: 122

مناقب اهل بیت یک حقیقت است که دست خدا پشتیبان آن است. چگونه می توان فرض کرد که دستان هر چند پرتوان اموی یا عباسی بر دست و قدرت خدا فائق آید؟ در حالی که، یدالله فوق ایدیهم. اینک حصر و زندان نمودن دو امام عسکری علیهما السلام نیز در زمان خلفای عباسی کارساز نخواهد بود. هیچ گاه خلفا نخواهند توانست این موقعیت با شکوه را آسیب رسانند.

محبت و فضائل اهل بیت در دل های جامعه اسلامی پایگاهی محکم دارد. مردم همین که از فضایل آنان با آغوش باز به سوی آنان شتابان اند. همین موقعیت موجب این همه تلاش و کوشش از سوی مخالفان است که گوشه ای از موقعیت اجتماعی امام حسن بن علی علیه السلام در هنگام شهادت و تشییع جنازه اش جلوه گر شد.

منابع همگی متفق اند که سامرا (پایتختی بزرگ و شگفت انگیز) در سوگ امام عسکری علیه السلام یک پارچه تعطیل می شود؛ مثل این که قیامت بر پا شده باشد جمعیت به کوچه و خیابان سرازیر می شوند(1).

در سامرا امام عسکری علیه السلام باید روزهای دوشنبه و پنج شنبه در دربار حاضر می شدند و حضور خود را اعلان می نمودند. چون این کار مستمر بود، مردم از آن با خبر شده بودند. در هنگام عزیمت امام در این دو روز مسیر حرکت امام تا دربار مملو از جمعیت می شده که می آمدند با فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله دیدار تازه کنند. جمعیت سواره و پیاده تمام کوی و

ص: 123

1- کمال الدین، ص 51 الکافی باب مولد ابی محمد، حدیث اول، روضة الواعظین، ص 250 اعلام الوری، ص 372، فصول المهمة ج 2، ص 1088.

برزن را فرا می گیرد. به طوری که جای خالی سوزن انداختن در میان جمعیت پیدا نمی شده است، يحضر من الناس شيء عظیم و... لا يكون لاحد موضع يمشی ولا يدخل بينهم، آن گاه هنگامی که امام بر مرکب سوار می شد همه صداها حبس می شد و راه برای امام باز می گشت. هنگام برگشت نیز جمعیت انبوه راه را برای مرکب امام باز می نمودند حتی یرکب و یمضی(1).

شاید اگر امام در مدینه بود چنین جمعیتی برای تماشای عظمت و شکوه وی جمع نمی شد. زیرا در مدینه وضعیت عادی بود. شهر مدینه بزرگی و عظمت هشت فرسخی وسعت سامرا را نداشت. این موقعیت را خود سیاست گزاران عباسی باعث شده اند؛ عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

همچنین موقعیت اجتماعی تشکل همسوی عترت تا آنجا بود که خود خلیفه از حرکت آنان به وحشت می افتد. هنگامی که معتضد می خواهد دستور لعن معاویه و بازگویی مناقب علی علیه السلام را بدهد، به وی گفته شد اگر سب معاویه را دستور دهی فتنه به پا می شود. وی می گوید آتش فتنه را با شمشیر خاموش می کنم، آن گاه قاضی یوسف به معتضد می گوید اگر باز گفتن مناقب علی علیه السلام رسمی شده شیوع پیدا کند حرکت علویون را حریف نخواهی بود، فما تصنع بالعلویین الذین هم فی کل ناحية قد خرجوا علیک.(2) در مقابل حرکت علویان (که در هر

ص: 124

1- مناقب، ج 4، ص 466 و 467، دلائل الامامة، ص 222.

2- تاریخ الخلفاء، ص 433

ناحیه بر علیه توقیام خواهند کرد) چه خواهی کرد. همین مهم باعث می شود خلیفه از رأی خود منصرف شود.

نیز تبعید و محصور کردن در پادگان آن گاه در زندان، شاهدی بس گویا بر توانمندی اجتماعی و موقعیت والای رهبران تشکل همسوی عترت می باشد.

عباسیان و نیز درباریان ترک آن ها به خوبی به این موقعیت آگاه می باشند که خود آنان به این فضایل و موقعیت اعتراف می کنند. بشنوید از زبان دشمنان حسن بن علی علیه السلام.

صدوق از پدرش و محمد بن حسن بن اخوین و ولید و سعد بن عبد الله که از رحلت امام عسکری علیه السلام باخبر و در تشیع جنازه حضرت شرکت داشتند، گزارش می دهد. آن گاه می افزاید هجده سال بعد از شهادت عسکری علیه السلام در مجلس احمد بن عبید الله بن یحیی بن خاقان که عامل خراج و مالیات حکومت در منطقه قم بود، حاضر شدیم. وی فردی ناصبی و دشمن اهل بیت بود. در این مجلس سخن از حضور علویون که مقیم در سر من رای (سامرا) بودند شد. احمد بن عبید الله گفت من فردی با نفوذتر و با شکوه تر از حسن بن علی سراغ ندارم. تمام علویون حتی مردان مسن آنان، وی را بر خود مقدم می داشتند. همچنین لشگریان، فرماندهان، کشوریان و عموم مردم همگی بر وی احترام می کردند. آن گاه پدرم گفت اگر خلافت از عباسیان گرفته شود فردی جز ایشان شایسته آن نیست، لو زالت الخلافة عن خلفاء بنی

ص: 125

العباسي ما استحقها احدٌ من بني هاشم غير هذا، تمام مردم و خواص از ایشان به عنوان امام الرافضه یاد می کردند.

آن گاه می افزاید بعد از رحلت وی برادرش جعفر از پدرم خواست تا از خلیفه بخواهد وی را به عنوان جانشین حسن بن علی معرفی نماید. پدرم وی را طرد کرد و گفت نادان (احمق) خلیفه شمشیرش را آهیخته تا پدر و برادرت را از این موقعیت پایین آورد و موفق نشده است. وانگهی اگر تو در نزد شیعیان پدرت موقعیت داشته باشی نیازی به وساطت پدرم و توصیه خلیفه نخواهد بود. اگر هم موقعیت نداشته باشی اقدام خلیفه کارساز نخواهد بود، و ان لم تکن عندهم بهذه المنزلة لم تنلها بنا. [\(1\)](#) این اعتراف درباریان در مورد موقعیت اجتماعی عترت و شاخص عترت چون حسن بن علی علیه السلام می باشد.

بحران اعتقادی شیعه

زمان امام عسکری علیه السلام از این جهت که با آغاز دوران غیبت امام معصوم هم زمان است، دوران ویژه ای به شمار می رود. زیرا از یک سو سخت گیری حکومت نسبت به خاندان اهل بیت بسیار افزایش یافته، از جانب دیگر شرایط و زمینه غیبت امام معصوم خود یکی سبب طبیعی برای پدیدار شدن بحران است. زیرا غایب شدن رهبری و دور از دسترس بودن آن بیشترین زمینه را برای ایجاد تردید و شبهه در باورهای مردم پدید می آورد.

ص: 126

از جانب سوم شبهه افکنی های رسانه ای دستگاه خلافت (که نام رسانه های ملی و عمومی را در اختیار دارد!) باعث تشدید شبهات در زمینه های گوناگون می باشد. این عوامل که شاید مهم ترین آن ها باشد نه همه آن ها، باعث ایجاد تردید و تفرقه در میان تشکل همسوی اهل بیت شده است. به طوری که فرصت طلب ها از موقعیت بهره برده و سبب ایجاد مذهب تراشی و فرقه گرایی می شوند. به همین خاطر مشاهده می شود که در این فرصت فرقه های منحرف فراوانی در میان شیعه پدیدار می شود. این فرق در اثر ضعف فرهنگی، افراد را به سمت و سوی خواهش های نفسانی خویش سوق می دهند.

آن گونه که مورخ، جامعه شناس و محقق مسعودی گزارش می دهد، شیعه به بیست گروه تشتت و افتراق پیدا می کند. وی می نگارد، في سنة ستين و مأتين قبض ابو محمد الحسن بن علي... ابو المهدي المنتظر و الامام الثاني عشر عند القطيعة من الأمامية وهم جمهور الشيعة وقد تنازع هولاء في المنتظر من آل النبي صلى الله عليه وآله بعد وفات الحسن بن علي عليه السلام ووافقوا علي عشرين فرقة (1). «در سال 260 هنگام وفات حسن بن علي عليه السلام (پدر مهدی منتظر امام دوازدهم)، شیعیان بعد از رحلت ابو محمد در مورد جانشین وی در نزاع قرار گرفتند و به بیست گروه تقسیم شدند».

برخی نیز از امام عسکری علیه السلام می نگارند، في سنة مأتين و ستين تفرق شيعتي. آن گاه می نویسند، لما قبض ابو محمد تفرقت الشيعة و انصاره

ص: 127

فمنهم انتهى ابي جعفر و منهم من تاه و منهم من شك و منهم من تحير منهم من ثبت على دينه بتوفيق من الله(1).

این حقیقت نشان دهنده بحران شدید اعتقادی این دوران است. در هیچ زمانی چنین بحرانی برای شیعه پدیدار نشده بود. به همین جهت دوران بسیار سخت و غم انگیزی است. نقش بزرگ فرهنگی و تلاش هوشمندانه می خواهد تا این تشکل را از این بحران عبور دهد. خود امام عسکری علیه السلام از این دوران سخت و تلخ این گونه یاد می کند که هیچ کدام از پدران من این چنین دورانی به خود ندیده اند، ما مُنِّي احدٌ من آبائی بمثل ما منیت به من شك هذه العصابة في(2).

سخت ترین دوران در ایجاد تردید و شک در امر امامت این دوران است. خود امام اوضاع باورهای اعتقادی را بدین گونه تحلیل می نماید. فرقه های گوناگونی بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام پدیدار می شوند. یکی از آنها فرقه جعفر کذاب است که به دروغ بعد از امام عسکری علیه السلام ادعای امامت می کند. به عنوان نمونه به شرح حال کوتاه آن می پردازیم.

جعفر کذاب!

تشتت و تفرقه در بین شیعیان خطر جدی بر تشکل همسوی اهل بیت: در این دوره می باشد. اختلاف افکنی آن گونه فرصت پدیدار

ص: 128

1- المحاسن، ج 1، ص 17 .

2- تحف العقول، ص 487، اعلام الهدایة، ج 13، ص 44 .

نمود که به درون خانه و بیت امامت نیز کشیده شد. فرزند دیگر امام هادی علیه السلام یعنی جعفر که به خاطر ادعای دروغ بزرگش معروف شده به «جعفر کذاب» از خاندان امامت است؛ وی به گزاف بعد از امام عسکری علیه السلام ادعای امامت می کند. ایجاد فرقه در میان اندرونی خانه امامت فاجعه است. به ویژه این که حکومت عباسی نیز خود پشتیبان این موضع گیری ها بلکه خود آتش بیار این معرکه ها می باشد.

جعفر بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام خود را عالم به حرام و حلال و خود را جانشین معرفی می کند. وانمود می کند که امام بعد از امام عسکری برادرش جعفر می باشد. جعفر که عموی مهدی علیه السلام است حتی در مراسم تجهیز امام عسکری علیه السلام خود را شایسته می بیند تا بر جنازه حضرت نماز گزارد.

خلیفه عباسی معتمد دستور می دهد که خانه امام عسکری علیه السلام را به کمک مأمورین تفتیش کنند. اگر از وجود کودک و نوجوانی (یعنی قائم آل محمد علیه السلام) مطلع شدند او را به قتل برسانند. از امام سجاد علیه السلام درباره وی این گونه گزارش شده است، جعفر الکذاب قد حمل طاغیة زمانه علی تفتیش امر ولی الله و المغیب بحفظ الله والتوکیل بحرم ایبه جهلا بولادته و حرصا علی قتله ان ظفر به و طمعا لمیراث ایبه(1).

جعفر نامه ای به احمد بن اسحاق مینگارد. وی در این نامه خود را عالم به حلال و حرام پنداشته خود را امام بعد از امام عسکری علیه السلام معرفی

ص: 129

می کند. احمد بن اسحاق به صاحب الزمان نامه نگاشته و نامه جعفر را هم پیوست می نماید. حضرت در جواب مینگارد، این فرد دروغ پرداز به خدا و مدعی باطل است، المدعی علی الله الکذب. چیزی از حرام و حلال نمی داند. حتی نمازهای واجب را ترک می کند. آشکارا خدا را عصیان می نماید. به دروغ ادعای امامت می کند. هیچ گاه دو برادر منصب امامت را به عهده نداشته اند؛ مگر حسن و حسین علیهما السلام (1).

جعفر بعد از رحلت امام ابو محمد به کمک مأموران خانه حضرت را تقشیش نموده کنیزهای حضرت را زندانی می نماید. وی میراث حضرت را تصاحب کرده عده ای از افراد ضعیف را منحرف می سازد (2).

جعفر فرزندان زیاد و نسل و تبار وی بسیار گسترده می باشد. به تعبیر ابن عنبه فرزندان ایشان معروف به «رضویون» منسوب به جدشان امام رضا علیه السلام می شوند. برای وی 120 فرزند نام می برد (3).

در هر صورت ایجاد تفرقه و مذهب تراشی و ایجاد حیرت و سرگردانی بعد از امام عسکری علیه السلام خطری جدی بر شکل همسوی اهل بیت است. ادعای کذب جعفر نمونه ای است که از خاندان امامت پدید آمده است.

ص: 130

1- همان.

2- کشف الغمّة، ج 3، ص 202، ارشاد ج 3، ص 324 مناقب ج 4، ص 422، احتجاج، ج 2، ص 279 عمدة الطالب، ص 242، سفینة البحار، ج 1 ص 162، ص 163.

3- عمدة الطالب، ص 242.

دوران دو امام هادی و عسکری علیهما السلام دوران ویژه ای است که در هیچ زمانی از دوران امامت این گونه نبوده است. تمام شئون این دو امام مراقبت می شود و هیچ گونه آزادی در هیچ زمینه ای فراهم نیست. زندگی دو امام محصور در میان سپاه سپری می شود. تمام ارتباطات فرهنگی و اجتماعی آنان را دوربین ها و نزدیک بین های حکومت ثبت و ضبط می نمایند.

طبیعی است از این دوران نمی توان انتظار دوران دیگر امامان را داشت. نمی توان انتظار داشت حوزه های فقهی و فرهنگی امام باقر و صادق علیهما السلام دایر شود. نمی توان توقع داشت که امام عسکری علیه السلام محصور در پادگان و زندان تلاش ها و مناظره های فرهنگی و اجتماعی امام رضا علیه السلام را ساماندهی نماید. زیرا آن زمینه ها به طور کلی از بین رفته اند و سیاست و مدیریت عباسیان در مورد رهبران شیعه به طور کامل متحول شده است.

انتظارها در این دوران باید به تناسب موقعیت و شرایط این دوران باشد. انتظار این است که امام عسکری علیه السلام با تلاش ها و کوشش های محدود بتواند هویت فرهنگی، فقهی و اعتقادی تشکل همسوی اهل بیت را حفظ کند. انتظار این است که بتواند این تشکل را از بحران های فکری و عقیدتی که در این زمان پدیدار شده اند عبور دهد. انتظار این

است که این تشکل را برای وارد شدن به یک دوران متفاوت با دوره های پیشین یعنی دوران غیبت امام معصوم آماده سازد.

البته این مسئولیت بسیار بزرگ است. زیرا دوران غیبت که امام و رهبر از میان مردم غیبت دارد؛ دسترسی به وی برای همگان ممکن نیست؛ فرصت مناسب برای شبهه افکنان فراهم شده که با ایجاد تردید و شبهه هویت فرهنگی و اعتقادی تشیع و پیروان عترت را هدف قرار دهند؛ بدیهی است که حاکمان عباسی تمام نیرو و توان خود را در این سمت و سو بسیج خواهند نمود.

امام عسکری علیه السلام با چالش های تازه روبرو خواهد بود. باید بتواند با تدبیرهای عاقلانه و صحیح مقابل این چالش ها مقابله نماید تا رقیبان وی نتوانند به اهداف خویش نزدیک شوند. نتوانند تشکل همسوی اهل بیت را از هم بپاشند و نتوانند هویت فرهنگی آنان را هدف قرار دهند. نتوانند از ولادت و زندگی مهدی علیه السلام با خبر شوند. در عین حال امام عسکری علیه السلام تلاش می کند با همه محدودیت ها، ارتباط فرهنگی و اجتماعی خویش را با تشکل و پیروان خویش برقرار سازد.

ایجاد ارتباط

این حقیقت انکار ناپذیر است که منابع تحقیق در خصوص سیره شاخص های اهل بیت به ویژه امام جواد علیه السلام به بعد بسیار محدود می باشد. بسیاری منابع در اثر حوادث و دشمنی ها از بین رفته است. در این گونه موارد تنها ممکن است به نمونه هایی دستبازی شود. البته این نمونه ها

گویای بسیاری از حقایق می باشند. اگر همین منابع اندک صحیح و دقیق بررسی شوند می توان از بسیاری از ابهام ها غبارروبی نمود و بسیاری از حقایق را شفاف ساخت.

در هر صورت باید بررسی شود که آیا در دوران امام عسکری علیه السلام تلاش های جریان اجتماعی عباسیان به اهداف خویش می رسد و یا مقابله و چالش های جریان اجتماعی تشکل همسوی اهل بیت : (با همه ی محدودیت هایی که دارد) آنان را در رسیدن به اهداف ناکام می سازد؟

به نظر می رسد تلاش های فرهنگی، ارتباطی و اجتماعی رهبران تشکل همسوی اهل بیت عباسیان را ناکام می سازد. عباسیان نه در مهار ساختن تشکل همراه اهل بیت موفق می شوند و نه از ولادت مصلح جهانی مهدی علیه السلام باخبر می گردند تا بتوانند درباره وی تصمیم بگیرند. در ادامه نوشتار به این نکات مهم خواهیم پرداخت و خواهیم دید که امام شبکه ارتباطی با شیعیان و تشکل برقرار می سازد و هویت فرهنگی تشکل را حراست می نماید. خواهیم دید که امام با اندیشه و تدبیر و رفتاری پیدا و پنهان مهدی علیه السلام را از خوف و خطرها حراست می نماید.

شبکه نمایندگی ها

از تلاش های اجتماعی و مهم در این دوره تشکیل نمایندگی ها در مناطق مختلف و ایجاد ارتباط با دیگران از این طریق است. انتخاب افراد کار آمد و مطمئن برای انجام مسئولیت های اجتماعی و اقتصادی

این فرصت را فراهم می‌سازد که از این روش بهره‌برده و نیازهای فرهنگی و اقتصادی را برطرف سازند. شبکه «وکالت و نمایندگی» یک سازمان ارتباطات بوده است؛ وکلای امام اختیارات لازم را داشتند که در شئون اجتماعی و اقتصادی نقش ایفاء کنند. وجوهات شرعی مانند خمس و زکات، نذورات و موقوفات را ساماندهی کنند. نیز افراد نیازمند جامعه را رسیدگی نمایند؛ به ویژه مساکن و یتام را سرپرستی کنند.

با توجه به این که مردم از دسترسی به امام محروم هستند تشکیل این گونه سازمان‌ها در آن دوران بسیار کارآمد بوده است. این نوع سازمان‌ها مشکلات اجتماعی را رسیدگی و نیازهای فرهنگی، عقیدتی و اقتصادی را ساماندهی می‌کردند. به ویژه این که این سازمان وکالت با طریقی جالب و کارآمد ساماندهی شده باشد. بدین صورت که وکلا اختیارات لازم را داشته باشند تا بتوانند در اهداف تعیین شده کارآمد باشند. به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ساختار سازمان نمایندگی

اشاره

1- به لحاظ ایجاد خلأ فرهنگی و رواج شبهات گوناگون در مورد امامت و جانشینی آنان و نیز غیبت امام معصوم، این سازمان وسیله ارتباط میان امام و مردم بوده تا بتوانند پیام‌ها و نامه‌های امام را به مردم برسانند. شبهه افکنی‌ها را در موضوع اعتقادات و فقه و فرهنگ پاسخ دهند. همچنین بیان معارف و احکام و آشنا

نمودن مردم (به ویژه شیعیان) با معارف الهی مسئولیت مهم این نمایندگی ها به شمار می آمده است.

2- مسئولیت دیگر نمایندگی ها رسیدگی به امور اقتصادی بوده است. از جانبی وکالت داشتند و جوهات شرعی مانند خمس و نذورات مردم را از جانب امام بگیرند. از جانب دیگر در مسرف های مناسب هزینه کنند. از این طریق بسیاری از نابسامانی های اجتماعی مانند سرپرستی ایتام و نیازمندان و سرپرستی موقوفات و... ساماندهی می شد. مردم که دسترسی نداشتند حقوق امام را به ایشان برسانند، این حقوق را به این نمایندگی ها پرداخت می کردند.

3- این نمایندگی ها در مناطق شیعه نشین در مراکز مختلف بوده اند. به طوری که در هر منطقه شیعه نشین فردی از جانب امام وجود داشته که در صورت نیاز به وی مراجعه می کردند. حقوق امام مانند خمس را به این افراد پرداخت کرده و یا نیاز خود را مطرح می ساختند. نیز پاسخ سؤال شرعی خود را می گرفتند.

4- در زمان امام عسکری علیه السلام این نمایندگان به صورت متمرکز انجام وظیفه می نمودند. از شواهد بر می آید که یک وکیل مرکزی و تام الاختیار (عثمان بن سعید عمری) در بغداد بوده که دسترسی به امام برای ایشان بسیار محدود بود. دیگر وکلای امام هم نمی توانستند به حضور امام برسند. با مراجعه به نمایندگی

مرکزی امور را ساماندهی می نمودند. چنانچه ابوالادیان می گوید من نامه ها را به شهرها ارسال می کردم. (1)

افراد نمایندگی، متدین، پاک و در انجام مسئولیت خود کار آمد و امین بوده اند. مردم هم به خصوص شیعیان آنان را به پاکی و امانت داری می شناختند. به همین خاطر به صورت یک سازمان کارآمد جلوه گر بوده اند.

5- سازمان وکالت کاملاً یک سازمان سری بوده است. مسوولیت ها به صورت محرمانه انجام می گرفته است. البته گاهی اتفاق می افتاده که در میان وکلا افراد ناهنجار هم پیدا می شده است. برخی حریف و سوسه های شیطان نمی شدند و در مسائل مالی پای آنها می لغزید. این گونه موارد در یک سازمان به این وسعت، امری طبیعی خواهد بود.

این وکلا- افرادی معتمد بودند که به وظایف خود به خوبی آشنا بوده و امانت داری می کردند. البته برخی افراد ناشایسته نیز در بین آنان مشاهده می شود که به کار خویش خائن بودند و به شبکه وکالت آسیب جدی وارد ساختند. حتی فرقه گرایی و مذهب تراشی نمودند. مانند واقفیه که شیخ طوسی این سخن را از زبان ائمه گزارش می دهد که خدمت گزاران و کارگزاران ما از بدترین افراد نیز هستند، خدا منا و قومنا شرار خلق الله. (2) آن گاه گروهی از آنان را نام می برد. مانند صالح

ص: 136

1- ینابیع المودة، ص 519 .

2- الغیبة للشیخ، ص 231

بن محمد، علی بن ابی حمزه بطائی، زیاد بن مروان قندی، عنان بن عیسیٰ رواسی، فارس بن حاتم، احمد بن هلال و محمد بن علی بن بلال(1).

در عین حال سازمان نمایندگی گسترده بوده است. ابوالادیان می گوید، أبلغ كتبه الى الأمصار، «من نامه های حضرت را به شهرستان ها می رساندم.» در این فرصت به شرح مختصر برخی از وکلا و نمایندگان امام عسکری علیه السلام می پردازیم.(2)

1. احمد بن اسحاق اشعری قمی

طبری درباره وی می نگارد احمد بن اسحاق اشعری قمی استاد صدوق و وکیل ابو محمد است. هنگامی که امام رحلت نمود به مقام وکالت خویش در زمان غیب از جانب امام زمان ابقا شد. نامه نگاری ها به وی انجام می گرفت. از بلاد اطراف نیز به وی مراجعه می شد. معلوم می شود وکیل قم نسبت به سایر بلاد مرکزیت داشته است. وی در مسیر راه عتبات در حلوان (نزدیک کرمانشاه) رحلت و همان جا دفن می شود.

مرحوم مجلسی نیز از وی به عنوان وکیل امام عسکری علیه السلام یاد می کند و داستانی معروف در مورد ایشان نقل می کند. آن این که حسین بن الحسن از نوادگان امام صادق علیه السلام در قم به کارهای ناشایست دست

ص: 137

1- الغيبة للشيخ، ص 236

2- ينابيع المودة، ص 519.

می زده است. هنگامی که وی به در خانه احمد بن اسحاق مراجعه می کند، ایشان او را به حضور نمی پذیرد. هنگامی که در سفر حج در سامرا به خدمت امام عسکری علیه السلام می رسد، امام از وی گلایه می کند که چرا ایشان را راه نداده است. همین امر باعث متنبه شدن وی شده و از کارهای خلاف دست بر می دارد. احمد بن اسحاق وکیل حضرت در موقوفات نیز بوده است(1).

2. احمد بن اسحاق رازی

ایشان وکیل امام در منطقه ری بوده است. امام عسکری علیه السلام در نامه ای به اسحاق بن اسماعیل، ابراهیم بن عبده را به وی ارجاع می دهد، و لیحمل ذلک ابراهیم بن عبده الی الرازی(2).

3. ایوب بن نوح

ایوب بن نوح وکیل امام عسکری علیه السلام در منطقه کوفه است. ایشان وکیل امام هادی علیه السلام نیز بوده است. وی فردی پارسا، امین، موثق و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام می باشد(3).

ص: 138

1- بحار ج 5، ص 323 .

2- رجال کشی، ص 579، شماره 1088.

3- فهرست طوسی، ص 16 شماره 49 الغیبة للشیخ ص 234 چاپ دار الکتب ص 312 .

4. ابراهیم بن عبده نیشابوری

5. اسحاق بن اسماعیل

در نامه به اسحاق بن اسماعیل (که بیش از پنج صفحه است) می نگارد، و علی ابراهیم بن عبده سلام الله و رحمته و علیک یا اسحاق و علی جمیع موالی السلام کثیراً(1).

در نامه ای دیگر به وکالت ایشان تصریح می نماید، ابا محمد علیه السلام کتب الی ابراهیم بن عبده بتو کیلی ایاه لقبض حقوقي من موالی هناك.(2)

در نامه سوم دارد که، وقد نصبت لکم ابراهیم بن عبده لیدفع النواحی و اهل ناحتیک حقوقي الواجبه علیکم الیه و جعلته ثقتی و امینی عند موالی، هناك.(3)

امام در نامه اول بسیاری از ویژگی ها و مقررات را به آنان گوشزد می کند. حضرت با این راهنمایی ها شبکه نمایندگی را ساماندهی می نماید.

6. جعفر بن سهیل

جعفر بن سهیل نیز از وکلای امام هادی و عسکری علیهما السلام و هم چنین امام مهدی علیه السلام می باشد(4).

ص: 139

1- رجال کشی، صص 575 شماره 1088 .

2- همان، شماره 1089 ص 580 .

3- همان .

4- رجال شیخ طوسی، ص 429 .

7. علی بن جعفر

علی بن جعفر هم از وکلای امام هادی و هم امام عسکری علیهما السلام است.

در زمان متوکل وی در حومه بغداد، زندانی شده است. وی فردی موثق و مورد اعتماد دو امام همام بوده است (1).

علی بن جعفر اموال فراوانی را در موسم حج هزینه می کرد. امام عسکری علیه السلام اقدامات وی را تأیید می نمود. (2)

8. محمد بن احمد بن جعفر القمی

محمد بن احمد بن جعفر القمی نیز از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام است. (3)

9. محمد بن ابراهیم بن مهزیار

محمد بن ابراهیم بن مهزیار را نیز از وکلای امام عسکری علیه السلام می شمارند. (4)

10. محمد بن صالح محمد دهقان

محمد بن صالح محمد دهقان، وی نیز نماینده وکیل امام عسکری علیه السلام می باشد. (5)

ص: 140

1- رجال طوسی، ص 418، رجال کشی، ص 606 شماره 1129، الغیبة للشیخ ص 235.

2- الغیبة للشیخ، ص 212 ص 235.

3- رجال طوسی، ص 436.

4- همان، پاورقی.

5- همان، ص 436.

11. محمد بن عثمان

محمد بن عثمان از نواب خاص و جلیل القدر و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام و نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام می باشد(1).

12. حفص بن عمرو

ابو عمرو کشی در مورد حفص بن عمرو می نگارد، و کان وکیل ابی محمد علیه السلام (2). (اگر منظور وی عثمان بن سعید نباشد.) همچنین فرزندش محمد بن حفص عمری که ممکن است منظور محمد بن عثمان بن سعید باشد.

13. قاسم بن علاء

قاسم بن علاء از وکلای امام شمرده شده است.(3)

14. عروة بن یحیی

عروة بن یحیی از افراد مورد اعتماد و نماینده حضرت در بغداد بوده است. در نامه امام عسکری علیه السلام به اسحاق بن اسماعیل از وی توثیق می نماید و می فرماید، و کیلنا و ثقتنا.(4) گرچه وی به بیراهه رفته و منحرف می شود. این یحیی بر امام عسکری علیه السلام دروغ می بندد(5).

نام تعدادی از وکلا در منابعی دیگر مانند کمال الدین صدوق و مناقب آمده است. هم چنین تعداد زیادی از اصحاب حضرت که با وی

ص: 141

1- الغیبة للشیخ، ص 216 .

2- رجال کشی، ص 532 شماره 1015 .

3- بحار ج 44، ص 201، حیاة العسکری، ص 256 .

4- رجال کشی، ص 579 شماره 1088 .

5- رجال کشی، ص 573 شماره 1086 .

در ارتباط بودند در این منابع آمده است. برخی آنان عبارتند از ابوعلی اسدی، عبدالله بن جعفر حمیری، محمد بن شاذان، حاجز، محمد بن علی بن بلالی، داود بن یزید که در بلاد قم، ری، آذربایجان، کوفه، همدان، اهواز، نیشابور و ... نمایندگی داشته اند(1).

عمده نقش نمایندگی ها (که به حق می توان گفت یک تشکل و یک سازمان با فرآیندی مشخص بوده) در مسائل مهم اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل می گرفته است. از طریق ارتباط با این سازمان هویت فرهنگی تشیع و تشکل همسوی اهل بیت حراست می شده است و به شبهه افکنی ها پاسخ داده می شد. امور مهم اجتماعی و اقتصادی نیز از همین طریق ساماندهی می شده است.

پیشینه این سازمان به قبل از امام عسکری علیه السلام به زمان امامان دیگر بازگشت دارد. به ویژه در زمان امام هادی علیه السلام که به صورت یک سازمان مدون و با فرآیندی مشخص ایفای نقش می کرده است. اما در آن شرایط سخت محدود که برای ارتباطات امام عسکری علیه السلام پدید آمده بود حفظ، حراست و ساماندهی چنین سازمانی بسیار مهم و شگفت انگیز بوده است. چنانچه در مورد عثمان بن سعید عمری این گونه نگاشته اند:

وی روغن فروش بوده به همین خاطر لقب ایشان «سَمَان» می باشد. ایشان اموال امام عسکری علیه السلام، خمس و هدایا را در ظرف های روغن می نهاده و با پوشش روغن فروشی به محضر امام می رسیده است، و کان

ص: 142

الشيعة اذا حملوا الى ابي محمد عليه السلام ما يجب عليهم حمله من الاموال انفذوا الى ابي عمر فجعله في جراب السمن وزقاقه و يحمله الى ابي محمد عليه السلام تقياً و خوفاً. (1)

قيام ها

حرکت های اجتماعی که از آن ها به قیام یاد می شود، اقدام هایی علیه یک نظام سلطه و ستم انجام می داده اند. این قیام ها متفاوت در روش ها و در سرنوشت ها (که پی آمد این حرکت ها می باشند) هستند. حکومت های ستم پیشه همیشه با چنین حرکت هایی در چالش می باشند. عباسیان نیز از حقیقت استثناء نیستند. در زمان عباسیان تا دوران امام عسکری علیه السلام قیام های متعدد و مؤثر علیه حاکمان شکل گرفته است. بسیاری از این قیام ها به رهبری علویان و هواداران عترت ساماندهی می شده است.

این قیام ها آسیب های جدی بر پیکره نظام حاکم متوجه ساختند.

نمونه های آن را در زمان امام صادق علیه السلام و نیز امام هادی علیه السلام به خوبی می توان مشاهده نمود. برخی ابعاد این نهضت ها نیز در فرصت های گذشته مورد بررسی قرار گرفت و دست آوردهای آنان نیز تحلیل شد.

زمان امام عسکری علیه السلام از یک جهت به لحاظ محدود بودن دوران امامت حضرت که شش سال بیشتر نبود و از جهت دیگر که محدودیت های بی سابقه برای حضرت فراهم آورده بودند، دوران

ص: 143

خاصی است. به همین جهت انتظار در این زمان این گونه نیست که حضرت رهبری حرکت ها و قیام های اجتماعی را عهده دار باشد.

در زمان امام هادی علیه السلام و نیز امام عسکری علیه السلام هم قیام های زیادی از سوی علویون ساماندهی شده است. برخی از آنها در رسیدن به اهداف نیز کاملاً موفق بودند و برخی هم ناکام شدند. اما همه آن ها در آسیب رساندن به نظام ستم عباسیان موفق و معتمد بودند و دست آورد مشترک آن ها آسیب رساندن به نظام ستمگران بود.

بسیاری از این حرکت ها در نوشتار امام هادی علیه السلام بررسی شدند. برخیز آن ها نیز این مورد اشاره قرار می گیرند.

یکی از قیام ها، قیام اسماعیل بن یوسف بن ابراهیم بن موسی بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. وی در مکه قیام می کند. حرکتش نسنجیده و باعث ناهنجاری فراوان می گردد. به طوری که در قتل و غارتی که رخ می دهد، بیش از هزار نفر از حجاج کشته می شوند. دیگر حجاج نیز موفق به انجام مناسک حج نمی گردند. وقوف در عرفات و مشعر آنان ترک می شود. آن گاه به مدینه نیز حمله ور شده دوباره به مکه باز می گردد. در این حادثه برادرش حسن بن یوسف و جعفر بن عیسی بن اسماعیل بن جعفر نیز کشته می شوند. (1)

در همین زمان عیسی بن اسماعیل بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب در زندان کوفه کشته می شود. (2)

ص: 144

1- مقاتل الطالبیین، ص 524، تاریخ طبری ج 8 ص 302 حوادث سال 251 .

2- مقاتل الطالبیین، ص 525

همین زمان در درگیری بین احمد بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و عبد الله بن عزیز عامل محمد بن طاهر که در ریرخ می دهد، جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین کشته می شود(1).

در این دروان ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن عبد الله بن الحسن بن عبد الله بن العباس ابن علی در منطقه قزوین در قیام کوکبی به دست طاهر بن عبدالله کشته می شود. نیز احمد بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب در خانه مروان در مدینه رحلت می کند.(2)

اما در زمان مهتدی از خلفای معاصر امام عسکری علیه السلام، علی بن زید بن الحسین بن عیسی بن زید علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب در کوفه خروج می کند. مهتدی سپاهی را به فرماندهی شاه بن مکیال به سوی وی بسیج می کند. علی بن زید در هنگام درگیری بیعت خود را از یاران خویش برمی دارد و خود تنها به سپاه مکیال حمله ور می شده اما از جانب یارانش یاری نمی شود.(3)

محمد بن القاسم بن حمزة بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب نیز همراه علی بن زید می شود. همچنین طاهر بن احمد بن

ص: 145

1- همان.

2- همان ص 526 .

3- مقاتل الطالبیین، ص 528، تاریخ طبری، ج 8، ص 417

القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب همراه علی بن زید قیام می کند(1).

ابوالفرج در ایام معتمد عده ای از علویون را نام می برد که اقدام علیه حاکم عباسی نموده کشته شدند یا در زندان جان سپردند. برخی از آنها عبارتند از حسین بن محمد حمزة بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب یحیی بن علی بن عبدالرحمن بن القاسم بن الحسن بن زید محمد بن الحسن بن محمد بن ابراهیم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی، جعفر بن اسحاق بن موسی بن جعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی، در بصره کشته می شوند. موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن الحسین بن علی بن ابی طالب، وی را مسموم نموده آن گاه سرش جدا می سازند و برای معتمد می فرستند. عیسی بن اسماعیل بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر، وی را اسیر و به کوفه می برند و در آنجا رحلت می کند.

محمد بن عبد الله بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن ابی الکرام بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب ایشان را عبد الله بن عزیز در ری به قتل می رساند.

علی بن موسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب محمد بن الحسین بن عبدالرحمن بن القاسم بن

ص: 146

الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب. وی را عبدالله بن عزیز دستگیر نموده به سامرا اعزام می دارد.

علی بن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب در زندان رحلت می کند.

ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب محمد بن احمد عامل معتمد وی را در مدینه زندان می کند. در زندان رحلت نموده در قبرستان بقیع به خاک سپرده می شود.

عبد الله بن محمد بن یوسف بن ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن علی بن ابی طالب محمد بن احمد بن منصور در زندان بود. در زندان جان می سپارد(1).

این اقدام های مسلحانه از سوی علویون و طالبیون از زمان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام همواره تا پایان دوران غیبت صغری امام عصر تداوم داشته و هیچ گاه بریده نشده است. همواره مردانی سترگ از تبار علویون علیه ستمگران اموی و عباسی تاخته اند و آسیب های جدی به آنان متوجه ساخته اند. هیچ گاه حاکمان عباسی از قیام های علویون و طالبیون در امان نبوده اند. گرچه همه این خروج ها و قیام ها به اهداف خود نایل نشده اند. اما جامعه همواره شاهد این گونه حرکت ها بوده است. این همان حقیقتی است که عبدالله وزیر به معتمد

ص: 147

گوشزد نمود که اگر فضایل اهل بیت علی مطرح شود نمی توانی علویون را کنترل کنی، فما تصنع بالعلویین الذین هم فی کل ناحیه قد خرجوا علیک(1).

این اقدام ها چون علیه ستم و ستمگران بوده است، مورد تایید امامان معصوم نیز می باشند؛ گرچه در مورد تک تک آن ها اظهار نظر و سخنی از امام در دسترس نیست اما برخی قیام ها که در حقیقت فتنه بوده اند و در آن زمان رخ داده اند، مورد تایید امام عصر آن زمان نبوده است. امامان از کنار آن ساکت و بی تفاوت عبور نکردند بلکه نسبت به آن دیدگاه خود را ابرار داشته اند. نمونه این نوع حرکت ها خروج و فتنه «صاحب زنج» است.

فتنه صاحب زنج

صاحب زنج یعنی علی بن محمد بن عبدالرحیم از طایفه عبد القیس و مادرش قره از بنی اسد است. وی در روستای ورزین منطقه ری متولد شده و در همان منطقه هم بزرگ شده است(2). نام اصلی وی بهبود است(3).

وی علوی تبار و طالبی (یعنی از نسل علی بن ابی طالب علیه السلام) نیست. گرچه هنگام خروج خود را منسوب به عباس بن علی بن ابی طالب

ص: 148

1- تاریخ الخلفاء ص 433 .

2- طبری، ج 8، ص 359 مروج الذهب ج 4 ص 108.

3- تاریخ الخلفاء، ص 425 .

عنوان می نماید. (1) این گونه ادعاها بدین خاطر است که قیام هایی که از سوی طالبین رخ می داده هواداران فراوانی پیدا می کرده و جمعیت انبوهی، از رهبران قیام ها حمایت می نموده است.

خروج وی در بصره در سال 256 است. عده زیادی از وی حمایت می کنند. (2) تعداد نیروهای وی را تا هشتصد هزار نام می برند. (3)

در فتنه وی که به فتح بصره منجر می شود، هزاران نفر کشته می شوند. آمار کشته ها را بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر می نگارند. در یک روز سیصد هزار نفر کشته می شوند. (4)

در فتنه وی جنایات فراوانی رخ می دهد و به علویون سخت گیری می شود. آنان را سخت تحقیر می کنند. زنان علوی را به خدمت گرفته برای از هر یک از هواداران خود ده زن اختصاص می دهد. یک زن علوی به دو یا سه درهم به فروش می رفته است! (5) رفتار وی همان رفتار فرعون مصر است که، یذبح ابناء هم و یستحي نسا نهم (6).

این رفتار وحشیانه و جنایت بار صاحب زنج است که برای رسیدن به دنیای خود، خود را منتسب به اهل بیت عنوان می کرده است.

ص: 149

1- همان، طبری ج 8 ص 359.

2- همان، ص 358.

3- طبری ج 8، ص 359 پاورقی.

4- تاریخ الخلفاء، ص 425.

5- همان.

6- قصص 4.

اما اهل بیت شفاف از وی بیزار می جویند. امام همام ابو محمد عسکری علیه السلام درباره وی فرماید، صاحب الزنج لیس منا اهل البیت(1). صاحب زنج در سال 270 در زمان موفق بالله بعد از 14 سال قتل و جنایت به قتل می رسد. سرش را به بغداد نزد خلیفه می فرستند(2).

آری، اهل بیت از این چنین فتنه های اجتماعی بی تفاوت عبور نمی کنند. اگر قیام ها در هر زمان هم مورد تأیید نبود به نوعی اظهار نظر می نمودند. اما اهل بیت شفاف قیام ها و حرکت های اجتماعی ای که مورد تأیید ایشان بود(مانند زید بن علی بن الحسین و مانند حسین شهید فخر و ...) تأیید می نمودند. قیام هایی هم که بخشی از دست آوردهای آن مورد تأیید بود همان مقدار مورد تأیید قرار می گرفت. مانند قیام مختار ثقفی. آنان را هم که تا حدی مورد تأیید بود و امکان موضع گیری شفاف نبود با سکوت تأیید می نمودند. اما از فتنه های اجتماعی مانند فتنه صاحب زنج هیچ گاه بی تفاوت عبور نکردند.

فقه و فرهنگ

در این جو فرهنگی با همه محدودیت هایی که برای دو امام عسکریین علیهما السلام پدیدار ساخته بودند، تلاش های فرهنگی داشتن جز با عنایت ویژه الهی مقدور هیچ قدرتی نخواهد بود.

ص: 150

1- کشف الغمة، ج 3، ص 211، مناقب، ج 4، ص 428 سفینة البحار، ج 1 ص 559.

2- طبری ج 8 ص 539

در این شرایط بحرانی، تشکیل حوزه فقه و فرهنگ و تربیت فقیهان برجسته (که یادگار و ماندگار از خویش به جای گذار دند)، امری بس شگفت انگیز است.

تعدادی زیاد از روایان حدیث از اصحاب امام همام علیه السلام به شمار می روند. برخی از آنان از افراد برجسته و سرشناس بوده و در استقرار تشیع و فقه و فرهنگ آن نقش مهمی ایفا نموده اند. شیخ طوسی 102 نفر (1) از اصحاب امام را نام می برد. برخی تعدادی دیگر اضافه نمودند. افرادی که با حضرت نامه نگاری کردند (گرچه حضرت را ملاقات نمودند) اضافه نموده اند که این تعداد بیش از 200 نفرند. (2)

به طور قطع نام و نشان همه صحابه حضرت در دسترس ما نمی باشد و بسیاری از آنان ثبت و ضبط نشده اند. یا در اثر محدودیت ها از بین رفته اند. این افراد در ابواب مختلف فقهی مانند طهارت، نماز، روزه، خمس و زکات، حج، نکاح، طلاق، قضا و شهادت، وقف، ارث، وصیت، احکام اموات و نیز احکام اولاد ده ها حدیث از حضرتش گزارش نموده اند.

این افراد در حوزه های گوناگون فقهی و اعتقادی و نیز مقابله با فرقه های منحرف نقشی اساسی ایفا نمودند.

بسیاری از این افراد نویسندگانی توانمند هستند که در موضوعات گوناگون مثل فقه، عقاید، تفسیر و... کتاب ها نگاشته اند. برخی از آنان

ص: 151

1- رجال طوسی، ص 427، ص 438

2- حیاة الامام العسکری ص 259 تا ص 306

بیش از صد عنوان کتاب از خود بجا گذاشته اند. برخی از کتاب های آنان هم اکنون جزو منابع مهم شیعه در عرصه های گوناگون به شمار می روند.

نیز برخی از این افراد محرم اسرار امامان بوده اند. به طوری که سری ترین موضوع را (مانند ولادت حضرت حجت علیه السلام) با آنان در میان می گذاشتند و آنان را مطلع می ساختند. این ها موضوعاتی مهم و سرنوشت ساز برای تشکل همسوی اهل بیت می باشد و اگر نقش این گونه افراد نبود این تشکل توان عبور از بحران ها را نمی توانست فراهم سازد.

در این فرصت به شرح زندگی برخی افراد برجسته این جمع می پردازیم تا نقش آفرینی فرهنگی آنان نیز شفاف گردد. با این شرح نقش امام همام عسکری علیه السلام با آن محدودیت ها بر همگان آشکار می شود.

نقش فرهنگی اصحاب

1- ابراهیم بن ابی حفص. نجاشی از وی به عنوان فردی بزرگ از شیعه و صاحب جاهت و موقعیت نام می برد. وی را توثیق می نماید، ثقة وجه. همچنین شیخ در فهرست، (1) وی را نویسنده و محقق عنوان می کند که بر رد فرقه غالبه و سردمدار این فرقه خطرناک کتاب می نگارد. فردی که در حکم کفر است، یعنی محمد بن ابی زینب

ص: 152

1- رجال نجاشی شماره، 22، ص 19، فهرست، ص 7 معجم رجال الحدیث ج 1 ص 175 .

معروف به «ابو الخطاب» که حتی مورد لعن و نفرین امام عصر علیه السلام قرار گرفته است.⁽¹⁾

ابراهیم بن ابی حفص در برابر این فرقه خطر آفرین به چالش برخاسته است. بزرگ ترین نقش فرهنگی نیز در تبیین این موضوعات یعنی در حوزه باورهای حق است که بتواند باور حق را زنده کند و شبه افکنی ها را پاسخ دهد.

2- حسین بن اشکیب قمی. وی که اهل قم و از اصحاب امام عسکری علیه السلام است، توان مند در کلام و حوزه اعتقاد می باشد. ایشان شبهه افکنی های (زیدیه) و نیز پندارهای باطل آنها (که رسول به دین قوم خویش متدین بوده است) کتاب نگاشته است. وی در کشمیر و سمرقند مقیم بوده است. نجاشی از وی به عنوان خراسانی یاد می کند که عنوان (خراسان) به بلاد وسیع در آن زمان کاربرد داشته است. کشی از وی به عنوان مؤلف کتاب های پسندیده یاد می کند. شیخ وی را «خادم القبر» عنوان می کند که منظور قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم می باشد.

معلوم می شود در سمرقند و کشمیر حوزه علمیه شیعه دایر بوده است. این حوزه بسیار پر بار و پر ثمر بوده که افرادی مانند حسین بن اشکیب، عیاشی سمرقندی مؤلف تفسیر و ابو عمرو کشی صاحب رجال از این بلاد (آسیای میانه) بوده اند. اینان خدمات فرهنگی ماندگاری از

ص: 153

1- کمال الدین، ص 440، معجم رجال الحدیث، ج 15، ص 255 رجال شیخ طوسی، ص 304 شماره 345.

خویش به جای نهاده اند. (1) عیاشی که نخست سنی بوده از علمای برجسته شیعه می گردد. خانه ایشان حوزه علمیه شیعه بوده است. ابو عمرو کشی از شاگردان عیاشی و از خروجی های این حوزه می باشد. عیاشی تمام میراث خود را که 300 هزار دینار بوده (300000 مثقال طلا) صرف حوزه علمیه می نماید. (2)

نکته حایز اهمیت دیگر این که وی با این که اهل قم بوده و قم همواره مرکز حوزه علمیه شیعه و پایگاه محدثان شیعه مانند علی بن ابراهیم قمی، علی بن بابویه قمی، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، زکریا بن آدم و اشعری های قم بوده است، از قم هجرت کرده و مقیم سمرقند و کشمیر شده است. معلوم می شود حوزه سمرقند نیز تا آن حد دایر بوده که به حوزه قم تنه می زده است. نجاشی از خانه ابوعمر و کشی به عنوان مرکز تغذیه فکری و رفت و آمد شیعه یاد می کند، و فی دارة التي كانت مرتعا للشيعة و أهل العلم. (3)

3- حسن بن موسی الخشاب نیز از بزرگان و نویسندگان شیعه از اصحاب امام عسکری علیه السلام می باشد. نجاشی در مورد وی می نگارد، فردی معروف، دانشمند، محدث و نویسنده بوده است. شیخ طوسی نیز از وی به عنوان نویسنده یاد می کند.

ص: 154

1- رجال نجاشی ص 44 شماره 88 رجال طوسی، ص 413 .

2- رجال شیخ، ص 491، فهرست شیخ، ص 136، الکنی والألقاب، ج 2، ص 481، شماره 501 .

3- رجال نجاشی ص 372 شماره 1018 .

وی بر رد شبهات فرقه گمراه واقفیه (که در امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام: متوقف شدند و امامت امام رضا علیه السلام را پذیرفتند) کتاب می نگارد. در مورد حج کتاب می نگارد. در مورد پیامبران نیز کتاب می نویسد(1).

4- سعد بن عبد الله اشعری قمی ابو خلف، محدث بزرگ، متکلم و فقیه امامیه است. وی نیز از اصحاب امام عسکری علیه السلام است که به حوزه های علمیه اهل سنت مسافرت نموده است. از طریق اهل سنت احادیث فراوانی شنیده و نوعی گردشگری فرهنگی داشته است. از بزرگانی از اهل سنت مانند حسن بن عرفه، محمد بن عبد الملک، ابو حاتم و ... بهره برده است. وی کتاب های زیادی می نویسد. نجاشی می نگارد صنف سعد کتاباً کثیراً. آن گاه 37 عنوان کتاب در فقه و فرهنگی در حوزه های گوناگون مانند محکم و متشابه و رد بر غلات، ناسخ، منسوخ، رد بر مجبره، فضیلت قم و کوفه، کتاب امامت، فضل النبی، مناقب شیعه، کتاب المزار و ... از وی یاد می کند. رحلت وی را در سال 301 می نگارد.(2)

شیخ طوسی نیز از وی به عنوان نویسنده ای که کتاب های زیاد نگاشته یاد می کند. آن گاه بسیاری از کتاب های وی را نام می برد.(3)

ص: 155

1- رجال نجاشی، ص 42، شماره 850. رجال طوسی ص 430، فهرست ص 49 شماره 160 .

2- رجال نجاشی، ص 177 شماره 467 .

3- فهرست شیخ، ص 75 شماره 306 رجال طوسی، ص 431 .

5- فضل بن شاذان نیشابوری. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام آن گاه امام عسکری علیه السلام می شمارد. شیخ از وی به عنوان متکلم و نویسنده جلیل القدر یاد می کند(1).

نجاشی وی را متکلم، فقیه و بی نیاز از توصیف می داند. نجاشی از کُنْجی گزارش می دهد که وی 180 عنوان کتاب نگاشته است. آن گاه 48 عنوان آن را نام می برد.

در میان آن کتاب ها، افزون بر کتاب های فقهی در موضوعات گوناگون عنوان هایی به چشم می خورد. مانند رد بر جبریه، رد به ثنویه رد بر فلاسفه، رد بر مرجئه، رد بر قرامطه، رد بر حشویه، رد بر غالیه محمدیه، رد بر اهل تعطیل، کتاب سنن، کتاب محنة الاسلام، کتاب القائم و کتاب فضل امیر المؤمنین علیه السلام را می توان نام برد.(2)

شیخ نیز بسیاری از تألیفات وی را مانند الأعراض و الجواهر، کتاب العلل، کتاب رد علی الغلات و نام می برد. فضل بن شاذان در سال 260 رحلت می کند.(3)

صد و هشتاد عنوان کتاب در حوزه های گوناگون فقه، عقاید، فلسفه، علوم قرآن و مقابله زیرکانه با گروه های منحرف و هجمه های فرهنگی مسلما کار کوچکی نیست که از اصحاب عترت مانند فضل بن شاذان به جای می ماند.

ص: 156

1- رجال شیخ، ص 437، الفهرست، ص 124، شماره 552.

2- رجال نجاشی، ص 306 شماره 840.

3- فهرست، ص 124 شماره 552، رجال طوسی، ص 420

تلاش یاران امام عسکری علیه السلام و مقابله آنان با کج اندیشان، قلم به دست بودن آنان را می رساند. عنوان کتاب ها (که برخی از آن ها آورده شده) گویای این حقیقت است که یاران امام با چه همت و درایتی در میدان فرهنگی چالشگری می نمایند. در مقابل هر گونه هجمه قد علم نموده و هر شبهه را پاسخگو هستند.

6- محمد بن الحسین بن ابي الخطاب. وی که در سال 263 رحلت می کند از اصحاب امام جواد الائمه علیه السلام و نیز امام هادی و امام عسکری می باشد.

نجاشی می گوید وی نویسنده نیکونویس، حسن التصانیف و کثیر الروایة بوده است. وی فردی موثق و جلیل القدر که دل به روایات وی آرامش حاصل می کند، می باشد. برخی عنوان های کتاب های وی عبارتند از کتاب الامامة، کتاب اللؤلؤة، کتاب الرد علی اهل القدر، کتاب التوحید کتاب معرفة البداء، کتاب وصایا الأئمة. شیخ طوسی کتاب نوادر را نیز اضافه می کند (1).

7- عبدالله بن جعفر حمیری. وی از اصحاب بنام امام هادی و عسکری علیهما السلام می باشد. عبدالله نویسنده قادر و توانمندی است که در حوزه های گوناگون اعتقادی، فقهی و ... کتاب نگاشته است. نجاشی می نگارد، وی کتاب های زیادی نوشته است که به پر کاری در این حوزه شناخته می شود. از وی به عنوان شیخ القمیین (یعنی بزرگ

ص: 157

1- رجال نجاشی، ص 334 شماره 897 فهرست طوسی ص 140 شماره 597، رجال طوسی ص 435.

قمی ها) یاد می کند و می نگارد در سال 290 به کوفه وارد شده است. برخی کتاب های وی عبارتند از کتاب الامامة، کتاب الدلائل، کتاب العظمة، التوحيد، كتاب الغيبة و الحيرة، كتاب فضل العرب، كتاب التوحيد و البداء، كتاب قرب الإسناد الى الرضا، قرب الإسناد الى ابی جعفر بن الرضا.

کتاب قرب الإسناد وی هم اکنون در دسترس است و یکی از منابع مستند و معتبر شیعه به شمار می رود و روایات علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر در این کتاب ثبت می باشند.

از عنوان های کتاب های ایشان این نکته شفاف است که افزون بر حوزه فقه، در عقاید کتاب هایی به روز می نگاشته. چون آغاز دوران غیبت امام معصوم علیه السلام و دوران بحران اعتقادی بوده در امر امامت کتاب نگاشته. وی کتابی با عنوان الغيبة و الحيرة می نگارد(1). این کتاب در خصوص موضوع غیبت امام عصر می باشد. شیخ طوسی کتاب الطب را هم اضافه می کند (2).

نویسندگانی این گونه چالشگر، نوآور، زیبانویس و به روزنویس اساس تحول فرهنگی جامعه و حوزه معارف و فرهنگ را شکل می دهند. به یقین این نویسندگان نقشی مهم در دوران انتقال به دوران غیبت ایفا نموده و تشکل همسوی اهل بیت را از بحران ها عبور داده اند.

ص: 158

1- رجال نجاشی، ص 219، شماره 573.

2- الفهرست، ص 1020 شماره 429

8- محمد بن حسن بن الفروخ الصفار، نویسنده توان مند شیعی. وی همانند عبد الله بن جعفر از محدثین بزرگ و افتخارات شیعه است. کتاب های زیادی در حوزه فقه، فرهنگی و حدیث در بحرانی ترین دوران از خود به یادگار نهاده است. رحلت وی را در سال 290 در دوران غیبت صغری می نگارند. برخی عناوین کتاب های وی عبارتند از کتاب رد بر غلات، کتاب الملاحم، کتاب التقیه، کتاب ماروی فی اولاد الأئمة، کتاب فضل القرآن، کتاب المکاسب، کتاب الحج، کتاب المزار و کتاب الدعاء.

مهم ترین کتاب وی که هم اینک در دسترس همگان است کتاب «بصائر الدرجات فی مناقب آل محمد صلی الله علیه وآله»، است. این کتاب در مورد فضائل اهل بیت، علم امام و شئون مختلف امام و در حقیقت شناخت امام می باشد. می توان گفت بعد از کتاب کافی مرحوم کلینی بهترین منبع شناخت شئون امام معصوم این کتاب است. (1) نیز افرادی چون:

9- احمد بن اسحاق قمی از اصحاب امام عسکری است. وی وکیل امام در ناحیه قم و فردی سرشناس در تثبیت اهداف و آرمان های اهل بیت نبوده است. از جمله افراد محرم اسرار و مطمئن است که امام عسکری علیه السلام اسراری چون ولادت امام مهدی علیه السلام و کودکی وی را به احمد بن اسحاق و همراهان وی آگاه می سازد. کارشناسان رجال از وی

ص: 159

1- رجال نجاشی، ص 354 شماره 948، الفهرست، ص 143 شماره 611 .

به عنوان خواص و محرم اسرار ابو محمد عسکری علیه السلام یاد می کنند، و کان خاصة ابی محمد صلی الله علیه وآله.

وی افزون بر این که از خواص حضرت است وکیل حضرت در ناحیه قم نیز بوده است. نیز فردی است که با حضرت نامه نگاری نموده و حضرت جواب سؤال های وی را با نامه می داده است.

ایشان در سفری به حج به محضر امام عسکری علیه السلام می رسد. از وی درباره جانشینی حضرت سؤال می کند. آن گاه امام عسکری علیه السلام فرزندش حضرت حجت را به وی معرفی می کند و می فرماید این موضوع از اسرار و امری محرمانه است. باید راز دار آن باشی، هذا الأمر من امرالله و سرّ من سرّ الله و غیب من غیب امر فخذ ما أتيتك و اکتمه. وی نیز نویسنده بوده است. علل الصوم و علل الصلاة را از کتاب های وی نام می برند(1).

احمد بن اسحاق هنگام بازگشت از حج و ملاقات با امام عسکری علیه السلام در سامرا در مسیر راه سامرا به قم در حلوان «سر پل ذهاب» رحلت نموده و همان جا به خاک سپرده می شود.(2)

10- عبدالعظیم حسنی که از نوادگان امام مجتبی علیه السلام است از اصحاب امام عسکری علیه السلام می باشد. در اثر تعقیب حاکمان عباسی که سادات علوی را مورد عتاب، دستگیری، شکنجه و شهادت قرار می دادند،

ص: 160

1- کمال الدین، ص 423، رجال نجاشی، ص 91 شماره 225، الفهرست، ص 26 شماره 68، رجال کشی، ص 557 حدیث شماره 1052.

2- کمال الدین ج 2 ص 423، ص 424.

مهاجرت نموده به ری مهاجرت می کند. در آن جا در نزد شیعیان پناه می گیرد و در همان جا بیمار شده رحلت می کند. در میان لباس هایش به هنگام غسل، نامه ای مشتمل بر نسب وی می یابند که نوشته بوده است: انا ابو القاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب. (1)

شخصی از شیعیان خواب می بیند که رسول الله صلی الله علیه وآله به وی می گوید فرزندی از فرزندان من در کنار درخت سیب مدفون خواهد شد. وی آن مکان و درخت را خریداری می کند. صاحب آن در پاسخ می گوید من نیز چنین خوابی دیده ام آن گاه همه ی باغ را وقف همین موضوع نموده عبد العظیم را در کنار همان درخت به خاک می سپارند. هم اکنون مزار وی در شهر ری زیارتگاه زائران است.

11- نیز افرادی چون معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، حسن بن مسعود و حسین بن غیاث که به محضر امام عسکری صلی الله علیه وآله رسیدند و حضرت کودک خردسال و امام منتظر را به آنان معرفی کرد. (2)

همچنین افراد سرشناسی چون عمر کی، محمد بن احمد جعفری، محمد بن ابراهیم مهزیار، مَحَجَل بن محمد، احمد بن ادریس قمی، اسحاق بن اسماعیل و حسن بن ظریف از اصحاب خاص حضرت بوده و با وی نامه نگاری داشتند و پاسخ سؤالات خویش را با نامه

ص: 161

1- رجال نجاشی، ص 247، شماره 653، الفهرست، ص 121 شماره 537 رجال طوسی، ص 433.

2- کمال الدین، صص 399 و 424 و...

می گرفته اند(1). برخی از جانب امام وکیل بودند که در امور عامه نقش ایفا کنند.

این گروه از اصحاب خاص به عناوین گوناگون با امام عسکری علیه السلام در ارتباط بودند. آنان به عنوان وکیل، محرم اسرار و راوی حدیث نقش مهمی در جهت فرهنگ سازی جامعه ایفا نمودند. اینان از منبع فیض بی پایان امامت سیراب می شدند. اینان برای جامعه تشیع پرتو افکنی می نمودند. به ویژه در هنگام بحران ها مخصوصا زمان امامت امام عسکری علیه السلام، مهم ترین مسئولیت را این گروه از اصحاب عهده دار بودند.

سخت گیری عباسیان

عباسیان در این دوران نگران به دنیا آمدن مهدی منتظر علیه السلام می باشند. به همین خاطر تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا اگر بتوانند مانع ولادت چنین مولودی شوند. اگر این کار ممکن نباشد در تلاش هستند تا از ولادت چنین فردی آگاهی یافته به صلاح خویش تصمیم بگیرند.

برای رسیدن به این هدف بزرگ حاکمان عباسی محدود ساختن و محصور نمودن امامان را پیش از زمان امام عسکری علیه السلام آغاز نمودند. به همین خاطر امام هادی علیه السلام را به مدت بیست سال در دربار سامرا محصور می سازند. اینک زمان امام عسکری علیه السلام فرا رسیده است. به طور یقین این محدودیت ها فزونی خواهد یافت. به همین خاطر مشاهده می شود در دوران امامت امام عسکری علیه السلام حضرت نیز همانند پدرش در محاصره

ص: 162

1- حیاة العسکری علیه السلام، ص 291 به بعد.

ارتش در پادگان سامر است. البته محدودیت ها به این مقدار بسنده نمی شود.

بعد از مسموم نمودن امام عسکری علیه السلام، معتمد پنج تن از مأموران مورد اعتماد خویش را به خانه ابو محمد اعزام می کند و دستور مؤکد می نماید که مراقب حال وی و خانواده اش باشند. آنان مأموریت دارند شبانه روز خانه حضرت و خانواده ایشان را دیده بانی کنند.

تعدادی از پزشکان نیز مراقب حال حضرت اند. بعد از دو روز پزشکان گزارش می کنند که حال حضرت وخیم شده است. آن گاه قاضی القضاة را نیز فرا می خوانند و با هم به گفتگو و مشورت می پردازند. تصمیم می گیرند ده نفر از افرادی که به آنان کاملاً اعتماد دارند، انتخاب شوند. آنان را مأموریت می دهند که مراقب خانه امام عسکری علیه السلام باشند. آنان نیز به طور کامل خانه حضرت را زیر نظر می گیرند، تا رحلت حضرت فرا می رسد. آن گاه در روز هشتم ربیع الاول سال 260 امام عروج ملکوتی می نماید. سامرا یک پارچه ضجه و شیون می شود. مثل اینکه قیامت برپا شده است. معتمد دستور می دهد خانه امام را کاملاً تفتیش کنند. قابله ها تمام کنیزان را معاینه می کنند. آن گاه به یکی از کنیزان مشکوک می شوند که باردار باشد. وی را در حجره ای محبوس می سازند.

نحریر خادم با عده ای از مأموران و زنان کارشناس مأمور مراقبت از ایشان می شوند. وی را تا دو سال زیر نظر می گیرند تا از وضع حال وی یقین حاصل کنند. بعد از دو سال هنگامی که مطلع می شوند حاملگی

در کار نبوده است وی را رها می سازند ملازمین لها سنتین او اکثر حتی تبین لهم بطلان الحمل(1).

معتمد به این مقدار هم بسنده نمی کند. دستور تفتیش هر خانه ای از خانه های شیعیان که به آن مظنون می شدند، می دهد. تمام خانه های مورد نظر را برای دست یابی به مولود منتظر تفتیش می نمایند، اضطراب السلطان و اصحابه في طلب ولده و كثر التفتيش في المنازل و الدور.(2)

این تلاش های مذبحانه به این خاطر است که حاکمان عباسی نگران تولد مهدی قائم و منتقم از نسل امام ابو محمد عسکری علیه السلام می باشند. همان گونه که خود حضرت این حقیقت را یادآوری نمود که سبب مهم که عباسیان بر علیه ما شمشیر آهیختند این بود که نگران تولد فردی از ما هستند که بساط ظلم و ستم ستمگران را در هم می پیچد، قد وقفوا من الأخبار المتواتره، علی زوال ملک الجبابره و الظلم علی يد القائم من(3).

پیدا و پنهان

سخت گیری و محدودیت های شدید عباسیان باعث شد تا رهبران تشکل همسوی اهل بیت یک سیاست دوگانه در پیش گیرند. در برابر موضع گیری حاکمان عباسی موضعی پیدا و پنهان داشته باشند. از سوی

ص: 164

1- کمال الدین، ج 1، ص 51، ص 52، الغیبة، ص 147 .

2- کمال الدین، ص 52 .

3- أعلام الهدایة، ج 13، ص 118.

دیگر باید موضع ولادت، رشد و تربیت مهدی را از چشم بیگانگان پنهان کنند.

از جانب دیگر برای این که تشکل همسوی اهل بیت در موضوع رهبری دچار حیرت نشوند و از جانشین امام عسکری علیه السلام آگاهی یابند، باید فردی را به شیعیان معرفی نمایند.

برای اجرای چنین سیاست دوگانه ای می بایست موضوع ولادت، رشد و تربیت امام منتظر را از دید بیگانگان و جاسوسان عباسی (که در تمام مکان ها و حتی در اندرون خانه اهل بیت علیهم السلام گماشته شده اند) پنهان سازند. از سوی دیگر افراد سرشناس و مطمئن تشکل همسوی اهل بیت باید از این موضوع به تمام خصوصیات آگاهی یابند تا در امر امامت حیرت و سردرگمی پدیدار نشود. بدین خاطر مشاهده می شود که یک سیاست پیدا و پنهان پیش روی عترت قرار می گیرد.

پنهان

مشاهده می شود موضوع دوران حاملگی مادر مهدی علیه السلام، وضع حمل و نیز دوران کودکی مصلح جهان به اعجاز الهی همانند دوران های موسی علیه السلام از چشم رس بیگانگان پنهان است.

مادر کنیزی از تبار اروپا می باشد که ابو محمد، حسن بن علی علیه السلام وی را خریداری می کند. در دوران حاملگی هیچ گونه آثار حمل در وی مشاهده نمی شود. با این که زنان کارشناس عباسی در بیت امام

عسکری علیه السلام حضور دارند، نسبت به حامله بودن مادر مهدی علیه السلام به مهدی هیچ گاه شک نمی کنند.

در هنگام ولادت این کودک امام عسکری علیه السلام از عمه اش حکیمه خاتون می خواهد شب پانزدهم شعبان در نزد آنان بماند. به وی بشارت می دهد که کودکی برای وی متولد خواهد شد. حکیمه می پرسد مادرش کیست. حضرت می فرماید «نرگس». حکیمه در نزد وی حاضر شده و معاینه می کند. آثار حمل را در وی نمی یابد. به نزد امام عسکری علیه السلام بازگشته گزارش می دهد که ایشان حامله نیستند. امام تبسم زده می فرماید حاملگی ایشان همانند مادر موسی علیه السلام است. تا هنگام ولادت آثار حمل آشکار نبود و کسی از آن خبر نداشت. زیرا فرعونیان در جستجوی موسی بودند و اگر به وی دسترسی فراهم می ساختند وی را می کشتند، مثلها مثل ام موسی علیه السلام التي لم يظهر حملها ولم يعلم به احد الى وقت ولادتها. (1)

نیز امام ابو محمد علیه السلام می فرماید، ان الله عز وجل يخفي ولادته ويغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج (2).

از امیر المؤمنین نیز این گونه روایت گزارش است که، تخفی ولادته و یغیب شخصه. (3) از امام صادق علیه السلام روایت این گونه است، خفاء مولده و غیبه عن قومه. (4)

ص: 166

-
- 1- الغيبة، تافصل اثابة الولادة ص 74 و 156، اعلام الهداية، ج 14، ص 114 .
 - 2- کمال الدین، ص 315 و 319 و... اعلام الهداية، ج 14، ص 115 .
 - 3- همان.
 - 4- الغيبة، تافصل اثابة الولادة ص 74 و 156، اعلام الهداية، ج 14، ص 114 .

امام ابو محمد هنگامی که کودک را به احمد بن اسحاق قمی معرفی می کند، می فرماید این امر کاملاً سری است. هیچ کس نباید از آن آگاه شود، ولد لنا مولود فاما عند مستوراً و من جميع الناس مكتوماً. (1)

شیخ مفید می نگارد، تنها فرزند امام عسکری علیه السلام مهدی است که به صورت سری به یادگار نهاد، خلقه و غائباً مستراً. (2)

اربلی در این باره می نگارد، وکان قد أخفی مولده و ستر امره لصعوبة الوقت و شدة طلب السلطان الزمان له. (3)

ابن صباغ مالکی می نویسد، وکان قد أخفی مولده و ستر امره لصعوبة لوقت و شدة طلب السلطان الزمان و تطلبه الشيعة و حبسهم و القبض عليهم. (4)

وی می نگارد که شیعیان را نیز سخت گیری می نمودند و زندان می کردند تا از وضع حال امام باخبر شوند. همین نکته را طبرسی در اعلام الوری آورده است. (5)

امام ابو محمد عسکری علیه السلام اصرار به راز داری اصحاب داشتند و افشای اسرار را در حد جنگ با اهل بیت عنوان می نمودند، و اعلم أن المذيع حرب لنا. (6)

ص: 167

1- همان، ص 434.

2- ارشاد، ج 2، ص 339.

3- فصول المهمة، ج 2 ص 1091.

4- كشف الغمة 3، ص 201.

5- اعلام الوری، ص 373.

6- اثابة الوصية، ص 248.

موضوعات مهمی چون شئون مهدی منتظر علیه السلام این گونه اهتمام داشته اند که حضرت به حفظ اسرار آن تاکید می نمایند.

پیدا

در عین حال امام ابو محمد علیه السلام برای این که شیعه از بحران اعتقادی عبور کند و حیران و سرگردان در امر امامت نماند، ولادت کودک رشد و دوران کودکی وی را به برخی از خواص و یاران مورد اعتماد خویش معرفی می نمود. حضرت از آنان می خواست تا رازدار باشند و موضوع را به هیچ وجه به بیگانگان انتقال ندهند. به نمونه هایی اشاره می شود.

1- همان گونه که یاد آوری شد در شب ولادت حضرت مهدی علیه السلام امام عسکری علیه السلام از عمه اش حکیمه خاتون می خواهد در نزد آنان بماند و در زایمان کودک، مادرش را یاری رساند. بدین گونه حکیمه خاتون از جمله افرادی هستند که شاهد ولادت حضرت مهدی منتظر می باشند. نه فقط شب ولادت بلکه بعد از ولادت روز هفتم و سایر ایام نیز این کودک را همواره مشاهده می نموده است (1).

2- محمد بن اسماعیل مسن ترین سادات از نسل رسول الله صلی الله علیه وآله می گوید من فرزند ابو محمد حسن بن علی علیه السلام را در حالی که نوجوان بود دیدم (2).

ص: 168

-
- 1- الغیبة، ص 156، اعلام الهدایة ج 14 ص 14. ارشاد، ج 2 ص 351. کشف الغمة ج 3 ص 237 اعلام الونی ص 408 .
2- کشف الغمة، ج 3، ص 237، إعلام الوری، ص 410

3- همچنین طبرسی از ظریف خادم گزارش می دهد، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را در خردسالی دیده است. وی موارد دیگری را نیز در همین راستا روایت می کند. (1)

4- هم چنین ابو غانم الخادم گزارش می کند ابو محمد حسن بن علی روز سوم ولادت مهدی علیه السلام کودک را به اصحابش معرفی نمود. آن گاه اظهار داشت وی جانشین من است. وی عدالت را بعد از آن که زمین را ستم فرا گرفت مستقر می سازد. گردن ها در انتظار وی فراز می شوند تمد الیه الأعناق بالانتظار (2).

احمد بن اسحاق قمی گزارش می کند که به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم تا از جانشین و امام بعد از وی آگاهی یابم. هنگامی که سؤال خویش را مطرح ساختم امام وارد اندرون خانه شد. آن گاه کودکی نورانی به دوش گرفته وارد شد. فرمود جانشین من ایشان است. نامش نام رسول الله علیه السلام و کنیه اش کنیه رسول الله علیه السلام می باشد. آن گاه افزود که وی عدالت را در جامعه مستقر خواهد ساخت بعد از این که جامعه از ستم ستمگران در جانکاه شده است (3).

7- حسن بن الحسین علوی هنگامی که بر ابو محمد عسکری علیه السلام وارد می شود ولادت امام مهدی را تبریک و تهنیت می گوید، فهناه بولادة ابنه القائم علیه السلام. (4)

ص: 169

-
- 1- اعلام الوری، ص 410 .
 - 2- کمال الدین، ص 431 .
 - 3- کمال الدین، ص 384 .
 - 4- بحار، ج 51 ص 16 .

يعقوب بن منقوش نیز از کسانی است که در نوجوانی امام مهدی علیه السلام را مشاهده می نماید. وی گزارش می دهد هنگامی که به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم پرسیدم صاحب امر امامت بعد از شما چه کسی اس. حضرت پرده را کنار زد. خردسالی زیبا چهره بیرون آمد. بر روی دامن حضرت نشست. ایشان فرمود، هذا صاحبکم(1). «رهبر شما بعد از من ایشان است».

8- همچنین عمرو اهوازی گزارش می کند ابو محمد علیه السلام فرزندش را به من معرفی نمود و فرمود رهبر شما بعد از من ایشان است، هذا صاحبکم بعدی(2).

9- صدوق و نیز شیخ طوسی روایت می کنند که عثمان بن سعید به همراه چهل نفر از اصحاب از جمله علی بن بلال، احمد بن هلال محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح به محضر امام ابو محمد علیه السلام می رسند. عثمان بن سعید می خواهد سؤالی در مورد جانشینی حضرت مطرح کند که امام به وی فرصت نمی دهد. آن گاه امام به جمع حاضر فرمود کسی از شما بیرون نرود سپس فرمود آیا می خواهید شما را خبر دهم برای چه اینجا آمده اید، گفتند آری؛ فرمود برای آگاهی از جانشینی من در این جا جمع شده اید. آن گاه نوجوانی که همانند ترین به حضرت بود پدیدار شد. حسن بن علی علیه السلام فرمود ایشان امام شما بعد از من است. بعد از من از ایشان پیروی کنید و

ص: 170

1- کمال الدین، ص 407. اعلام الوری، ص 427.

2- اعلام الوری، ش 428.

تفرقه بین شما پدید نیاید، اَطِيعُوهُ وَلَا تَفْرُقُوْا مِنْ بَعْدِي اَلَا وَاَنْكُمْ لَا تَرْوُنَهٗ مِنْ بَعْدِي يَوْمَكُمْ(1). بعد از این روز وی را نخواهید دید.

این ها برخی از شواهدی است که در دسترس بوده که حضرت در فرصت های مناسب امام مهدی را به دوستان و اصحاب راز دار و مطمئن معرفی می نمود و سفارش ها را در مورد امامت و رهبری وی بیان می کرد.

با این سیاست دوگانه و به قدرت الهی ابو محمد علیه السلام توانست هم شئون امام منتظر را از چشم بیگانگان حراست کند، هم مهدی علیه السلام را به افراد مطمئن و رازدار معرفی نماید تا در فرصت مناسب با نقل و گزارش آنان جامعه تشیع در امر امامت و رهبری در حیرت و سردرگمی فرو نرود.

البته که دست خدا بالای دست هاست. با قدرت الهی کسی توان مقابله را ندارد. خدا به صورت اعجاز این حقیقت را تحقق بخشید. همان گونه که امام ابو محمد علیه السلام فرمودند ولادت حضرت همانند داستان موسی علیه السلام شکل گرفت. فرعون قدرتمند تمام توان مندی خویش را به کار گرفت تا از ولادت موسی جلوگیری کند. هزاران کودک بی گناه را هم برای تحقق این هدف شوم سر برید. اما قدرت لایزال الهی موسی دشمن فرعون را در خانه فرعون در دامن فرعون تربیت نمود. موسی رشد کرد و بزرگ شد تا در فرصت مناسب فرعون را در کام امواج خروشان دریا غرق نمود.

ص: 171

اکنون نیز دست توان مند خدای سبحان این مولود موعود را در خانه ابو محمد در جلو چشم جاسوسان عباسی رشد می دهد. کودک در آغوش خانواده خویش تا شش سالگی رشد می کند و آن گاه دوران غیبت وی آغاز می گردد.

با تولد حضرت قائم و رشد وی در خانه امام عسکری علیه السلام عباسیان در رسیدن به اهداف مهم خویش (که جلوگیری از ولادت وی و آگاهی از شئون وی می باشد) بی خبر می شوند و در رسیدن به اهداف ناکام می گردند.

بزرگ ترین تلاش با اهمیت امام عسکری علیه السلام این است که تشکل همسوی اهل بیت و شیعه را در بحرانی که پدید آمده حراست کرده و عبور دهد. امام با فرهنگ سازی (که نمونه هایی از آن در بررسی اصحاب حضرت عنوان شد) در مقابل هجمه های فرهنگی ایستاد و اصحاب قلم توان مند حضرت به ستیز با این بحران برخاستند. اینان نگذاشتند تشتت و تفرقه تشیع اثناعشری را آسیب رساند.

از جانبی با سیاست پیدا و پنهان در راستای جانشینی خود موضوع جانشینی را نیز به زیباترین شکل ساماندهی نمودند که نتیجه آن سامان یافتن تشکل همسوی اهل بیت بود. بعدها در دوران غیبت شکوفا شد و با عنوان یک جریان بزرگ اجتماعی تداوم یافت. تاکنون هم این جریان توانمند تر از هر زمان به حیات و زندگی خودش ادامه می دهد.

1. الاتحاف بحب الاشراف، محمد عامر شیر اوی، دار الکتب الاسلامی
2. اثابة الوصیة، علی بن الحسین المسعودی، موسسه انصاریان
3. الاحتجاج، طبرسی، موسسة الأعلمی
4. الأرشاد، محمد بن نعمان (مفید)، موسسة آل البيت
5. اصول الکافی، محمد یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیة
6. أعلام الهدایة، المجمع العالمی لأهل البيت، المجمع العالمی لأهل البيت
7. إعلام الوری باعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی، موسسة الأعلمی
8. امالی طوسی، محمد بن الحسن طوسی، دار الکتب الاسلامی
9. امالی مفید، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، انتشارات اسلامی
10. امام جواد علیه السلام الگوی زندگی، حبیب الله احمدی، انتشارات فاطیما
11. امام کاظم علیه السلام الگوی زندگی، حبیب الله احمدی، انتشارات فاطیما
12. امام هادی علیه السلام الگوی زندگی، حبیب الله احمدی، انتشارات فاطیما
13. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، موسسة الأعلمی
14. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار الفروخ، طلّیعه نور
15. تاریخ الامم و الملوک، ابن جریر طبری، موسسة الأعلمی
16. تاریخ الخلفاء، عبد الرحمن السیوطی، دار الجیل
17. تاریخ العلویین، محمد امین غالب الطویل، دار الاندلس
18. تاریخ سیستان، تحقیق ملک الشعراى بهار
19. تحف العقول، علی بن حسن حرانی، انتشارات اسلامی
20. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، دارالعلوم بیروت

21. تفسير قمى، على بن ابراهيم، مؤسسة الأعلمی
22. تفسير منسوب به امام عسكرى عليه السلام، مدرسة الامام المهدي
23. تنقيح المقال، مامقانى، چاب رحلى
24. تهذيب الاحكام، محمد بن الحسن طوسى، دار الكتب الاسلامية
25. حياة الامام العسكرى عليه السلام، محمد جواد طبسى، بوستان كتاب
26. حياة الحيوان، كمال الدين الدُميرى، مؤسسة الأعلمی
27. در المنثور، عبد الرحمن السيوطى، مكتبة المرعشية
28. دروس شرعية، شهيد اول، انتشارات اسلامى

29. دلائل الامامة، محمد بن جرير رستم طبري، موسسية الاعلمى
30. رجال النجاشي، نجاشي، انتشارات اسلامى
31. رجال طوسى، محمد بن الحسن (شيخ طوسى)، مكتبة الحيدرية
32. رجال كشى، ابو عصر و كشى، دانشگاه مشهد
33. روضة الواعظين، فتال نيشابورى، منشورات المرتضى
34. رياض الابرار، نعمت الله جزايرى، موسسة التاريخ
35. سبائك الذهب، سويدى، دارالكتب العلمية
36. سفينة البحار، محقق قمى، فراهانى
37. سير أعلام النبلاء، محمد عثمان الذهبي، دار الرسالة
38. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيتمى، مكتبة القاهرة
39. علل الشرايع، صدوق، موسسة الأعلمى
40. عمدة الطالب، ابن عنبه، مكتبة المرعشية
41. عيون اخبار الرضا عليه السلام، صدوق، موسسة الأعلمى
42. الغيبة، محمد بن الحسن (شيخ الطوسى)، دار الكتب الاسلامية
43. فاطمه عليها السلام الكوى زندگى، حبيب الله احمدى، انتشارات فاطيما
44. الفخرى في الآداب السلطانية والدولة الاسلامية، محمد بن على بن طباطبا (معروف به ابن طقطقا)، منشورات الشريف الرضى
45. فصول المهمة، ابن صباغ مالكى، دار الحديث
46. الفهرست، محمد بن الحسن (شيخ طوسى)، منشورات الشريف الرضى
47. القطرة، احمد المستنبط، دار المرتضى
48. كامل الزيارات، ابن قولوية، نشر الفقاعة
49. الكامل في التاريخ، ابن اثير، دار الكتاب العربي

50. كشف الغمة، على بن عيسى ابو الفتح أربلي، دارالاضواء

51. كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، مؤسسة الأعلمی

52. الكنى و الألقاب، محقق قم، انتشارات الاسلامیة

53. مجموعه نفيسه، شهاب الدين المرعشي، مكتبة المرعشیة

54. المحاسن، برقى

55. مروج الذهب، على بن الحسين المسعودي، دار الهجرة

56. مسند امام العسكري، عزيز الله عطاردی، كنغره امام رضا عليه السلام

57. مصباح المتهدج، محمد بن الحسن (شيخ طوسى)، مؤسسة الأعلمی

58. مصباح كفعمي، كفعمي، مؤسسة الأعلمی

59. مطالب السؤل، محمد بن طلحة الشافعى، مؤسسة أم القرى

ص: 174

60. معاني الأخبار، صدوق، انتشارات الإسلامية
61. معجم رجال الحديث، محقق خويي
62. مقاتل الطالبين، ابو الفرج اصفهاني، مؤسسة الأعلمي
63. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، دار الكتب الإسلامية
64. مناقب خوارزمي، خوارزمي، انتشارات اسلامي
65. مناقب، ابن شهر آشوب، ذوي القربى
66. منتهى الآمال، محقق قمى، انتشارات هجرت
67. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، دار الكتب الإسلامية
68. نهج البلاغة، شرح جعفر شهيدى، نشر اسود
69. نور الأبصار، شبلنجي، منشورات الشريف الرضى
70. نور الثقلين، علي بن جمعه عروسي، مكتبة العلمية
71. الوسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، دار الأحياء التراث العربي
72. وفيات الاعيان، اين خلكان، دار الصادر
73. ينابيع المودة، قندوزي، مؤسسة الأعلمي

از همین قلم قلم:

رسول الله صلى الله عليه وآله الكوى زندگى

امام على عليه السلام الكوى زندگى

فاطمه عليها السلام زندگى

امام حسن عليه السلام الكوى زندگى

امام حسين عليه السلام الكوى زندگى

امام سجاد عليه السلام الكوى زندگى

امام باقر عليه السلام الكوى زندگى

امام صادق عليه السلام الكوى زندگى

امام كاظم عليه السلام الكوى زندگى

امام رضا عليه السلام الكوى زندگى

امام جواد عليه السلام الكوى زندگى

امام هادى عليه السلام الكوى زندگى

امام مهدى عليه السلام اميد زندگى

زيباترين سخن

پژوهشى در علوم قرآن

امام على عليه السلام جمهوريت

برای آشنایی با اندیشه و رفتار عرشی عترت دیگر آثار را نیز مطالعه نمایید

ص: 176

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

